ISSN 2759-3525

千葉大学ユーラシア言語文化論集
別冊 第2号

中国都市在住モンゴル人女性のオーラルヒストリー

児玉香菜子・サランゲレル 編

ئەوەی دەیکات، دەکۆشێت لەو ڕێیەی ئەوانی لەو دەکات، هەروەها لە دەکات
ئەبێتە هەروەها دەکەوێتە دەستپێکردن

بەرهەمی وێنەیی هەو سەکەوە وێنەی بەرێتەی بیرهێنەر لە بیر مەرگی

سکرێت . هەیبر ڕێبوە ئەنگێتیوی
ئەو 3 ی/ی 2024

پهرښتهې ژبېسم

پېښرب پدرې ..... (3)

نږدې، رهږسمې هو ,ستېرې پرې نې ..... (7)

کېږ هو پهمسمې ,وګډه سوسټېدې دې دوهېدې وسسرم ګډېږې پرې ..... (9)

سوب ژبېدې لې صفګېږم ټهمه مسټر رېګنتېم پدرې لې رېهم پرې ..... (27)

پېښهې ګوګهې ,ېږهې سګېدې کدې ټدې پدرې ..... (33)

رېمکې . سلسم رېصرېښتېم و صفوا مې ,ستېرې پرې نې ..... (45)

ګنتې پېهېدې پګېدې م وسرې پګصرېلې پرې ..... (47)

مرم ستېمسو دې هېمګو وسسرم ګدکرېدې پرې ..... (59)

ژېمکې، وږعدې هو ,ستېرې پهرښتهې پرې ..... (67)

هېستېهدې م پدګهې ګوګهې ستېم پګې پرې ..... (69)

رېصنشرب پدرې ..... (85)

ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠯᠠᠨ᠂ ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠯᠠᠨ᠂ ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠯᠠᠨ

᠂᠂᠂

دلیرانه و پرشور ایستادند و در برابر دشمن مقاومت کردند. این مقاومت نه تنها برای مردم محلی الهام‌بخش بود، بلکه به عنوان نمادی از وحدت و همبستگی میان اقوام مختلف در تاریخ منطقه ثبت شد.

در سال ۱۹۴۰ هم یک گروه از نیروهای محلی به رهبری مردی به نام «عبدالرحمان سرخه‌کوه» در دره‌ی تنگ‌آب علیه نیروهای محلی وارد عمل شدند. این گروه که حدود ۱۲۰ نفر را شامل می‌شد، به مدت سه ماه در کوه‌های اطراف دره پناه گرفته بود و از آنجا به پادگان‌های کوچک حمله می‌کرد. عبدالرحمان سرخه‌کوه که پیش از این در جنگ‌های محلی شرکت کرده بود، تجربه‌ی زیادی در جنگ چریکی داشت و توانست نیروهای خود را با نظم و انضباط نسبی اداره کند. گزارش‌های محلی نشان می‌دهد که او هرگز به شهرها نرفت و تا پایان عمر در همان دره باقی ماند.

در سال ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ دو گروه دیگر در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه شکل گرفتند که هر دو به رهبری عبدالرحمان سرخه‌کوه فعالیت می‌کردند. این دو گروه در مجموع حدود ۳۰۰ نفر را شامل می‌شدند و در مجموع ۱۷ حمله به پادگان‌های کوچک انجام دادند. در سال ۱۹۶۱ یک گروه ۴۰ نفره به پادگان شهر «سنگ‌بست» حمله کرد و توانست ۱۲ قبضه تفنگ و مقدار زیادی مهمات را غنیمت بگیرد. این حمله نشان داد که نیروهای محلی می‌توانند در برابر نیروهای منظم مقاومت کنند و حتی در برخی موارد پیروز شوند.

در سال ۱۹۶۲ نیروهای منظم با اعزام یک گروه ۲۰۰ نفره به منطقه‌ی دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه، عملیات گسترده‌ای را علیه نیروهای محلی آغاز کردند. این عملیات شامل بمباران هوایی و استفاده از توپخانه بود. در این عملیات حدود ۴۰ نفر از نیروهای محلی کشته شدند و بقیه به کوه‌های اطراف عقب‌نشینی کردند. عبدالرحمان سرخه‌کوه در این عملیات زخمی شد و مدتی در مخفی‌گاه‌ها پنهان شد. پس از این عملیات، گروه‌ها به تدریج پراکنده شدند و تا سال ۱۹۶۴ دیگر هیچ گروه منظمی در منطقه فعالیت نکرد.

در سال ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۱۹۶۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۱۹۷۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۱۹۷۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۱۹۸۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۱۹۸۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۱۹۹۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۱۹۹۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۰۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۰۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۱۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۱۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۲۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۲۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۳۰ و ۲۰۳۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۳۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۳۵ و ۲۰۳۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۳۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۴۰ و ۲۰۴۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۴۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۴۵ و ۲۰۴۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۴۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۵۰ و ۲۰۵۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۵۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۵۵ و ۲۰۵۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۵۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۶۰ و ۲۰۶۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۶۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۶۵ و ۲۰۶۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۶۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۷۰ و ۲۰۷۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۷۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۷۵ و ۲۰۷۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۷۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۸۰ و ۲۰۸۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۸۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۸۵ و ۲۰۸۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۸۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۹۰ و ۲۰۹۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۹۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۰۹۵ و ۲۰۹۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۰۹۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۰۰ و ۲۱۰۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۰۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۰۵ و ۲۱۰۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۰۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۱۰ و ۲۱۱۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۱۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۱۵ و ۲۱۱۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۱۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۲۰ و ۲۱۲۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۲۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۲۵ و ۲۱۲۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۲۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۳۰ و ۲۱۳۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۳۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۳۵ و ۲۱۳۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۳۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۴۰ و ۲۱۴۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۴۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۴۵ و ۲۱۴۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۴۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۵۰ و ۲۱۵۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۵۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۵۵ و ۲۱۵۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۵۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۶۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۶۵ و ۲۱۶۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۶۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۷۰ و ۲۱۷۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۷۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۷۵ و ۲۱۷۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۷۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۸۰ و ۲۱۸۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۸۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۸۵ و ۲۱۸۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۸۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۹۰ و ۲۱۹۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۹۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۱۹۵ و ۲۱۹۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۱۹۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۲۰۰ و ۲۲۰۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۲۰۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۲۰۵ و ۲۲۰۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۲۰۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۲۱۰ و ۲۲۱۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۲۱۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۲۱۵ و ۲۲۱۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۲۱۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۲۲۰ و ۲۲۲۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۲۲۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۲۲۵ و ۲۲۲۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۲۲۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۲۳۰ و ۲۲۳۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۲۳۳ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۲۳۵ و ۲۲۳۶ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه‌کوه دوباره شکل گرفتند و حمله‌هایی به پادگان‌های کوچک انجام دادند. اما این گروه‌ها دیگر نتوانستند مانند گروه‌های قبلی قدرت بگیرند و به تدریج از بین رفتند. آخرین گزارش از فعالیت نیروهای محلی در منطقه به سال ۲۲۳۸ برمی‌گردد. پس از آن هیچ گزارشی از فعالیت نیروهای محلی در منطقه ثبت نشده است.

در سال ۲۲۴۰ و ۲۲۴۱ چند گروه کوچک ۱۰ تا ۲۰ نفره در دره‌ی تنگ‌آب و دره‌ی سرخه

ᠬᠠᠪᠤᠷᠤᠨ ᠳᠤ ᠨᠢᠭᠡᠨ ᠴᠠᠭᠲᠠᠢ ᠬᠣᠯᠪᠣᠭᠳᠠᠬᠤ ᠬᠣᠭᠣᠷᠣᠨ ᠳᠤ ᠪᠠᠢᠭᠤᠯᠬᠤ ᠪᠣᠯᠤᠨᠳᠠ

ᠮᠣᠩᠭᠣᠯ ᠤᠨᠳᠤᠰᠤᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠬᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠳᠠᠪᠠ᠂᠂

ᠪᠣᠳᠣᠯ ᠴᠣᠭᠴᠠᠭᠠᠨ ᠳᠤ ᠮᠣᠩᠭᠣᠯ ᠤᠨᠳᠤᠰᠤᠨ ᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ᠂ ᠮᠣᠩᠭᠣᠯ ᠤᠨᠳᠤᠰᠤᠨ ᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠴᠠᠭᠲᠠᠢ ᠬᠣᠯᠪᠣᠭᠳᠠᠬᠤ ᠬᠣᠭᠣᠷᠣᠨ ᠳᠤ᠂᠂ ᠪᠣᠳᠣᠯ ᠴᠣᠭᠴᠠᠭᠠᠨ ᠳᠤ ᠮᠣᠩᠭᠣᠯ ᠤᠨᠳᠤᠰᠤᠨ ᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ᠂ ᠮᠣᠩᠭᠣᠯ ᠤᠨᠳᠤᠰᠤᠨ ᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠴᠠᠭᠲᠠᠢ ᠬᠣᠯᠪᠣᠭᠳᠠᠬᠤ ᠬᠣᠭᠣᠷᠣᠨ᠂ ᠪᠣᠳᠣᠯ ᠴᠣᠭᠴᠠᠭᠠᠨ᠂ ᠪᠣᠳᠣᠯ ᠴᠣᠭᠴᠠᠭᠠᠨ ᠳᠤ᠂

نہریں، رہگزرسمجھ ہو، ہیشہ پرکار نہیں

ダリマーさん

کمپنی چی د ښوونځیو د روغتیا وړتیا لرونکی ګرځنده ټیم جوړوي

سټیګر (پ ر ځ) چې پټنګر ته نږدې ۱۹۲۹ م کال کې مېشته دی .. وایي
د ښوونځیو د روغتیا وړتیا لرونکی ګرځنده ټیم د ۹۸ زلمیو د ګډون سره د ګرځنده ټیم د جوړولو پروګرام پرمختګ کړی . دوی وایي، هغه زلمي چې د ټیم د جوړولو لپاره کار کوي د ښوونځیو د ماشومانو د روغتیا د وړتیا د لوړولو لپاره د ګرځنده ټیم د جوړولو لپاره د ګډون وړ دي .. ګرځنده ټیم

ᠳᠤᠷᠠᠳᠤᠨᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠨ

ᠳᠤᠷᠠᠳᠴᠢᠨᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠳᠤᠷᠠᠳᠴᠢᠨᠳᠤ ᠮᠥᠨᠬᠡᠨ

ᠬᠣᠭᠣᠷᠳᠤᠨᠳᠤ᠄

ᡳᡠᡵᡳᡴᡝᡵᡳᠨᡳ ᡴᡳᡳ

ئەمە ئەو شوێنە بوو کە ئەو کچە لە دایک بووە، ناوی مریەم بوو، کچی عیمران، کچی ماثان، کچی زەرەبابیل، کچی شەئەلتیئیل، کچی یەهودا، کچی یاکوب، کچی ئیسحاق، کچی ئیبراهیم، کچی تارح، کچی ناحور، کچی سارووغ، کچی رائو، کچی فالەغ، کچی عەبەر، کچی شالەح، کچی قەینان، کچی ئەرفەخشەد، کچی سام، کچی نوح، کچی لامەک، کچی متوشالەح، کچی ئەخنوخ، کچی یارد، کچی مەهلائیل، کچی قەینان، کچی ئەنوش، کچی شیث، کچی ئادەم، کچی خودا.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢:١-١٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٣:٢٣-٣٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١:١-١٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١:٢٦-٣٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١:١٨-٢٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١:٣٩-٥٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢:١-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢:١-٣٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢:١٣-٢٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢:٣٩-٥٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٣:١-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٣:١-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٣:١٣-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٣:٢١-٢٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٤:١-١١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٤:١-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٤:١٢-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٤:١٤-٣٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٤:١٨-٢٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٤:٣١-٣٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٤:٢٣-٢٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٤:٣٣-٤٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٨:١-٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٥:١٢-١٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٨:٥-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٥:١٧-٢٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٨:١٤-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٥:٢٧-٣٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٨:١٨-٢٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٥:٣٣-٣٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٨:٢٣-٢٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٦:١-٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٨:٢٨-٣٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٦:٦-١١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٩:١-٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٦:١٢-١٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٩:٩-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٦:١٧-٤٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٩:١٤-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٧:١-١٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٩:١٨-٢٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٧:١١-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٩:٢٧-٣١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٧:١٨-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٩:٣٢-٣٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٧:٣٦-٥٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٩:٣٥-٣٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٨:١-٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٠:١-٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٨:٤-١٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٠:٥-١٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٨:١٦-٢١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٠:١٦-٢٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٨:٢٢-٣٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٠:٢٤-٣٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٨:٤٠-٥٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٠:٣٤-٤٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:١-٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١١:١-١٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:١٠-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١١:١٦-١٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:١٨-٢٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١١:٢٠-٢٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:٢٨-٣٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١١:٢٥-٣٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:٣٧-٤٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٢:١-٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:٤٦-٥٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٢:٩-١٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:٥١-٥٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٢:١٥-٢١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:٥٧-٦٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٢:٢٢-٣٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٠:١-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٢:٣٨-٤٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٠:١٣-١٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٢:٤٦-٥٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٠:١٧-٢٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٣:١-٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٠:٢٥-٣٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٣:١٠-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٠:٣٨-٤٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٣:١٨-٢٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١١:١-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٣:٢٤-٣٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١١:١٤-٢٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٣:٣١-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١١:٢٩-٣٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٣:٣٦-٤٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١١:٣٣-٥٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٣:٤٤-٥٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٢:١-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٣:٥٤-٥٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٢:١٣-٢١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٤:١-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٢:٢٢-٣٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٤:١٣-٢١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٢:٣٥-٤٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٤:٢٢-٣٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٢:٤١-٥٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٤:٣٤-٣٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٣:١-٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٥:١-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٣:١٠-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٥:٢١-٢٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٣:١٨-٢١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٥:٢٩-٣١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٣:٢٢-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٥:٣٢-٣٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٤:١-٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٦:١-٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٤:٧-١٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٦:٥-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٤:١٥-٢٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٦:١٣-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٤:٢٥-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٦:٢١-٢٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٥:١-٣٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٧:١-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٦:١-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٧:١٤-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٦:١٤-٣١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٧:٢١-٢٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٧:١-١٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٧:٢٤-٢٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٧:١١-١٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٧:٢٨-٣٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٧:٢٠-٣٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٨:١-٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٨:١-٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٨:١٠-١٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٨:٩-١٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٨:١٥-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٨:١٥-٣٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٨:٢١-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٨:٣١-٤٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٩:١-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٩:١-١٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٩:١٣-١٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٩:١١-٢٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٩:١٦-٢٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٩:٢٨-٤٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ١٩:٢٣-٣٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٩:٤١-٤٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٠:١-١٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٩:٤٥-٤٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٠:١٧-١٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٠:١-٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٠:٢٠-٢٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٠:٩-١٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٠:٢٩-٣٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٠:٢٠-٤٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢١:١-١١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٠:٤١-٤٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢١:١٢-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٠:٤٥-٤٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢١:١٨-٢٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢١:١-٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢١:٢٣-٣٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢١:٥-٣٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢١:٣٣-٤٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢١:٣٤-٣٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٢:١-١٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢١:٣٧-٣٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٢:١٥-٢٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٢:١-٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٢:٢٣-٣٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٢:٧-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٢:٣٤-٤٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٢:١٤-٢٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٢:٤١-٤٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٢:٢٤-٣٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٣:١-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٢:٣١-٣٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٣:١٣-٢٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٢:٣٥-٤٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٣:٢٣-٣٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٢:٤١-٤٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٣:٣٤-٣٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٢:٤٧-٥٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٤:١-١٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٢:٥٤-٦٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٤:١٥-٢٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٢:٦٣-٧١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٤:٢٩-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٣:١-٢٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٤:٣٦-٤٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٣:٢٦-٣٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٤:٤٥-٥١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٣:٣٤-٤٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٥:١-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٣:٤٦-٥٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٥:١٤-٣٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٤:١-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٥:٣١-٤٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٤:١٣-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٦:١-١٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢٤:٣٦-٥٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٦:١٧-٢٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١:١-٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٦:٢٦-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١:٥-٢٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٦:٣٦-٤٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١:٢٦-٣٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٦:٤٧-٥٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١:٣٩-٥٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٦:٥٧-٦٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١:٥٧-٦٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٦:٦٩-٧٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١:٦٧-٨٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٧:١-١٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢:١-٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٧:١٥-٢٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢:٨-١٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٧:٢٧-٣٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢:١٥-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٧:٣٥-٤٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢:٢١-٣٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٧:٤٥-٥٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٢:٣٩-٥٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٧:٥٥-٦٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٣:١-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١-١٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٣:٢١-٢٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٦-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٣:٢٣-٣٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٤:١-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٤:١٤-٣٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٤:٣١-٣٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٤:٣٣-٤٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٥:١٢-١٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٥:١٧-٢٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٥:٢٧-٣٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٥:٣٣-٣٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٦:١-٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٦:٦-١١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٦:١٢-١٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٦:١٧-٤٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٧:١-١٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٧:١١-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٧:١٨-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٧:٣٦-٥٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٨:١-٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٨:٤-١٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٨:١٦-٢١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٨:٢٢-٣٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٨:٤٠-٥٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:١-٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:١٠-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:١٨-٢٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:٢٨-٣٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:٣٧-٤٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:٤٦-٥٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:٥١-٥٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ٩:٥٧-٦٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٠:١-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٠:١٣-١٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٠:١٧-٢٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٠:٢٥-٣٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٠:٣٨-٤٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١١:١-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١١:١٤-٢٨.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١١:٢٩-٣٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١١:٣٣-٥٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٢:١-١٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٢:١٣-٢١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٢:٢٢-٣٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٢:٣٥-٤٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٢:٤١-٥٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٣:١-٩.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٣:١٠-١٧.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٣:١٨-٢١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٣:٢٢-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٤:١-٦.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٤:٧-١٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٤:١٥-٢٤.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٤:٢٥-٣٥.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٥:١-٣٢.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٦:١-١٣.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٦:١٤-٣١.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٧:١-١٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی مەتا، ٢٨:١٨-٢٠.

سەرچاوە: کتێبی پیرۆز و ئینجیلی لوقا، ١٧:١١

ᠬᠣᠭᠣᠷᠣᠨᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ᠂ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ᠂ ᠬᠣᠯᠣᠨᠳᠤ᠂ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ᠂ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ᠂ ᠪᠠᠭᠠ᠂ ᠬᠣᠭᠣᠷᠣᠨᠳᠤ

کوهستان د هغو ځایونو د نومونو د لیکنې لپاره یې کارول کېږي چې د ځمکې د مخ له سطحې څخه لاندې وي. د ځمکې د مخ له سطحې څخه لاندې ځایونه ډېر ګڼ شمېر نه دي او ډېرې برخې یې د ګرمۍ له امله د اوسېدو وړ نېستې دي. د ځمکې د مخ له سطحې څخه لاندې ځایونه د ځمکې د مخ له سطحې څخه لاندې د ځمکې د مخ له سطحې څخه لاندې د ځمکې د مخ له سطحې څخه لاندې

ᠬᠤᠭᠤᠷᠠᠨ ᠳᠤ ᠪᠤᠶᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠭᠠᠳᠠᠭᠠᠨ

ᠯᠠᠭᠠᠷᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤᠨᠳᠤ

ژیلەکە دەستی کرد بە هەڵپڕین و هاوار کرد: «ئەوە ئەو کەسەیە کە دەیبینم!» ئەو کچە ڕووی لە دایکی کرد و پرسی: «ئایا ئەوە ئەو کەسە نییە کە لە خەونەکانمدا دەیبینم؟» دایکی وەڵامی دایەوە: «بەڵێ کچەکەم، ئەوە ئەو کەسە نییە کە لە خەونەکانتدا دەیبینی، بەڵام ئەوە ئەو کەسە نییە کە ئێستا لە بەردەمتدایە.»

کچەکە ڕووی لە ئەو کەسە کرد و پرسی: «ئەی تۆ کێی؟» ئەو کەسە وەڵامی دایەوە: «من ئەو کەسەم کە لە خەونەکانتدا دەیبینی، بەڵام ئەوە ئەو کەسە نییە کە ئێستا لە بەردەمتدایە.» کچەکە ڕووی لە دایکی کرد و پرسی: «ئەی ئەو کێیە؟» دایکی وەڵامی دایەوە: «ئەو کەسە کە ئێستا لە بەردەمتدایە، ئەوە ئەو کەسە نییە کە لە خەونەکانتدا دەیبینی، بەڵام ئەوە ئەو کەسە نییە کە لە ڕاستیدا لە بەردەمتدایە.»

کچەکە دەستی کرد بە هەڵپڕین و هاوار کرد: «ئەوە ئەو کەسەیە کە دەیبینم!» ئەو کچە ڕووی لە دایکی کرد و پرسی: «ئەی ئەو کێیە؟» دایکی وەڵامی دایەوە: «ئەو کەسە کە ئێستا لە بەردەمتدایە، ئەوە ئەو کەسە نییە کە لە خەونەکانتدا دەیبینی، بەڵام ئەوە ئەو کەسە نییە کە لە ڕاستیدا لە بەردەمتدایە.»

ᠬᠣᠯᠪᠣᠭᠳᠠᠯ ᠳᠤᠮᠳᠠ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠳᠣᠯᠴᠣᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ᠂ ᠪᠤᠳᠠᠨᠢᠢ ᠳᠤᠮᠳᠠ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠳᠣᠯᠴᠣ

ᠬᠣᠯᠣᠨᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠴᠠᠭᠠᠨ

ᠬᠤᠳᠠᠯᠳᠤᠨ᠂

ئەمەش لە کاتێکدایە هێشتا ڕەخنەی توندی لێکۆڵینەوەکە لە ئارادا هەیە، بەڵام هەروەها ئەوەش ڕەتناکرێتەوە کە هەندێک لە سەرچاوەکان هەوڵیان دابێت کێشەکە بچووک بکەنەوە.

ڕاوێژی لە گەڵ ئەنجام

هاوکات لە کاتی ڕاوێژکردنی هەڵوێستی ئەنجامدا، ڕاوێژکاران ئاماژەیان بە گرنگی ڕاوێژکردنی هەموو لایەنەکان کرد بە پێی یاسا و ڕێنماییە کۆنسێرڤاتیڤەکانی ئەنجامدان، بەڵام هەروەها ئەوەش ڕەتناکرێتەوە کە هەندێک لە سەرچاوەکان هەوڵیان دابێت کێشەکە بچووک بکەنەوە، بەتایبەتی کاتێک کە باس لە کاریگەری دارایی و یاسایی دەکرێت لەسەر کۆمپانیا بچووکەکان و ئەو کارمەندانەی کە ئەو کۆمپانیایانە دەیانەوێت بیانپارێزێت.

ジンファーさん

ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠯᠠᠨ ᠳᠤᠮᠳᠠᠳᠤ ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠯᠠᠨ ᠳᠤᠮᠳᠠᠳᠤ ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠯᠠᠨ ᠳᠤᠮᠳᠠᠳᠤ ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠯᠠᠨ ᠳᠤᠮᠳᠠᠳᠤ

᠂᠂ᠠᠷᠠᠪᠳᠠᠨ᠂

᠂᠂᠂

ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠨ᠂ ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠨ᠂ ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠨ᠂

ᠬᠤᠳᠠᠯᠳᠠᠨ ᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠠᠪᠴᠠᠭᠠᠯᠳᠠᠨ ᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰ

ནང་ནས་ཁ་ཕྱིར་ཕྱིན་ཏེ། ཁ་ཆུ་ཁ་ཆ་ཡ་ཡ་ཡ། ཁ་ཆ་ཡ་ཡ་ཡ། ཁ་ཆ་ཡ་ཡ་ཡ།

インチュンさん

ᠬᠤᠳᠠᠯᠳᠤᠨ᠂ ᠨᠢᠭᠤᠯᠠᠰᠤᠨ᠂ ᠬᠤᠪᠢᠳᠤᠨ᠂ ᠬᠤᠪᠢᠳᠤᠨ᠂ ᠬᠤᠪᠢᠳᠤᠨ᠂ ᠬᠤᠪᠢᠳᠤᠨ᠂

ᠬᠤᠳᠠᠯᠳᠤᠨ᠂ ᠨᠢᠭᠤᠯᠠᠰ

ᠬᠣᠭᠣᠷᠳᠤᠨ ᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ ᠳᠤ

ᠬᠣᠯᠪᠣᠭᠳᠠᠭᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠠᠭᠰᠢᠳ᠂ ᠬᠣᠭᠣᠷᠣᠨᠳᠤ ᠬᠣᠭᠣᠷᠣᠨᠳᠤ ᠬᠣᠭᠣᠷᠣᠨᠳᠤ

ᠬᠣᠭᠣᠷᠳᠤᠨ ᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠯ ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ᠂ ᠬᠣᠭᠣᠷᠳᠤᠨ ᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠯ

ښاغلی د زړه ښکلی ، ښاغلی د زړه ښکلی او ګډ ټیم له ۱۹۷۰ نه وړاندې

ᠬᠣᠯᠪᠣᠭᠳᠠᠭᠠᠨ᠂ᠪᠣᠯᠣᠨ᠂᠂᠂

ᠬᠣᠯᠪᠣᠭᠳᠠᠯ ᠳᠤᠮᠳᠠ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ

ᠬᠣᠯᠣᠪᠣᠷᠢᠳᠤᠭᠠᠷ ᠳᠤᠮᠳᠠᠳᠤᠨᠳᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤ

ᠬᠣᠭᠣᠷᠳᠤᠬᠠᠨ ᠬᠣᠯᠪᠣᠭᠳᠠᠵᠤ ᠪᠠᠢᠭᠠᠭᠰᠠᠨ᠂ ᠮᠣᠩᠭᠣᠯ ᠤᠨᠳᠤᠰᠤᠨ ᠳᠤ᠂ ᠬᠣᠭᠣᠷᠳᠤᠬᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ

ᠬᠣᠯᠣᠨᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ᠂ ᠬᠣᠭᠣᠷ

بەدەرچوون

بەشداربوونی ئەندامانی کۆمەڵەی پەرلەمانی لە بەرەی دەسەڵاتی یاسادانان لە کۆتایی مانگی ڕابردوودا لە 2018 لە ماڵی کۆمەڵەی ئەهلی لە هۆڵی ئەنجامدرا. ئەنجامی ڕاپرسییەکە دەریخست کە ٦٩ لە سەدا لە وەڵامدەرانی ڕەوتی نەزانیاری هەن سەبارەت بەوەی کە ئایا دەبێت بەرەی دەسەڵات بەردەوام بێت لە بەشداریکردن لە هەڵبژاردنەکانی داهاتوودا. ئەنجامەکە ئاماژە بە جیاوازییەکی گەورە دەکات لە نێوان ڕەوتە جیاجیاکانی ناو بەرەکە، کە تەنها ٢٢ لە سەدا لە ڕەوتی ئازادی و گەشەپێدانی کۆمەڵایەتی ڕەزامەندی خۆیان دەربڕی لەسەر بەردەوامبوونی بەرەکە، بەڵام ٦١ لە سەدا لە ڕەوتی یەکسانی و دادپەروەری کۆمەڵایەتی داوای گۆڕانکاری گەورە دەکەن لە پێکهاتەی بەرەکەدا پێش هەڵبژاردنی داهاتوو.

ئاسۆس عەبدوڵڵا : وا دەر دەکەوێت ئەمەش ئەنجامی ٧٥ لە سەدای ڕاپرسییەکە بێت، بەڵام ئەوە ئەوە : ئەو بەرەی کە دەبێتە هۆی گۆڕانکاری گەورە لە سەرەوەی بەرەکەدا، بەتایبەتی لە ڕەوتی یەکسانی و دادپەروەری کۆمەڵایەتی، کە ڕەخنەی لە کەمتەرخەمی و بەدواداچوونی ئەنجامەکانی هەڵبژاردنی ڕابردوو هەیە. ئەو ڕەخنانە لە ڕاپۆرتێکی تایبەتی کە لە لایەن ئەندامانی ڕەوتەکەوە ئامادەکراوە، هاتووە کە ڕەوتەکە پێویستی بە گۆڕانکاری هەیە لە شێوازی کارکردن و پەیوەندیکردن لەگەڵ دەنگدەرانی گەنجدا. ئەو ڕاپۆرتە ئاماژە بە ئەوە دەکات کە زۆربەی ئەو کەسانەی کە دەنگیان بە بەرەکە دا لە هەڵبژاردنی ٢٠١٩ دا، ئەوە ڕوونکراوەتەوە کە ئەوان ئامادەن جارێکی تر دەنگ بە بەرەکە بدەن، بەڵام بە مەرجێک گۆڕانکاری ڕاستەقینە ڕوو بدات لە ماوەی ساڵێکی داهاتوودا.

بەڕێز سەرۆکی کۆمەڵەی پەرلەمانی لە وەڵامی ئەو ڕەخنانەدا ڕایگەیاند کە ئەوان ئامادەن لە کۆبوونەوەیەکی فراوان لەگەڵ ئەندامانی ڕەوتەکەدا بکەن لە مانگی داهاتوودا، کە تەرخان کراوە بۆ گەڕان بە دوای چارەسەرە گونجاوەکاندا بۆ ئەو کێشانەی کە ڕەخنەگرەکان ئاماژەیان پێکردووە. وتی ئەوە کاتێکی گرنگە بۆ ئەوەی ڕەوتەکە بتوانێت وەڵامی ئەو پرسیارانە بداتەوە کە لە لایەن خەڵکەوە ئاراستە کراون، بەتایبەتی ئەو پرسیارانەی کە پەیوەندیدارن بە کۆمەڵگای گەنجەوە. ئەو وتی کە ئەوان ئامادەن هەموو ئەو شتانە بگۆڕن کە پێویستە بگۆڕدرێن بۆ ئەوەی ڕەوتەکە بتوانێت بەردەوام بێت لە ڕۆڵگێڕان لە ژیانی سیاسی هەرێمەکەدا.

ܡܠܟܐ ܕܠܐ ܡܬܩܪܝܢ ܗܘ ,ܡܬܩܪܝܢ ܐܝܟܢܐܝܬ ܡܠܟܐ ,ܡܠܟܐ

オユンゲレルさん

ᠬᠣᠯᠪᠣᠭᠳᠠᠯ ᠪᠣᠯᠣᠨ ᠳᠤᠮᠳᠠᠳᠤ ᠬᠡᠯᠡᠯᠴᠡᠬᠦᠢ ᠨᠣᠮᠳᠤᠨ

᠂᠂᠂

ᠪᠣᠳᠣᠯᠠᠨ᠂ ᠪᠣᠳᠣᠯᠠᠨ᠂ ᠪᠣᠳᠣᠯᠠᠨ᠂

هەر سەم لە وسپر نێر د دررنێر وسپر هێنسو مەکو لە هەبەرێ مر هەبەر .. مەلم ڤشتم لەو وسپر لە وسپر لە هەو سەم لە مەکەم مەلم مەرێ مر دررنێر وسپر هەبەر . وف ،ڤەنتیەم لەو مەکەم مەلم لە مەکەم مەرێ مر دررنێر وسپر لە سپەرنی وسپر و مەکەم مەرەکەنی وسپر لە 1980 .. سپەرنی هەبەر لە مەکەم لە وسپر لە 31.5 هو مەر لە سپەرنی 41.5 .. لەو مەر لە وسپر لە کەرکو سپەرنی هو ڤشتەم ،مەکەم لە کەرکو لە وسپر لە کەرکو لە وسپر لە مەکەم . نێرن نەرم و ڤنر نەسپەرنی هەمەسپر هەمەسپر ڤەمەکو لە کەرکو لە وسپر لە کەرکو لە وسپر لە مەکەم . ،مەکەم ،مەکەمەسپەرنی . کەرکو ،مەکەم لە هو مەکەم ،مەکەم لە کەرکو لە وسپر لە مەکەم لە وسپر لە کەرکو لە وسپر لە مەکەم لە وسپر لە کەرکو لە وسپر لە مەکەم لە وسپر

ᠳᠤᠷᠠᠳᠤ ᠳᠤᠴᠢᠶᠠᠨ᠂ ᠴᠠᠭᠠᠨ᠂ ᠴᠠᠭᠠᠨ᠂ ᠳᠤᠴᠢᠶᠠᠨ᠂ ᠳᠤᠷᠠᠳᠤ᠂

ᠬᠣᠶᠠᠷ ᠳᠤᠮᠳᠠᠳᠤ ᠨᠢᠭᠡᠨᠳᠡᠭᠡᠳᠦᠭᠡᠷ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ᠂ ᠬᠣᠶᠠᠷ ᠳᠤᠮᠳᠠᠳᠤ ᠨᠢᠭᠡᠨᠳᠡᠭᠡᠳᠦᠭᠡᠷ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠ

ᠬᠤᠳᠠᠯᠳᠤᠨ ᠳᠤ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠭᠤᠢ ᠴᠢᠳᠠᠪᠤᠷᠢ ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ᠂᠂ ᠬᠣᠭᠣᠷᠣᠨᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠ

ᠬᠤᠷᠠᠨᠭᠤ ᠪᠣᠯᠤᠨ᠄᠄

᠓᠓᠓᠓ ᠓᠓᠓᠓

ᠬᠣᠭᠣᠷᠠᠨ᠂ ᠪᠢᠳᠡᠨᠢᠭᠡᠴᠡ᠂ ᠮᠣᠩᠭᠣᠯᠤᠨᠤᠳᠤᠨ᠂ ᠪᠣᠯᠤᠨ

ᠬᠠᠨᠳᠠᠨ᠂ ᠮᠣᠩᠭᠣᠯ ᠤᠨᠳᠤᠰᠤᠨ᠂ ᠬᠣᠶᠠᠷ ᠳᠤᠮᠳᠠ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠯᠪᠠ᠃ ᠮᠣᠩᠭᠣᠯ ᠤᠨᠳᠤᠰᠤᠨ᠂ ᠬᠣᠶᠠᠷ ᠳᠤᠮᠳᠠ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠ

هەروەها ،،

وە زەنگینەکو . زەنگینەکو . هەڵەیەکو کەوتە بەستێنی کوردی لە ئەنجامی ئەو هەڵەیە کە « ڕەزا شاکر » وای کرد کە دەقی وە دەنگەکو ، هەروەها لە سەرچاوەی وەرگێڕدراو لە زمانی سویدی لە ئەنجامی ئەو هەڵەیە کە هەمو ئەو وشانەی کە لە زمانی کوردیدا هەن و بە کوردی دەڵێین ، بەڵام لە سوید

姨娘

د سرو رهغه لوی رهغه وه چې ما ته یې وکړل ،، ځکه چې ما ته یې ښکلی رهغه وه چې ما ته یې وکړل ،، هغه ښځ

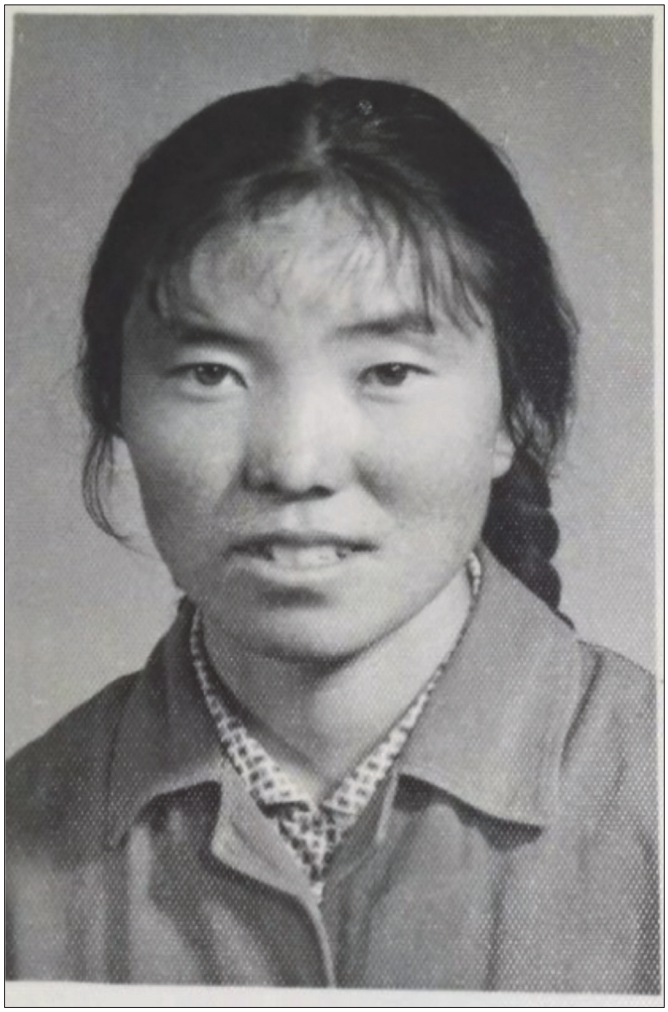

ツァヤンジさん

سلام متمدنانه در هیچده وسیله عکسبرداری نمیشه

چاپ، پخش یا عکسبرداری هم نمیشه. عکس‌های مستند عکاسی که در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شن، فقط برای مطالعه و پژوهش هنری در دسترس قرار می‌گیرن. اما عکس‌های خانوادگی، عکس‌های کودکان، عکس‌های پرسنل و هر تصویری که شامل انسان باشه، تحت قانون حق خصوصی و امنیت اطلاعات قرار می‌گیره. یعنی حتی اگر یه نفر بخوای یه عکس ساده از دوستش بگیره و بذاره تو اینستاگرام، باید اجازه بگیره. نه فقط از نظر اخلاقی، بلکه از نظر حقوقی هم ممکنه مشکل‌ساز باشه. مخصوصاً وقتی طرف مقابل زن باشه و فرهنگ محلی هم روی این موضوع حساسیت داشته باشه. در بعضی از مناطق، حتی نشان دادن صورت زن بدون حجاب در عکس، می‌تونه باعث برخورد رسانه‌ای و حتی پیگیری قضایی بشه. برای همین خیلی‌ها ترجیح می‌دن اصلاً ریسک نکنن و از همه چیز فاصله بگیرن.

عکس‌های قدیمی و آرشیوی

عکس‌های قدیمی و آرشیوی هم یه بحث جداگانه‌ان. خیلی‌ها فکر می‌کنن چون عکس خیلی قدیمی شده، دیگه مشکلی نداره. ولی قانون فرقی بین عکس امروز و عکس ۲۰ سال پیش نمی‌ذاره. اگر تو عکس یه نفر زنده باشه و قابل شناسایی باشه، باید اجازه بگیری. حتی اگر عکس تو یه آلبوم خانوادگی باشه و فقط برای خودت نگه داشته باشی، باز هم باید مراقب باشی که چه کسی ازش استفاده می‌کنه. یادم هست یه بار یکی از همکارام یه عکس قدیمی از یه مراسم عروسی پیدا کرد و گذاشت تو گروه تلگرامی. یکی از مهمون‌های عروسی اومد و گفت من راضی نیستم عکسم پخش بشه. همین یه جمله کافی بود که کل ماجرا جمع بشه. حتی اگر قصد بد در کار نباشه، باز هم باید احترام گذاشت.

جریمه‌ها و پیامدها

جریمه‌ها بسته به شدت تخلف و قانون محلی فرق می‌کنن. تو بعضی جاها اول یه اخطار می‌دن، بعد اگر تکرار شد جریمه نقدی می‌گیرن. تو جاهای دیگه ممکنه دوربین ضبط بشه و مدارک بره دادگاه. تو بعضی از کشورها هم اگر عکس برای تبلیغات استفاده شده باشه، مجازات سنگین‌تر می‌شه. مثلاً تو فرانسه یه شرکت به خاطر استفاده از عکس یه خانم بدون اجازه تو تبلیغات، مجبور شد ۴۵ هزار یورو جریمه بده. تو آلمان هم یه دادگاه تو سال ۲۰۱۶ حکم داد که یه عکاس باید ۱۲ هزار یورو به یه خانم بده چون عکسش رو بدون اجازه تو سایتش گذاشته بود. این مبلغ برای یه عکس ساده خیلی زیاده. پس اگر فکر می‌کنی یه عکس ساده ارزش نداره، اشتباه می‌کنی. هزینه‌ش خیلی بیشتر از ارزش خود عکسه.

چه کار باید بکنم؟

اگر می‌خوای عکس بگیری، اول از همه از طرف مقابل اجازه بگیر. اگر بچه‌ست، از والدینش اجازه بگیر. اگر تو مکان عمومی هستی و عکس فقط از دور و بدون شناسایی گرفته شده، باز هم بهتره یه تابلو بزنی یا به مردم بگی. اگر عکس برای کار هست، باید قرارداد امضا بشه و مشخص باشه عکس کجا و چطور استفاده می‌شه. اگر عکس تو شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شه، باید گزینه حذف هم وجود داشته باشه. اگر کسی ازت خواست عکسش رو پاک کنی، باید سریع و بدون بحث انجام بدی. این‌ها ساده‌ان ولی خیلی‌ها رعایت نمی‌کنن و بعد می‌رسن به دادگاه.

ھەر كەسكە ھەمراھ بولۇپ ، ھەر تەبىئەت بەدەر كەتتىكەن — چاغدا ھەر ۋە ھەر ھەممە دېگۈدەك ئۇنىڭ ۋەتىنى ، ئىنىسى ۋە ئۇرۇق-تۇغقانلىرى بولۇپ ھېسابلىنىدۇ .

ئەستىخەم : ئۇ يۈرەك ، يانغۇ نەپەس مەن ئەبدۇرەھىم ئەپەندى ۋە ئۇنىڭ ھەۋەسكارلىرى ئۈچۈن ئەڭ ئېغىر كۈن ئىدى . ئۇ ھەممە ئىشنى ئۆز كۆزى بىلەن كۆرگەن ، ئۇ ھەممە ئىشنى ئۆز قۇلاقى بىلەن ئاڭلىغان ، ئۇ ھەممە ئىشقا ئۆز قەلبى بىلەن ئىشەنگەن ئىدى .. ھەممە ئىش ئۇنىڭ كۆز ئالدىدا ، ئۇنىڭ ئەقىدىسى ۋە ئىشەنچىسى ئۈستىدە يۈز بەرگەن ئىدى ..

ژباړه د ښاغلي رشید ژباړه د ښاغلي محمود د ګرځندوي د ژباړې څخه

وګړي ..

ښاغلی هغه مهال د ځوان سړي په څېر د ګرځندوي د ژباړې د کار د پیل د مرحلې د پای ته رسېدو د وخت

ᠬᠣᠭᠣᠷᠳᠤᠨᠠᠴᠢᠨᠠᠷᠠᠨᠳᠠᠨᠠᠭᠤᠷᠪ

ᠬᠠᠭᠤᠴᠢᠨ ᠳᠤ ᠪᠤᠯᠤᠭᠠᠨᠳᠠ ᠪᠤᠶᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠳᠴᠢᠨ ᠳᠤ

ق عسسر بزمشم « نمرو م ىلىمىر ، ىىشىر ق هههق ىلىمىر ق ىلىمىر ، ىىشىر ق ىلىمىر ، ىىشىر ق ىلىمىر ، ىىش

ژمەوی، وەرەسەن هەو ڕێنمایەکانی پەیوەندیدار بە

ま

マヌさん

هیشیمەدین مە هیچەوە مشتەم وەسیم پێو بکە

پێو نیرمەم هێز ڕاڕێس ساڵیم مە ڕەکەم وێنتم ژێن مە مەیم ڕەمەیتم و ڕەمیم کەم .. ڕێشتەم مەدیکەوە ڕەمەیتم و هیشیمەدین مە هیچەوە مشتەم عەیم مە هیمەیم مەدیم هیڕەیسیم .. پێو نیرمەم و مە هەیم وە لەم هەکیم و مە دەمەیەدیم ڕەو ڕەمەیتم و مەیم ڕەمەیتم و ڕەمیم کەم .. ڕێشتەم مەدیکەوە ڕەمەیتم و هیشیمەدین مە هیچەوە مشتەم وە

ᠬᠤᠭᠤᠨ᠂ ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠯᠠᠭᠴᠢᠳᠤᠨ᠂ ᠰᠤᠷᠤᠭᠤᠨ᠂ ᠪᠠᠭᠠᠰᠤᠨ᠂ ᠬᠤᠪᠢᠳᠠᠯᠠᠭᠴᠢᠳ

ᠬᠣᠭᠣᠨᠳᠤ᠂ ᠪᠣᠯᠣᠨᠳᠤ᠂ᠬᠣᠭᠣᠨᠳᠤ᠂ᠬᠣᠭᠣᠨᠳᠤ᠂ᠬᠣᠭ

ᠬᠤᠭᠤᠷᠠᠨ᠂ ᠬᠤᠭᠤᠷᠠᠨ᠂ ᠬᠤᠭᠤᠷᠠᠨ᠂

ᠳᠤᠴᠢᠶᠠᠨᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠠᠭᠠ ᠨᠢᠭᠡᠨᠳᠡᠭᠡᠳᠦᠭᠡᠷ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠯᠪᠠᠴᠤ ᠪᠣᠯᠤᠨ᠂ ᠪᠣᠯᠤᠨ᠂ ᠪᠣᠯᠤᠨ᠂

ᠬᠠᠭᠠᠨᠳᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠭᠤᠢ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠤᠶᠠᠨ ᠳᠤᠨᠳᠠᠭᠠᠳᠤ

ᠨᠣᠶᠠᠪᠣᠨ ᠳᠤ 25 ᠳᠦᠭᠦᠯᠡᠭᠰᠡᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ᠂᠂

᠂᠂ᠵᠠᠩᠭᠤᠢ ᠳᠤ 21 ᠳᠦᠭᠦᠯᠡᠭᠰᠡᠨ᠂᠂᠂

ᠳᠤᠷᠠᠳᠤᠨ ᠳᠤᠷᠠᠳᠤᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ

ᡳᡴᡳᡳᡴᡳᡳᡴᡳ

ᠬᠣᠭᠣᠷᠳᠤᠨ ᠳᠤᠮᠳᠠᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠭᠠᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠪᠤᠶᠠᠴᠢᠳᠤᠨ ᠳᠤᠮᠳ

ᠳᠤᠷᠠᠳᠤᠨ ᠳᠤᠯᠤᠭᠤᠷᠠᠨ ᠪᠤᠶᠠᠨᠳᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠳᠤ

سەنتەر : ئەگەر ئەرزان بولسا ئەتلەس بىلەن سىلىق، ئۇنىڭ ئەسلى ئەھۋالى ئۇچۇق ئەمەس.

ئەزىزۋە ئۆتكەن ھەپتە بىر ئاياللار ئۆيىدە ئۆزلىرى ئۈچۈن ئىككى يۈز يۈەن پۇل تاپقان بولسا، ئۇلارنىڭ ئەرلىرى ئۇنىڭغا ئەيىبلەپ، «ئۆيدە ئولتۇرۇپ پۇل تاپساڭ بولمامدۇ؟» دەپ سورىغان بولسا، ئۇ ئۇلارنىڭ ھەممىسىگە ئۆزىنى ئىسپاتلاش ئۈچۈن ئىشلەشنى ئەمەس، پەقەت ئۆزىنىڭ ۋاقىتنى ئۆتكۈزۈش ئۈچۈن ئىشلەشنى خالىغانلىقىنى ئېيتقان.

2023 - يىلى 8 - ئايدا 22 - كۈنى ھەپتە ئاخىرى سەنئەتكار ئەزىزۋە ئۆتكۈزگەن ئىككىنچى قېتىملىق ئۆيدە ئىشلەش ئۇچۇرلىرى ئىنتايىن كۆپ تارقالدى. ئۇ ئۆزىنىڭ ئۆيىدە ئۆزلىرى ئۈچۈن ئىككى يۈز يۈەن پۇل تاپقان ئىككى ئايال ھەققىدە سۆزلەپ بەردى. ئۇلار ئەتىسى ئەرلىرىگە ئۆيدە ئولتۇرۇپ پۇل تاپساڭ بولمامدۇ؟ دەپ سورىغان بولسا، ئۇلار ئۆزلىرىنىڭ ئۆيدە ئولتۇرۇپ ئىشلەشنى خالىغانلىقىنى ئېيتقان. ئەزىزۋە بۇ ھەقتە مۇنداق دېدى: «ئۇلار ئۆيدە ئولتۇرۇپ ئىشلەشنى خالىغانلىقتىن، مەن ئۇلارغا ئۆيۈمنى ئېچىپ بەردىم. ئۇلار ئۆيۈمگە كېلىپ، ئۆزلىرى ئۈچۈن ئىككى يۈز يۈەن پۇل تاپتى.

ᠬᠦᠮᠦᠨᠳᠦ᠄ ᠬᠣᠯᠣᠨᠳᠤ᠄ ᠬᠣᠯᠣᠨᠳᠤ᠄ ᠬᠣᠯᠣᠨᠳᠤ

ᠬᠤᠪᠢᠳᠤᠨᠤ ᠳᠤᠷᠠᠳᠴᠢᠨᠤᠳ

᠐᠐᠐᠑᠓᠓᠓

ᠬᠣᠭᠣᠷᠳᠤᠨ᠂᠂

ᠪᠣᠯᠤᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ᠂᠂ᠮᠣᠩᠭᠣᠯᠤᠭᠳᠠᠪᠠᠷ᠂᠂᠊᠊᠊

ᠬᠣᠯᠪᠣᠭᠳᠠᠭᠠᠨ᠂ ᠪᠣᠯᠣᠨ᠂ ᠮᠣᠷᠢᠨᠳᠠᠨ᠂

ᠬᠣᠯᠣᠨᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ᠂ ᠬᠣᠯᠣᠨᠳᠤ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠳᠤᠷᠠᠯᠳᠠᠨ᠂

ᠬᠠᠪᠴᠠᠯᠠᠨ ᠳᠤ᠌ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠᠨ ᠤᠨᠳᠠᠰᠤᠨ᠂ ᠮᠣᠩᠭᠣᠯ ᠤᠨᠳᠤᠰᠤᠨ᠂ ᠪᠣᠯᠤᠨᠳᠤ᠌ ᠪᠣᠯᠤᠭᠰᠠ

هېچېر د مېرمن م (ېېر وېر ېرېسرم و مېرښ) ېرېشم (ېدر) ېرېشسرم ېرمه د ېرمه م ېدر ېرېسرم ېرمه د مېښتېر ېدېرېښه ېدېرېښ ،مېښتېر د ېدېرېښه ېدېر ېدېر هېچ ېدېر

ᠪᠣᠯᠤᠭᠠᠨᠠᠪᠠ᠂ᠪᠣᠯᠤᠭᠠᠨᠠᠪᠠ᠂ᠪᠣᠯᠤᠭᠠᠨᠠᠪᠠ᠂᠂

᠂᠂᠂

中国都市在住モンゴル人女性の

オーラルヒストリー

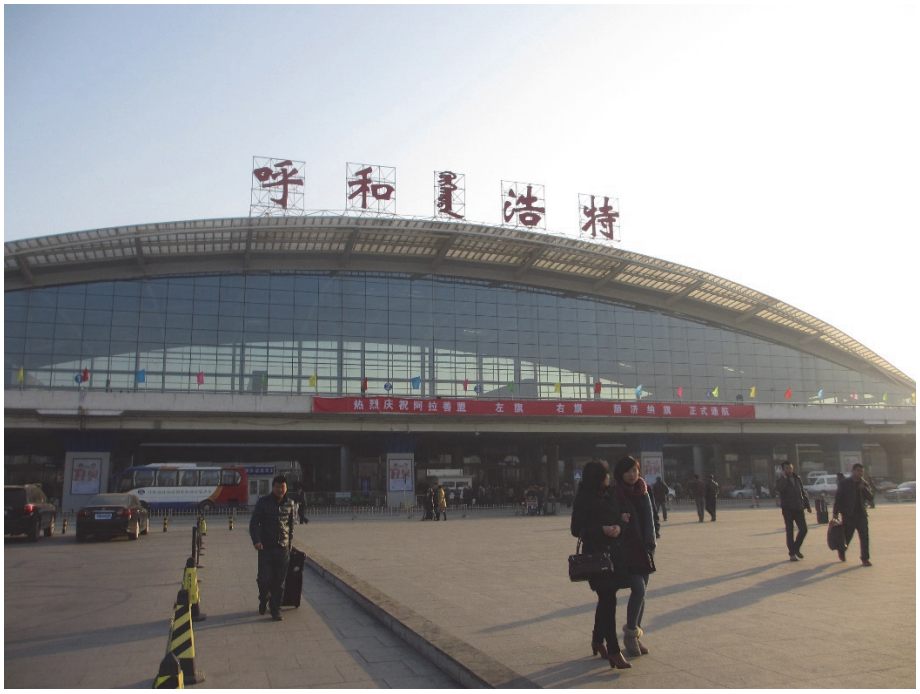

児玉香菜子・サランゲレル編

目次

まえがき 95

１．フフホト在住女性 99

日本留学を夢見た—ダリマーさん 101

50 年以上故郷に帰っていない—ジンファーさん 119

内モンゴルで著名なスポーツ選手だった—インチュンさん 123

２．盟旗中心在住女性 137

人民教師—オユンゲレルさん 139

再会を果たせず—ツァヤンジさん 151

３．北京在住女性 157

オラーンムチルの有名歌手—マヌさん 159

あとがき 175

引用文献 181

まえがき

本書の目的は中国の都市在住モンゴル人女性の都市への進出過程と生活経験をオーラルヒストリーから具体的に明らかにすることである。本書はフフホト在住の女性 3 人と旗在住の女性 2 人と北京在住の女性 1 人の計 6 名のオーラルヒストリーからなる。中国の都市の特徴は首都北京をはじめ、内モンゴル自治区（以下、内モンゴル）首府であるフフホト（呼和浩特）市といった大都市から、盟[1]、自治州[2]中心の中都市、旗[3]中心の小都市があり、移住先としての都市は 1 つではなく、その規模という点でも多層性があることである。よって、本書ではこれらの特徴をふまえて、6 名のライフヒストリーをフフホト在住、盟旗中心在住と北京在住に分け、3 部構成とした。

この 6 人のモンゴル人女性は世代や出身地が異なるにもかかわらず、共通している点として時代の混乱を挟むものの、中国における教育の普及と就労がある。教育の普及により、自身の進学や就職機会が地方出身者にも開けるとともに、結婚による都市進出においても、都市での就職を可能にしている。一方で、進学意欲が高く、日本留学や大学進学を目指していたものの、当時の事情により進学を断念していることも多くに共通している。そして、その就労の在り方は 6 名それぞれさまざまで、職業だけ見ても公務員、保育士、スポーツ選手、教師、ウラーンムチルの歌手からレストラン経営への転身と多様である。そこには都市や女性、モンゴルといった一つのカテゴリーでくくることのできない中国の 20 世紀における一人一人の多様な人生が垣間見える。

以下、本書に登場するモンゴル人女性たちの概要である。

フフホト在住のダリマー[4]さんの出身は内モンゴル、シリンゴル（錫林郭勒）盟シュローン・フフ（正藍）旗出身で、2018 年現在、90 歳であった。中華人民共和国成立以前に張北青年学校にて教育を受けており、日本留学が夢だったという。ダリマーさんは夫婦ともに国家公務員で、夫について内モンゴル各地で仕事をしていた。最終的に夫のフフホトへの異動にともない、フフホトに仕事を得て、居を定めた。

---

[1] 内モンゴル自治区の行政区画。自治区と旗の中間に位置する行政単位。

[2] 自治州の行政レベルは盟と同じである。

[3] 内モンゴル自治区行政区の名。中国の県に相当する。

[4] すでに訳出した翻訳（サランゲレル・児玉 2018）ではダリマとしたが、ダリマーに修正する。

ジンファー（金花）さんの出身は内モンゴル、ジリム盟ホルチン（科尔泌）左翼中旗ヨリンモド（腰林毛都）鎮[5]オルドハルダタ・ガチャ[6]である。1935 年、当時とても有名な金持ちの家に生まれた。ジンファーさんは 20 歳で、当時学生だった夫と結婚した。結婚後、夫がフフホト市で生活するようになったため、10 年間夫とは離れて、実家に暮らした。1967 年、32 歳のときに 3 歳の長女とともにフフホト市に上京する。3 人の娘に恵まれた。3 人の娘が少し大きくなったのちは幼稚園で保育士として働き、1999 年に 55 歳で退職する。3 人の娘たちは中学校以来、漢語で勉強している。そのため、モンゴル語を聞いて分かることができるが、流暢に話すことはできない。ジンファーさんは、現在はキリスト教を信仰している。フフホト市に来て以来一度も故郷に帰っていないという。

インチュン（迎春）さんは 1940 年に、実母の故郷であるゴルロス（郭尔罗斯）[7]に一人娘として生まれた。インチュンさんはスピードスケート選手で、1960 年代には諸外国の大会に出場し、優秀な成績を収めている。その後は、体育教師、コーチ、幹部として社会的に活躍するとともに、家事をはじめ育児教育を担ってきた。その間、中国各地で仕事をし、最終的にフフホトに居を定めた。

旗中心在住のオユンゲレルさんの職業は教師で、生活は苦しいながらも、3人の子どもたちを進学させている。家は旗中心に暮らす長男家族であるものの、子どもの家がある包頭市に長女家族と住んでいたこともあるし、北京市の末娘夫婦と住んでいたこともある。

ツァヤンジさんの居住地はフフノール（青海）省海西モンゴル族チベット族自治州（以下、海西州）デルヒー（徳令哈）市である。デルヒー市は海西州人民政府所在地で 2020 年現在人口約 9 万人[8]の中都市[9]である。ツァヤンジさんは 1949 年生まれで、都市への移住の契機となったのは教育と結婚である。早くから親元を離れ教育を受け、進学した党校[10]でそのまま職を得ている。その後、党校が解散されたのちに、田舎に戻り牧畜に従事していた。次に、都市に暮らすきっかけとなったのがデルヒー市に職を持つ夫との結婚であった。その後、党校に再び復職しているが、一人娘の子育てに専念するために退職している。

---

[5] 中国の行政区画の名。県の下に位する行政単位。郷とソムに相当する。ソムは内モンゴル自治区の行政区の名。

[6] 内モンゴル自治区行政区の名。中国の村に相当する。

[7] 現在の吉林省松原市前ゴルロス蒙古族自治県。

[8] 柴达木日报、2021 年 7 月 9 日第 003 版。

[9] デルヒー市は人口規模からみると小都市であるが、行政レベルからみると中都市である。

[10] 各級の幹部党員のための教育機関。

北京在住のマヌさんは 1947 年生まれ、77 歳（2023 年現在）、地主階級出身のため大変な苦労をしたのち、32 歳でオラーンムチル[11]に職を得て、歌手として活躍する。夫もオラーンムチルで演奏家として活躍した。2 人の子どもたちも芸術的才能に恵まれた、音楽一家である。マヌさんは 1995 年の 48 歳でオラーンムチルを退職すると、その 2 年後の 50 歳のとき、バンドを結成して北京で活躍する息子について、夫ともに北京にやってきてモンゴル料理レストランをオープンした。マヌさんのモンゴル料理レストランの顧客の多くが北京で学ぶモンゴル人学生と研究者で、そのため、立地はモンゴル人が比較的多い中央民族大学近くである。マヌさんのモンゴル料理レストラン経営は 20 年以上になる。マヌさん夫婦は経営規模を少しずつ拡大し、2023 年 9 月からは中央民族大学の新しいキャンパスのある豊台区で 1000 平方メートルものモンゴル料理レストランをオープンする準備を進めていた。

最後に、テキストは重複した箇所だけを削除するにとどめ、取材した資料は順序の変更などは一部あるものの、ほぼ手を加えることなく、公開している。

児玉香菜子

[11] 中国語で烏蘭牧騎。内モンゴル自治区の各地を巡回公演する文芸工作隊。

１．フフホト在住女性

日本留学を夢見た―ダリマーさん

はじめに

ダリマーさんは巳年で、聞き取りした時は 1929 年生まれの 86 歳（2014 年）でした[12][13]。80 代の高齢とはいえ、考えがはっきりしており、健康で、きれい好きで、快活でした。おそらく 60 過ぎといわれても誰も疑わないでしょう。それほど若い容貌です。ダリマーさんの生まれ故郷はシリンゴル盟シュローン・フフ[14]旗です。

ダリマーさんと初めてお会いした時、映画で見ていた上の世代の知識人を思い出しました。80 過ぎとは信じられないくらい健康で、すらりとして美しく、白い眼鏡をかけた清潔な老人が満面の笑みで迎えてくれました。挨拶をし、おしゃべりをし、お茶とご飯をいただく間に、ダリマーさんが考えていたよりずっと高い教養のある知識人であることが分かりました。枕元には新聞、雑誌、本が積み上げられ、それらについて 1 つ 1 つ解説してくださいました。ダリマーさんはモンゴル語と漢語の外に、日本語ができます。さらに、驚かせたのはこのように高齢であるにもかかわらず、チャハル・モンゴル人の伝統的な髪飾りの手工芸を続けていたことです。さまざまな色のサンゴ、真珠、瑪瑙などを色とりどりにつなぎ合わせて巧みに作る技術、視力のよさに心から敬服しました。もし自分の目で見

---

[12] サランゲレルが 2014 年と 2015 年に聞き取りし、2018 年 11 月の聞き取りには児玉も参加している。言語はモンゴル語である。サランゲレルがモンゴル文字に書き起こし、それを児玉とサランゲレルが翻訳した。モンゴル語版扉写真の撮影年月は 2018 年 11 月である。

[13] ダリマーさんのモンゴル語による手記が張北青年学校の卒業生による『回想録』に掲載されている（Darima　2007）。このダリマーさんの手記原文と一部日本語訳が日本にて出版公開されている（シ・ダリマ　土田訳　2017）。シ・ダリマ（2017）には張北青年学校の思い出だけでなく、第 2 章「思い出の断片」として母のこと、トゥメンゲレル伯父（トムンゲレル）、ユンロン伯父（ユールン・ジャンギ）、父についての思い出が掲載されている。この第 2 章はサランゲレルが聞き取りして書き起こしたものにダリマーさん自身が加筆修正したものであるという。シ・ダリマ（2017）には本稿ではほとんど触れられていない張北青年学校の教員たちと故郷についてと、姉セリマーについて別の方が寄稿した文章（日本語未訳）がある。ほかに張北青年学校の思い出を日本語に訳出したものにダリマー（2013）がある。

[14] 本テキストのモンゴル語表記はチャハル方言に準じる。

ていなければ、ダリマーさんが巧みに作った飾りの数々を 80 過ぎの女性が作ったとは到底信じられないでしょう。このたびの取材の意義はこれだけではありません。

―自分の仕事、生活史を話していただけませんか。祖父母、父母、きょうだい、親戚についてでかまいません。自由に話してください。

何を話しましょう。祖父は旗に仕事のある人でした。父にはきょうだいが 10 数人いたそうです。しかし、祖父の家では息子だけ死んでしまっていたそうです。そのため、父を私の祖母の妹である大叔母に養子に出し、13 歳になる時、家に再び連れて来たそうです。当時、私の父は大叔母の家から嫁に行くかのように泣きながら戻って来たそうです。後も、その大叔母と本当に良い関係で親しくしていました。私たちが幼い時、私たちの家が火事になったそうです。母が病気のため、父はその大叔母の家のそばに移ったそうです。

母が亡くなった年を数えると、1933 年の夏でしょう。私はよく覚えていません。ある朝だったでしょうか。曇り空で、少し雨が降っていました。私の祖母の妹、オムバおばあさん（父方の祖母の妹。この大叔母を私たちはオムバと呼んでいた）は姉と私の 2 人を慌てて呼んで、大人が着る古いぼろぼろの服を着せて、子ウシの放牧に行かせました。姉のセリマーは 8 歳だったので、かなり物事が分かるようになっていて、何か悪いことが起きたことに気が付いたようで、暗い顔で、小さな胸に収まりきれない悲しみを抑えきれずにしゃくりあげて泣いていました。私たち 2 人は家の北側のかなり遠くにいて、デレス[15]のあるところで子ウシを放牧していました。私は姉に

「誰がお姉さんをたたいて叱ったの？」

と聞いても、姉は何も言わずに泣いていて、正午に家に帰ってきました。

私たちが放牧に行く時に、母はオムバの固定家屋のそと部屋[16]の木製ベッドに横たわっていました。しかし、私たち 2 人が帰ってきて見ると、母はいませんでした。私はとても焦って、

「お母さんは？」

と泣いて、

「お母さんはどこに行ったの」

---

[15] イネ科。学名は *Achnatherum splendens* (Trin). Nevski, 漢語名は芨芨草、和名はラクダガヤ。同定は内蒙古植物誌編輯委員会（1994：206, 208, 209）、米倉浩司・梶田忠（2003-）による。

[16] 家屋に 2 部屋あり、名称はそと部屋とうち部屋。

と聞くと、オンバおばあさんは
「お母さんは寺院にお参りに行きましたよ。病気がよくなったら帰ってきますよ」
と、いろいろと良い言葉で慰めました。その後、1 日、2 日、12 日、何か月待っても母はずっと帰ってきませんでした。ただ、いつも夢で母と会うだけでした。20 歳になるまで、母を見つけて喜ぶ夢を見るか、逆に、見つからずいつも困り果てている夢を見ていました。

私の父はとても頭がよく、能力がある偉大な人でした。両親には姉と私の 2 人の娘がいました。父は 33 歳という最も若い時に母を亡くし、姉と私たち 2 人は幼い時に母を亡くし孤児になりました。私が 5 歳の時に、母は病死したそうです。父は 2 人の娘を愛し、他の人と再婚しませんでした。私の母の死後、生涯独身で、私たち 2 人を育てました。「継母の手に 2 人の娘を渡し苦しんだらどうしようかと考えていた」と話していました。本当に父は 2 人の娘を命のように愛して育てました。

父の家庭教育はとても厳しかったです。幼い時、外に遊びに行くことを厳しく禁止します。娘がそんなに遠くに行ってはいけないと厳しくしつけます。私が覚えているのは、家には少しの家畜しかなかったことです。そのため、生活が厳しかったのでしょう。父はウジュムチン[17]から塩を運ぶためにウジュムチンに行きます。塩を運ぶことでとても疲れていたでしょう。父は塩を運んできてからは家事をせず、家で本を読みます。たくさんの本を読んでいました。私が覚えているのでは『モロム・トイン伝記』という本です。他にどんな本があったでしょうか。それらの本を読んでいました。父は文字を知る知識人でした。当時、旗長官の書記をしていました。おそらく 1932, 3 年のことでしょう。当時、旗には 4 人の書記がいて、順番に旗役所[18]に行き、勤務していました。父はその 4 人のうちの 1 人で、交替で旗長官の書記として旗役所に行っていました。父の名前はシリムといったので、人びとは「シー・タガラハ（書記)」と呼んでいました。おそらく私が 8、9 歳の時に日本軍がやって来ました。

1941 年の夏でしょうか。以前、タイブス（太仆寺）右翼旗と言っていた、現在シュローン・フフ旗シャンディーン・ゴル村のマロルト寺院で大きな祭りがありました。たくさんのラマたちが角笛やチャルメラを吹き、チャム[19]を踊り、読経し、祭祀、読経をし、とても多くの人たちが集まり、にぎやかでした。金持ちや貴族、ラマ、平民、軍人などいろいろな人たちがきれいな服を着て、最も美しく、値が高い飾りをつけて、集まっています。そ

---

[17] シリンゴル盟に位置する。

[18] 王府。旗長の住まいが役所を兼ねていた。

[19] チベット仏教における仮面舞修会（木村 2007：3)。

の中で最も私の注意を引いて、感激させたのは、張北青年学校の女子クラスの学生たちでした。私は心からうらやましく思い、片時も離さず目で追いかけていて、その時「私は必ずこの学校に入って、彼女たちと同じ学生になろう」という考えがうまれました。女子クラスの子どもたちがみんな同じ服を着てかわいらしく列を作って来るのを見て、私はとてもうらやましく、姉と 2 人で彼女たちの後についていき、誰かと会って、その学校に入ることについて絶対に尋ねようと思いましたが、勇気がなく帰ってきました。彼女らの中に、私の親戚の子どもがいることに気が付きましたが、声をかける勇気がありませんでした。そうして、「必ずその女学校に行こう」と決心しました。先生は格好の良いヨーロッパの服を着た背の高い若者で、彼女らを並ばせて、祭りの場所に連れてきて、モンゴル語と日本語の歌を歌わせました。本当に素晴らしかったです。

　そして、私はその学校に行く希望を父に伝えると、父は

「いいです。行っていいです。だから、よく勉強しなさい」

と私を励ましてくれました。もともと、父は近所の子どもたちにモンゴル文字を教える先生でした。それで、私はその機会に字を学び覚え、本を少し読んでいました。翌年の春、父は私を張北青年学校に進学させました。旗役所から私を学校に入学させる通知がきました。自分の希望が叶って、地面に足がつかないほど喜びましたよ。父がどんなに頑張って学校の入学通知書を手に入れたのかを今考えると、胸が痛みます。私を学校に行かせる時、父は新しい服と靴を買ってくれました。モンゴル服の帯まで新品です。生活が苦しかったのに、父が世間で恥をかかないようにとどんな苦労をしてそれらの新しい服を探して用意したのかと考えれば考えるほど、私は父に感謝しきれません。当時、私が学校に行くことになったことについて、隣近所や親戚の人たちは家にやって来て、「私をそんなに遠い所に行かせてどうするのか」と父を非難していました。私は当時とても痩せて小さかったです。そのため、私を本当にかわいそうと思った人もいたでしょう。「『女はハーン（皇帝）になれない。ロバは象になれない』と言うよ。女の子に文字を教えて、どんな役に立つのか」と古い思想から忠告してやめさせようという人もいました。父は本当に先々まで見通しのある人でした。誰が何と言って忠告しようとも気にせず、私を旗役所まで牛車で送って旅立たせました。旗役所には張北青年学校に行くヤンジンハム、ウルジツォーなどの子どもたちがいて、父は私を彼女らに紹介して託し、私は彼女らと一緒に張北青年学校に行くことになりました。私をそこに送って帰途に着く時、父が目に涙をためていたのを今でも目に浮かぶように思い出します。

―当時、学費は高かったですか。どのようでしたか。

その学校は学費を取らない上に、飲食、衣類、敷布団と掛布団のすべてを支給します。そのため、貧しい家庭の子どもたちもそこで文字を学ぶ良い機会になりました。私はその学校に 4 年通いました。本当に忘れることがない素晴らしい機会でしたよ。初めてその学校に到着した時、どんなに素晴らしかったかと思い出します。私たち何人かは旗役所から丸一日トラックに乗って行き、日が沈んで暗くなり始めた時に張北青年学校に着きました。疲れただろうと、私たちを学校の食堂に案内して、真っ白のマントウ、豚肉の入ったスープという美味しい食事を食べさせてくれました。本当にすべてが素晴らしかったです。一般に、家ではツァガーン・サル[20]にだけ食べる食事です。その学校の素晴らしい生活を私は本当に生涯忘れることができません。孤児の貧しい普通の牧畜民の質素な子どもであった私がそのような素晴らしい学校に入り学ぶということがどんなに幸福で喜ばしいことであったかを私は言葉では言い表せません。

―その学校の宿舎はどのような条件でしたか。1 部屋に何人で住んでいましたか。

宿舎の条件はとても良かったです。新しい白い部屋で広く明るく、電灯があるので昼夜関係なく明るいです。油灯を使う私たち田舎の家とは比べられないくらい明るかったです。宿舎は部屋ごとに花の名前が付いていました。私の宿舎の部屋は梅の花、日本語で「ウメ」と言いました。私は始め日本語が分からなかったので、宿舎の名前の意味が分かりませんでした。私たちの宿舎の部屋は皆「サクラ」「アヤメ」「ウメ」というように日本語の名前が付いていました。1 部屋に 10 人余りが暮らします。部屋は広く、木製の長いベッドがあります。ベッド、布団すべてを学校が準備してくれます。同じ制服を与えてくれます。日本式の制服、普段着るシャツとスカートを学校がくれます。また、顔と手を洗うタオル、石鹸からはじまって生活に使うさまざまなものを整えて与えてくれます。私たちからお金を徴収しません。4 年間の学校生活は私の生涯で最も幸せで、意義のある、忘れられない時代です。その 4 年間、私は多くの素晴らしい先生たちから多くの知識を学びました。その 4 年間で学んだ知識は私の生涯の仕事と生活の基礎となりました。

―通っていた張北青年学校をだれが設立しましたか。日本でしたか。

当時私たちは学校をだれが設立したのかということを知りませんでした。しかし、徳王がたびたび私たちの学校に来て、講演していたのを覚えています。大変学問のある人でした。とても素晴らしい講演をして、私たちを励ましました。徳王が教育をとても重要視し、

---

[20] 正月の意。旧暦の 1 月。

民族の文化教育をとても大事にしていたのは明らかです。黒い乗用車で来ていたものです。青い絹のモンゴル服と黒絹のチョッキを着て、黒い房の付いた、編んだ黒い辮髪を背にたらし、おわんの形をした黒絹の帽子をかぶり、太った中背で、白く丸顔で、活力のある人でした。当時、おそらく 30 代だったでしょう。徳王が来るとなると、大変な騒ぎになり、張北市の全役人たち、軍人、生徒たちが道の両側に並んで、何時間も待って出迎えていました。当時、徳王はその地域にとって、そんなに尊敬される重要な人だったのだなと私は思うものです。徳王の息子は学校の先生をしていました。当時、バローンスニト（蘇尼特右）旗の女学校の校長でした。徳王は私たちの学校に来るたびに講演し、多くのことを話していました。「民族の言葉と文字をよく学べば、社会のあらゆる事業に参加できます。少なくとも学識を身に付ければ、家族をよくすることができます。家族が皆よくなれば、民族もよくすることができます」というようなことから、女性の教育を重視して講演していたことを今でもはっきりと覚えています。さらに、「他民族の言葉と文字をよく学ぶと同時に、自民族の言葉と文字を忘れてはならない。あなたたちは日本語をよく勉強するのは正しい。しかし、すべてを日本語で話すのは適切ではない。体育の号令をモンゴル語で言ってよい」というようなことを話していたことは私たちにとても深い印象を残しました。当時、徳王は人民の間でとても尊敬されていました。というのは、徳王は高い学問教養を備え、広い知識と洞察をもち、民族の隆盛を憂え、文化教育を深く重視していたので、多くの支持を得ていました。彼は民族を隆盛させようという希望のために全力を尽くしていたと私は思います。しかし、後に何を選んだのか、私には分かりません。国家と民族にとって、罪のある人になったのを私たちは後に知りました。私のその学校を徳王が設立したということを後に人びとが話していたものです。

—その学校で主に何を学びましたか。モンゴル語で学びましたか。日本語で学びましたか。

日本語の授業は日本人の先生です。その他の授業はモンゴル語でした。学問のあるたくさんの先生がいました。彼らの慈しみ深く、高い関心と惜しみない指導によって女子クラスで学んだ 4 年は大きな意義をもって過ぎていきました。当時、私たちは 4 年の間に、モンゴル語、数学、日本語、歴史、地理、保健、手芸など多く科目を学びました。そこで、学問だけでなく、数えきれないくらいたくさんの道理を学びました。初歩的な国と民族の歴史を理解しました。生活に関して正しい認識を持つようになり、自分自身に自信と希望を持つようになりました。女性でも男性たちと同じ社会的地位をもち、国と民族に功績を立てることができるということを私はそこで学びました。そのような認識は私たちの後の生活にきわめて重要な作用をもたらしました。

—その学校を卒業する時、仕事を割り当てましたか。あなたは卒業してからどのような仕事をしていましたか。

私たちがちょうど卒業する直前でした。1945 年 9 月のそろそろ卒業という時に、日本が負けました。そのため、時代が変わって、戦争[21]になったので、私たちは卒業証書をもらうことができずに、学校は休みになり、私たちは各自、家に戻りました。時代がどのようでも、4 年間の学生生活は素晴らしく、多くを学びました。しかし、異常な時代に出会ってしまったので、卒業してすぐ仕事は分け与えられませんでした。田舎の家に帰った後、女性にどこからそんな簡単に機会が与えられるでしょうか。しかし、共産党のおかげで、革命の仕事に少し参加した後、正式な仕事を分け与えられました。革命の仕事というのは、1945 年冬に張家口に内モンゴル自治運動連合会が設立されました。1946 年春の終わりに、私の故郷に、盟、旗、村、ガチャ政府が設立されました。当時、ガチャ政府を「アルバ[22]」と言いました。各レベルに民主政府が新しく設立され、宣伝にかかる人材が必要となりました。当時、牧畜民の中に、文字が分かる人が少なかったので、私たちのように学校にいた学生たちはとても役に立つようになりました。当時、私たちは宣伝資料を皆に読ませるか、写して広める仕事を手伝っていました。共産党、八路軍と内モンゴル自治運動についての文書を私たちは牧畜民たちに届け、広く宣伝しました。そうして、私たちはまた革命の道理を理解し、中国革命と自治運動について初歩的な理解を得るようになり、喜び勇んですぐでも革命の仕事に参加したいという希望が高くなりました。

そうして、1948 年にシュローン・フフ旗のジャガスティ村の幹部育成訓練班で 4 か月学びました。その年 9 月に盟から分け与えられた仕事につきました。当時、盟の中心はシュローン・ツァガーン（正鑲白）旗ツァガーン・オーラ寺院にありました。

仕事に就いたばかりの状況を考えると、懐かしく、ついこの間のことのように思い出します。雨にも恵まれた美しい夏のある天気の良い日に、牛車に乗って、仕事場に行くためにジャガスティに向かった日のことがつい先ほどのことのように目に浮かびます。今思うと、1942 年に初めて学校に行くために故郷を離れる時も私はまた牛車に乗り、父に見送られました。思うに、生活と事業は生涯牛車と切り離せず、牛車を追って、正義のための事業の道を開き、ゆっくり進んできた歴史でしたよ。人民のことわざに「正直に行けば、牛

---

[21] 1946 年~1949 年、日本降伏から国民党敗退による中華人民共和国成立までの国内革命戦争のこと。中国では解放戦争、第 3 次国内革命戦争という。

[22] 10 の意。

車で兎に追いつく[23]」というように事業の道を進めてきたので、私の事業と生活は順調にだんだんよくなり、今日の幸せを享受しています。

故郷を出て、革命の仕事に就いた後は、仕事の求めと生活、縁によって、多くの場所に行き、生まれ故郷から離れて生活して今日に至っています。この間、故郷に何度か帰り、近親や知人と会って懐かしく語り合ったことは私の心にしっかりと刻まれて、永遠の思い出となって残っています。

人の一生を考えると、瞬く間に過ぎ去ってしまうものです。たくさんの希望を実現できないまま、ほどなく過ぎてしまいました。私は張北青年学校の女子クラスにいる時、日本留学を希望していました。もうすぐ行けるというところでしたが、できずに過ぎてしまいました。後に、大学に行き、知識を高めたいと思っていました。またできずに「思いはあっても、馬はない[24]」。美しく若い年月は過ぎてしまいました。

私たちの世代の人びとが出会い経験した生活は複雑だったけれども、意義あるものでした。旧と新の 2 つの社会にまたがり、新しい社会に幸運にも入り、党と人民、国と民族のために熱意を持って一心に努力しようと力を注いできました。しかし、あとからあとからやって来たさまざまな政治政策を経験し、今、人生の秋を迎え、80 も過ぎて太陽が西に沈む時になりました。人の運命はこのようですね。

しかし、私たちは人民に間違いを犯しておらず、子孫にも問題なく年を取ったことはうれしいです。学校で一緒だった生徒たち―ロルマジド、ナムジルマー、サランゲレル、オユンビリグ、デリゲルジャヤー、シュルンツェツェグ、バルジドマー、ロギル、ラムスルン、ゲゲーンブー、マンダルワー、ゴイゴルマー、デムチダグマー・・・たちと、仕事で一緒だった同郷の人、同郷ではないけれどもそれぞれ分かりあえた先輩、友人たちが幸せな晩年を過ごしているのを想うと、特に心残りはありません。彼女たちはそれぞれ生涯奮励努力し、全力を尽くし、国と民族の事業に努力し、希望を実現しようと苦労したけれども、その希望を実現させ、希望と目的を達成することができた人たちです。私はこのように素晴らしい人たちとめぐり合い、友人となって生涯を終える幸運をうれしく、満足に、誇りに思っています。

学問を追いかけた 4 年間はこのようでした。この 4 年は私の一生の生活と事業にそのような作用と影響をもたらし、私の生涯の生活の道に良い影響を与え、さらに、忘れられな

---

[23] 「人は正直に歩んで行けば、いつかは必ず目的に達することができる」、「目的に達するには、結局、正直であることが一番大切だ」という意（塩谷・プレブジャブ 2006：196）。

[24] 能力がない、の意。

い素晴らしい思い出を残し、私だけでなく、私の友人同僚、子どもたちにも少しは影響を与えていることは間違いありませんよ。

—家族のことについて話していただけますか。

私は 1950 年に結婚しました。当時おそらく 22 歳だったでしょう。私の夫はブフと言い、辰年で、オルドスのジュンガルの人でした。1928 年生まれです。当時、ブフはシュルーン・フフ旗の旗長でした。包頭のモンゴル学校で、モンゴル語で勉強していたそうです。モンゴル語が上手です。オルドスのジュンガルの人はモンゴル語を話しません。漢語です。しかし、私の夫はモンゴル語の読み書きが上手でした。早い時期に革命の仕事に就いた人です。私は当時学校の教師でした。親戚の兄が私たち 2 人を引き合わせました。私たちには 3 人の子どもがいます。一番上がオドンという娘で、辰年で、軍隊に入っていました。2 番目はオチで、よく知っているでしょう。巳年です。一番下は息子で、オレンチと言い、酉年です。3 人の子どもの中で、オチが父と似ています。しかし、性格は私に似ています。やさしく、思いやりのある性格です。いつも他の人のために心を痛めて、人の役に立とうとする人です。彼女はどんなに忙しくても毎週来て、食事をはじめ、あらゆる生活の世話をすることを忘れません。オチが聡明なのは父に似ました。父（ダリマーさんの夫）は大変聡明な人でした。記憶力がよく、話し上手で、博識で、弁舌が巧みな人でした。しかし、父のいろいろなものに興味を持つ性格は息子のオレンチが似ました。オドンは両親それぞれに半分ずつ似ていると言ってよいでしょう。オチは父に似ています。「オレンチは母（ダリマーさん）に似ている」と父（ダリマーの父）がよく話していました。オチは幼い時から父に似て、大胆かつ知的で、聡明でした。姉は妹より恥ずかしがり屋でした。オチは幼くして学校に入りましたよ。姉が学校に行く時、オチはわずか 5 歳でしたが、姉についていき、隣に座ります。先生が姉に質問をすると、姉が答える間もなく、妹のオチが立って、答えていたそうです。幼い時から、そのように大胆かつ知的な子どもでした。それで、後に、先生がかわいいと思ったのかどうか、妹も学校に入れました。姉と妹の 2 人が学校に通った面白い歴史はこのようです。

後に、夫の仕事が変わり、バヤンノール（巴彦淖尔）盟の副盟長として行く時、私たち家族皆で移り、私はアラシャー（阿拉善）[25]で教師をしました。そうしているうちに文化大革命が始まりました。

1963 年に私たちをバヤンノールからフフホトに連れてきました。文化大革命が始まるとすぐ、夫のブフに民族分裂、国家謀反などのレッテルが貼られました。そして、捕まえられ、監禁されました。私をバヤンノールから連れてきて、2、3 年何もしないで過ごさせ、政府宣伝部の四清[26]事務局に連れてこさせ、ある雑誌の編集者にさせ、臨時で仕事をさせられていました。反動分子の家族ですから、重要な会議には参加させません。給料が 20 パーセント削減されていました。私がその宣伝部にいる時に、人が私を吊るしあげる時に、同じ組織の仲間たちが私を守って、吊し上げに行かせませんでした。反動組織の家族として夜中に家探しをする際も一緒に仕事をする友人仲間たちが私に事前に知らせてくれます。家探しというのがありますよ。「慌てないで」と同僚たちが私をかわいそうに思って事前に教えてくれます。私は体が弱かったので、一緒に仕事をする仲間たち皆が私を守ってくれました。良い心を持った人たちでした。

文化大革命以来、心から心配し、泣きはらし、不眠症になりました。1967 年から 1970 年まで唐山に行き、3 年いました。そこにいる時、家族子どもたちと手紙も交換させません。子どもたちとすら連絡できません。唐山にいるのは皆大きな罪を持つ人ではありません。良い人も行かせません。私のように、2 つの間にいる人を行かせて、思想を改めます。改造します。当時、私の父が子どもたちを見ていました。私の夫のブフは捕まっていて、私は唐山で、家には主がいません。私の父がいなかったら、子どもたちはどうなっていたでしょう。父には本当に恩があります。私を育て、そのうえ、孫たちも助けて育て、教育してくれました。私は 1970 年に帰ってきました。その際に、それら多くの幹部に再び仕事を割り当てました。一番良いのは盟レベルで、旗県、ソムというように、レベルごとに割り当て、残った私たちを五七幹校[27]に行かせますと、五原県[28]に送り、ブタ、ウシ、小家畜

---

[25] 1956 年にバヤンノール盟が成立。バヤンノール盟が当時管轄していたのはアラシャー旗、エジナー（額済納）旗、バヤンホト（巴彦浩特）市と磴口県である（巴彦淖尔盟誌編纂委員会　1997：138-139）。

[26] 1962 年から 66 年にかけて展開された社会主義教育運動。四清運動ともいう。1963 年からは、帳簿・財政・在庫・労働点数の点検をいい、1965 年からは政治・思想・組織・経済を点検すること。インチュンさんとマヌさんにも出てくる。

[27] 幹部訓練学校。

[28] 内モンゴル自治区バヤンノール盟（現バヤンノール市）に位置する。

を放牧させました。その際、私はヒツジとヤギを放牧していました。五原県にいる間に一度、家に帰ることができました。

数年後にそこから私を連れてきて、新聞社で仕事をさせる、と割り当てましたが、行かせませんでした。貧農・下層中農協会の通訳となりました。私は

「できません」

と言いましたが、

「だめです、必ず行きなさい」

と行かせました。そこで仕事をしていましたが、病気のために退職しました。おそらく 1983 年に退職しました。当時、幹部は少なかったので、党、組織からどこに、どんな仕事を割り当てられても、何の条件も言わずに行って仕事をしていたため、私でさえかなり多くのところでさまざまな仕事をしていました。青年工作[29]、中華全国婦女連合会、保健、教師、教育、雑誌の編集、通訳などの仕事をしてきました。行った場所ではどこでも私は良い心を持った、良い人たちと知り合い、助けを得てきたのをうれしく思い、いまだに交流があります。私の夫ブフは仕事に復帰すると、内モンゴル師範大学の学長として行くことになりました。後に、畜牧局長として仕事をし、1988 年に退職しました。離休[30]です。そうして、2013 年に病死しました。85 歳でした。

私には生涯日本に行くという大きな希望がありました。大学に行くというもう一つの希望がありました。しかし、日本に留学できませんでした。しかし後に、旅行で行きました。日本は美しかったです。また、29 歳の時に、内モンゴル大学に合格しました。しかし、病気になったため、学ぶことができませんでした。当時、息子のオレンチは 1 歳でした。ノイローゼになり、不眠症でした。体調がとても悪かったです。しかし、私は健康になろうととても努力していました。心配事があれば、気持ちを静めます。毛主席の著書を夜中に読みます。眠れなければ、本を読みます。私自身幼い時に母を亡くし、母がいない苦しみを味わってきたので、「3 人の子どもたちには決して同じ境遇にしないようにしよう」と思っていたものでした。子どもたちのために生きようと気持ちを静め、健康でいようと努力してきました。

---

[29] 中国共産主義青年団の仕事の意。中国共産主義青年団とは中国共産党の指導下にある先進的青年の組織。

[30] 解放前からの幹部が老齢のために退職すること。退職金や年金などで「退職（退休）」と比較して優遇措置がとられている。

—お姉さんはまだ存命ですか。おじ、おば、親戚はたくさんいらっしゃいますか。

姉はいません。亡くなりました。姉の名はセリマーと言います。始めは、モンゴル服を縫い、飾り制作をしていました。後に、助産師について勉強し、就職しました。助産師、看護師、看護師長になり、一歩一歩上にあがり、医師になりました。多くの人を治療しました。旗の病院で仕事をしていました。姉には 4 人の子どもがいました。ソブド、ソイルト、ソイラーという名前です。

他の親戚で幼い時にとてもお世話になり懐かしいのがオムバおばあさんという父の大叔母です。オムバは父を幼い時に引き取って育てたので、自分の実子と変わりなく愛し育てたそうです。そのため、実の両親が亡くなった後は、父は困ったときはオムバを頼りますし、オムバも父をいろいろ手伝ってくれたそうです。そのため、妻が病気になり、幼い子どもを抱えて大変なときに、父は仕方なくオムバを頼って移っていきました。

当時、オムバの家も貧しく大変でした。オムバには娘が 1 人いましたが、その娘はかなり年を取った上に重い病にかかっていました。娘の夫も年を取っていて、酔っ払いでした。男の子 1 人と女の子 2 人の計 3 人の孫がいました。当時、孫息子は 10 代で、孫娘は 6 歳と 2 歳でした。孫たちがまだ小さかったので、家のさまざまな仕事はおそらく皆オムバ 1 人にのしかかっていました。そのうえ、私たち一家のことも手伝うだけでなく、近所の知人たち、親戚も助け、天幕家屋の屋根掛けのフェルトを縫い、家の綱を縒るなどどんなに大変な仕事も、他の人ができないような仕事もしてあげて手伝っていました。今思うに、そのオムバおばあさんは能力があって賢いだけでなく、やさしく慈悲深い功労者でした。

母が亡くなって数日もたたないうちに、父は姉と私の 2 人を連れて、父方の伯母の家に移りました。その伯母は父の姉で、メンドツェツェグという名前でした。そこに行った訳は、1 つに、オムバにさらに迷惑をかけ、苦労させることになるので、迷惑をできるだけかけないようにと考えたのでしょう。2 つ目は、姉と私たち 2 人が母を探して悲しい思いをできるだけ軽くするために、別の家に移ったのでしょう。しかし、伯母の家に行って数日後、私が用を足しに外に出た際に、縛ってあった犬が鎖を切って、家の主人がその犬を捕まえる前に突然私の両足を噛み、重症となりました。右足の膝の後ろ側と左足のももをそれぞれ牙で深く噛まれたので、大量に出血し、止まらなかったそうです。父は驚いて、アルガル[31]の熱い灰を付けてようやく血が止まったそうです。当時、他に治療法もなかったので、けがはだんだん重くなり、膿んで膿が出て、半年あまり、立ち上がることができませんでした。後に、古い銃のかすを塗ってようやく治ったそうです。私にも幼い時からい

[31] モンゴル語。乾燥したウシの糞で、燃料に使われる。

ろいろな苦労が重なり、私が泣いて一人きりの父と親戚の人たちをどれだけ困らせたか、分かりません。今に至るまで、足にはケガの跡が残っています。

伯母の家も中産階級の下くらいの生活でした。3 人の成長した息子と 1 人の娘がいました。娘は私の姉より 1 つ年上でした。寅年です。兄嫁たちもいます。次男は嫁を迎えていました。彼ら家族に私たち家族3人を加えるとみんなで10人くらいになります。そのため、彼らのところに長く暮らすとそれもまた家計を圧迫することになると考え、冬になるとまたオムバのところに移り、ボルガス[32]で作った家畜を入れるようなブフグと呼ばれる彼らの簡単な家屋に暮らしました。父と私たち 3 人はオムバと別々に暮らしたこともありました。翌年、私たちはトールツォグ（現在のジャンディーンゴル村内にある）に行き、バラ・アーブ（おじさんの意）の家屋の東の部屋[33]に私たち 3 人が暮らしてオムバとは別々に生活しました。バラ・アーブは父の良い友人でした。私の父はバラ・アーブの 2 人の息子、メンドバヤルという家の 2 人の息子など、4、5 人の男の子たちにモンゴル語を満州語とモンゴル語を比較対照して書かれた『仏教経を深める書』という本で教えていました。この本は当時必修の教材でした。私が覚えているところでは父は特別に厳しい教師でした。教えた内容を必ず暗記させ、暗唱させます。もし、暗記、暗唱できない生徒がいれば、赤い木のムチで手のひらが赤くなるまでたたきます。そのことは苦く思い出されます。私も彼らのそばに座り、父からモンゴル語を学びました。しかし、私は女の子で、父の真の学生ではなかったので、赤い木のムチを味わっておらず、幸運でした。父の学生たちの中で、バラおじさんの息子であるダシツェレンと、メンドバヤルおじさんの息子であるポンソグラシの 2 人はいつも流暢に読み、きれいに書くことができていたので、父は彼らを気に入ってかわいがっていました。後に、彼らが成人になったあと、いつも父を「先生」と尊敬の目でみていたので、親しみを持って語りあいに来てくれていました。後に、彼らはチャハル盟張北青年学校を卒業し、若い時から国家民族解放、経済建設、教育の各領域において皆基幹勢力となり、自身のすべてを貢献しました。ポンソグラシは解放戦争時、戦場で亡くなりました。ダシツェレンはシュローン・フフ旗長をして、90 年代に病死しました。彼らは皆チャハルの教育部門の著名人です。ダシツェレンの父母はとても穏健でやさしい人たちでした。姉と私たち 2 人は彼らを「バラ・アーブ」、「バラ・モーム（おばさんの意）」と呼んでいました。父が何か用事で外出したとき、バラおばさんは私たちを気にかけて食事を手伝ってくれたり、家に呼んでご飯をごちそうしてくれたこともありました。

---

[32] ヤナギ科。学名は *Salix* L.　同定は温都蘇編（1992：65）による。

[33] 家屋には 3 部屋あり、それぞれ東の部屋、西の部屋、中央の部屋といった。

子どもは犬とどんな違いがありますか。ご飯を食べさせ、よくかまってくれる人たちに対して、簡単になつくものです。姉と私たち 2 人はバラ・アーブとモームの 2 人に大変なついていました。バラ・アーブがあるときドロンノールに行ってきて、乾燥した美味しい揚げ菓子（ビスケット）を買ってきて、自分の子どもたちと姉と私たち 2 人にそれぞれ同じように分けてくれたことがあります。その揚げ菓子は言葉にすることができないくらい美味しかったです。そんなに美味しい揚げ菓子をそれまで食べてみたことがありませんでした。初めて食べたので、今でもその揚げ菓子の味を思い出すとよだれが出ます。このように姉と私たち 2 人はバラおじさんとおばさん自身の 2 人の子どもと同じようについてまわり、なついていました。彼らの家に何回泊ったのか、思い出せないくらいです。後に姉と私たち 2 人が会って当時のことを話すと自然にバラ・アーブとモームのことになります。しかし、いろいろな原因により、彼ら 2 人が生きているうちに再会できなかったのは残念です。

―母方の親戚はいましたか。

母には実兄が 1 人いました。ラマでした。私のそのラマの伯父、トムンゲレルはマロルト寺院のラマでした。「母が亡くなって母無しになった 2 人の幼い姪を伯父は心から心配していた」と父は私たちにいつも話していたものでした。私が覚えている限りでは、伯父は中背で、背筋がまっすぐで、黒い髭をたくわえ、穏やかで明るい、50 代の人でした。穏やかで良い性格で、私たち皆尊敬していました。伯父は美しい白いフェルトの覆いがある牛車を持っていました。出かける時はいつもその牛車に乗って出かけていたのを私たちは見ていました。私たちを見に来たときはいつも泣いて、私たち 2 人を抱きしめてキスをしてかわいがっていました。なぜこのようだったのか、当時理解していませんでした。当時、伯父はたった 1 人の妹を恋しく思っていたのと、幼い 2 人の娘たちに同情し、かわいそうに思い、父をできるだけ手伝って私たち 2 人を見守っていました。

民国時代の旗長は皆自分の王府に生活し、行政の仕事をしていました。旗長の王府には 4 人の書記がいました。彼らは月ごとに 1 人ずつ交代で勤務し、仕事をしていました。父はその 4 人の書記の 1 人でした。父が勤務の際には、姉と私たち 2 人を伯父が寺院に連れていき、住まわせます。ラマの伯父は清潔でとても厳しい人でした。本来、寺院に娘子どもを住まわせてはなりませんが、私たち 2 人が幼かったので関係ないと住まわせていたのでしょう。しかし、伯父は私たち 2 人にとても厳しかったです。勝手に外で遊ばせません。私たち 2 人に経を教え、読ませていました。ラマの伯父は私たち 2 人をとても愛していました。最も良い食事を作って食べさせます。人に頼んで縫ってもらった服を着せます。当

時、幼い小ラマたちがチャムの踊りを習うのをときどき見せてくれます。私はそれを見て、ある動作を覚えて来て、ラマの伯父に踊って見せると、とても怒って
「お前は見てよい。だが、真似して踊ってはいけない」
と厳しく教えました。当時、娘子どもが伯父の寺院に暮らすのは大変だと思っていたけれども、後に思うに、伯父が厳しくしつけてくれたことは私たちにとても役に立ちました。さまざまな大事な習慣を身に着けました。私のこのきれい好きの性格もラマの伯父の影響でしょう。

父は年に 3 回勤務に行きます。父が勤務に行くときはだいたいいつも私たち 2 人を寺院にいるラマの伯父のところに預けていました。ラマの伯父はとても学識のある人でした。伯父は普通のラマからロボン（経師）になり、それより上のラマになり、さらに大ラマになり、寺院のハンボ（責任者）になりました。ラマの伯父が昇進するたびに寺院で大きなお祝いの会をします。そのお祝いの日に父が来て、炒め物、ご飯を作るのを手伝います。父は料理が上手でした。ラマの伯父は草原に家を 1 つ持っていました。そこに私たち 2 人をときどき連れていくこともありましたが、ラマなので、通常は寺院に暮らします。その家を 1 人の親戚の妹が管理していました。家畜もいました。その妹はその家を管理して家畜の乳を搾り、ラマの伯父のお茶のミルクと伯父が食べる乳製品を用意していました。その妹にはまたたくさんの子どもがいたので、ラマの伯父の家と家畜を管理することで生活していました。

私が幼い時の印象深い思い出の 1 つにユールン・ジャンギという家族があります。ユールン・ジャンギという人は母方の祖母の兄弟の息子です。祖母の実弟の息子です。この家族はかなり裕福で知識人の役人の家でした。そこには 20、30 頭のウシ、200 頭余のヒツジとヤギ、30、40 頭のウマがいました。すごく裕福ではないとはいえ、私たちが思うにとても豊かで、学識高い素晴らしい家族でした。ユールン・ジャンギはとても良い人でした。良い性格の人でした。私たちをよく世話してくれました。私たちが一度メンドツェツェグの家のそばに来た時に、ユールン・ジャンギの家族もそばにいました。私たちには家畜囲いもなく、干草もありませんでした。そのため、ユールン・ジャンギ家は私たちに荷車 10 台分の干草を、お金を取らずにくれたことをいつも忘れません。私たちも家畜の仕事を少し手伝い、お互いに助け合っていました。ユールン・ジャンギ家は私たちを助けてくれただけでなく、他の貧しい人たちも大いに助けていました。

印象深く覚えている人の 1 人にユールン・ジャンギの後妻のバドマツェツェグがいます。ユールン・ジャンギの先妻が亡くなり、後に若い妻を娶りました。つまり、バドマツェツェグです。バドマツェツェグはとても良い性格で、気持ちの良い人で、特別に慈悲深い、

良い人でした。ユールン・ジャンギの先妻には 4 人の子どもがいました。後にバドマツェツェグに 4 人の子どもができました。バドマツェツェグは 8 人の子どもを同じように育てあげました。ユールン・ジャンギの 2 人のおじの面倒も見て、亡くなるまで世話をしました。

ユールン・ジャンギの 2 人のおじも彼らと一緒でした。ゲルのそばにあるもう 1 つの天幕家屋に住んでいました。そのおじの家にはいっぱいの本がしまってあり、本の中に座り、毎日、本を読んでいました。彼はラマではなく、平民でした。そんなに年が大きいにもかかわらず、毎日、本を読みます。ユールン・ジャンギの家の人はそのおじたちにご飯を作って世話をし、亡くなるまでそのようにちゃんと世話をしていました。そのおじが亡くなる際に、書物の中でお祈りして座ったまま亡くなったそうです。そのたくさんの本がどうなったのかと私はいつも考えていました。現在、軍隊作家のスチンベリクはユールン・ジャンギの娘の息子で、孫にあたります。そのため、私は一度スチンベリグに

「あのおじの本をどうしたのですか」

と尋ねると、

「文化大革命の時に燃やされました」

と言いました。スチンベリグの母はユールン・ジャンギとバドマツェツェグの 2 人の娘の 1 人です。今お話ししたたくさんの本を持つおじとは別にもう 1 人ラマのおじがいました。そのラマのおじもバドマツェツェグはよく世話をし、亡くなるまで、面倒を見ました。バドマツェツェグは私たち 2 人もとてもよく世話をしてくれました。姉が結婚する際も新しい服を縫ってくれました。私のオムバの子どもたちの世話をよくし、オムバが亡くなってからはその子どもたちを家に連れて来て住まわせ、結婚させて、独立させました。バドマツェツェグは若かったです。おそらく、ユールン・ジャンギの先妻の長女より 10 歳ほど年上だったでしょう。年齢は若かったですが、気持ちがよく、心が温かい、とてもいい人でした。

私が知っている限り、当時の人びとは皆そんなに裕福ではありませんでしたが、お互いに良い関係を築き、親しく、仲が良かったです。どこかの家で何か苦しいことにあったなら、何の条件もなくお互いに助け合います。親戚はもちろんのこと、親戚でなくても、困っていたら、必ず助けます。孤児で貧しい、と同情して助けます。人間関係はこのように単純で、自然で、親切心と誠実だったのは明らかです。

おわりに

コロナ禍において多くの高齢の方々がお亡くなりになりました。惜しいことにダリマーさんも避けることができなかったようです。2023 年夏にフフホトで聞き取りをしようとした際に、1 年前に突然お亡くなりになったという悲しい知らせを耳にしました。コロナ禍になり、お亡くなりになる前の数年間、長寿で広い知識をもち、聡明で器用なダリマーさんとお会いして聞き取りし、宝箱のような貴重な豊富な知識と技能を完全に継承することができなかったことを大変残念に思っております。

聞き取り日時：2014 年 11 月 10 日、2015 年 7 月 14 日-16 日、2018 年 11 月 1 日

聞き手：サランゲレル、児玉香菜子

場所：中国内モンゴル自治区フフホト市自宅

50 年以上故郷に帰っていない—ジンファーさん

朝のお茶のあとに、ホテルの部屋のドアがノックされると、丸顔で素朴な容貌の、整った白い歯をもつ、比較的背が低い美しいモンゴル人のおばあさんが入ってきました。この方が、私たちが約束したジンファーさんでした。ジンファーさんは顔に微笑みを浮かべ、とても礼儀正しく、おっとりとした様子で私たちと握手し、あいさつをしました。その様子は私たちに強く親しみを感じさせました。ジンファーさんの幼名はジンライシャオ（金来小）と言いました。ホルチン左翼中旗ヨリンモド鎮オルドハルダタ・ガチャ出身で、亥年で、今年 84 歳です（2018 年現在[34]）。しかし、私たちには年よりずっと若く見えました。ジンファーさんは 1935 年に現地では広く有名な裕福な家に生まれました。1967 年、32 歳の時にフフホトに来てから約 50 年間一度たりとも再び故郷に帰っていないそうです。

—ご自身の来歴、祖先、兄弟親戚、近所の家々、家族について自由に話してください[35]。

私の父の名前はベルグーンと言い、母の名はワンジャラガーと言いました[36]。子どもは 3 人でした。私が長子でした。妹 1 人と弟 1 人がいます。幼いとき、まあまあ裕福な家だったと聞いています。青色の瓦の家に住んでいました[37]。何部屋あったか、分かりません。大きな家でした。家族では仕事がまかないきれないので、使用人を雇っていました。使用人たちが暮らす家は別にありました。

私は小学校 3 年生まで勉強しました。当時、5 年生まで勉強できる学校がありました。しかし、当時経済状況があまりよくなく、2 人の妹弟に勉強させるために、私は学校をやめました。私の実父は早くに亡くなりました。のちに母は別の人と暮らしました。継父は良い人でした。私が 17 歳のときに母は私と妹弟の 3 人を連れてバローンヨリンモド・ガチャの継父の家に引っ越してきました。継父の名はジンニュウ（金妞）と言い、娘が 1 人い

---

[34] 数え年。

[35] サランゲレルと白暁梅と児玉が聞き取りし、サランゲレルがモンゴル文字に書き起こし、それを児玉が翻訳した。モンゴル語版扉写真の撮影年月は 2018 年 10 月。

[36] 本テキストのモンゴル語表記はホルチン方言に準じる。

[37] 〔モンゴル語注〕この「青色の瓦の家に住んでいた」という語りはとても裕福な家だったことを表している。普通の人、貧しい人では瓦の家どころか、土壁造りの家に暮らす人は少なかった。

ました。私より年上でした。のちに母と継父の間に妹が生まれました。名前をジンシャオ（金小）と言います。

私は小学校を出てから、裁縫など家事をしていました。そして、20 歳で結婚しました。結婚したと言っていいでしょうか。式をあげてから 10 年間、実家に住んでいました。というのは、夫は当時学校で勉強している学生でした。夫はバインチョクトと言い、1934 年生まれです。戌年です。ホルチン左翼中旗ヨリンモド鎮ツァガーンホワー・ガチャ出身です。私たちが結婚するとき、夫はダーフオファン（大伙房）・ソム（現在のホワーホショー鎮）の高校[38]で勉強していました。私たちはダーフオファンに行き、結婚証明書をもらってくると、簡単に式をあげました。このように結婚してから、夫は内モンゴル大学のモンゴル語学部に入り、勉強していました。そこの民族クラスで勉強し、卒業後、内モンゴル師範大学に配属されて仕事をしました。のちにまたチンゲルタイ[39]先生の修士の学生として入り、勉強し、卒業し、内モンゴル大学に残って教えました。チンゲルタイ先生の初めての弟子になります。

私の夫のバインチョクトは 3 人きょうだいです。兄はデルゲルチョクト、弟はハラバラス（黒虎）と言います。バインチョクトの実母は早くに亡くなりました。継母から 5、6 人のきょうだいが生まれています。私たちには 3 人の娘がいます。息子はいません。しかし、兄のデルゲルチョクトの息子のハシオチルは私たちのところに住んで学校を卒業し、フフホトのテレビ局で仕事をしています。今は退職しています。ハシオチルを私たちは自分の息子のように思っています。とても親しく感じています。お嫁さんもとても良い人です。

私たちにはハス、チェチェグ、ナランチメグという 3 人の娘がいます。一番下のナランチメグは白曉梅の兄嫁になります。私は長女が 3 歳の時に 1967 年にフフホトに来ました。すでに 47 年になります。故郷に一回も帰っていません。車酔いがひどくて帰りませんでした[40]。今はますます帰ることができなくなりました。歳が大きくなり、帰ろうという気さえもなくなりました。

---

[38] 直訳は中学。中国の中学校は 6 年生で、前 3 年を初級中学もしくは初中、後 3 年を高級中学もしくは高中という。

[39] 中国語名は清格尔泰。1924 年生年、2013 年没。専攻はモンゴル言語学。代表的な著作に『蒙古語語法』（1991，内蒙古人民出版社）などがある。

[40] 当時、交通事情が悪く、値段も高いうえに、片道だけでも 1、2 日かかっていた。

—あなたが結婚した当時、自由に結婚できる時代でしたか。相手とどのように知り合いましたか。幼い時から顔見知りでしたか。誰かの紹介ですか。

人の紹介で知り合いました。ほかの人が紹介して、20 歳で結婚し、義父と義母、兄嫁と一緒に暮らしていました。結婚するとき、彼らは馬の荷車で新しい嫁である私を迎えました。結婚の装飾品と銀の腕輪を自分で買いました。結婚するとき、外側に青色の単衣の長い着物を着ます。内側には淡紅色の服を着ます。花の模様があるようなきれいな服は当時ありませんでした。おそらく 1955 年に結婚したでしょう。義両親の家に行き、式をあげました。式をあげるとき、10 人くらいの人が来ました。式を挙げてから義理の両親の家にだいたい半年住んだ後、母親の家に戻ってきて暮らしました。というのは、式を挙げてから間もなく、夫がフフホトの学校に行くことになりました。義母が早くに亡くなったために、嫁ぎ先には義父、義兄、兄嫁皆一緒に住んでいました。そのため、私は間もなく実家に戻ってきて暮らしました。

1963 年に長女を産むとき、ツァガーンホワーにある嫁ぎ先に行き、出産しました。そこには、デムチという赤ん坊をとりあげる産婆がいました。当時、近くに有名なジューンヨリンモドのハンリュウジュ（韓留柱）という男性の産婆がいました。出産後も 1 か月住んで、2 か月後に母の家に戻ってきて暮らしました。私たちは結婚してから 10 年間 2 か所で生活をし、私はほとんど母の家で暮らしました。夫はときどき帰ってきていました。当時、交通事情が悪く、経済状況もよくなかったので、そんなに帰ってきませんでした。継父も別に私たちを追い出したりしませんでした。

私たちの長女はハスという名前です。卯年です。1963 年に生まれました。1967 年に次女はフフホトで生まれました。チェチェグという名前です。家族はゴワーと呼びます。未年です。三女は 1972 年にまたフフホトで生まれました。子年です。ナランチメグという名前です。家族はトヤーと呼びます。私は 1967 年に長女が 3 歳のときにフフホトに来て、次女を出産し、だいたい 2 年間子どもを自分で世話しました。その間、仕事をしていません。

フフホトに来てすぐ新楼という内モンゴル大学の敷地内にある小さい部屋に住んでいました。のちに、二部屋ある家をくれました。3 人の娘を皆内モンゴル大学の前にある小学校で学ばせました。賽罕区南門外小学と言います。当時、その学校には漢語とモンゴル語の授業がありましたが、モンゴル語の授業が優勢でした[41]。現在、3 人の娘は皆モンゴル語を聞いて理解することはできますが、そんなに話すことはできません。当時、家から近くの中学校は漢語のみで、モンゴル語で勉強する学校は遠くだったため、中学校以降は皆漢

[41] 2018 年現在、漢語のみで、モンゴル語の授業は行われていない。

語で勉強しました。3 人の娘が少し大きくなってから、私は内モンゴル大学の幼稚園[42]でずっと仕事をしました。そして、1990 年に 55 歳で定年退職しました。今は家にいます。5 年前に友人たちに紹介されてキリスト教の説教を聞くようになりました。

―幼稚園でどのような仕事をしていましたか。教師でしたか。保育士でしたか。それとも行政の仕事をしていましたか。

保育士の仕事をしていました。10 年仕事をしました。その前は工場[43]で 20 年来働いていました。

―キリスト教になったことについて、聞いてもよろしいでしょうか。本来は仏教を信仰していましたか。２つの宗教の教義は矛盾しませんか。家族はジンファーさんがキリスト教を信仰することに賛成ですか。反対していますか。

聞いていいですよ。「ボルハン・テングル」を信じていました。今も信じています。ボルハン・テングルがいらっしゃると心の中で信じています。数年前にほかの人に誘われて、キリスト教の教義を聞きに行くようになったのです。それで、キリスト教を信仰するようになりました。どちらでも宗教間で矛盾はありません。それ以来、主とボルハン・テンゲルいうのは同じと考えています。私たち年寄りというのは慰めを求めるものですよ。家族は反対していません。皆賛成しています。

聞き取り日時：2018 年 10 月 31 日、2019 年 1 月 8 日
聞き手：サランゲレル、児玉香菜子、白曉梅
場所：中国内モンゴル自治区フフホト市、内モンゴル大学桃梨湖賓館

---

[42] 正式名称は内蒙古大学幼儿園。

[43] 五七工場。内モンゴル大学の敷地内にあった家族用工場。内蒙古第二毛紡績厂を手伝う簡単な作業をしていた。

内モンゴルで著名なスポーツ選手だった―インチュンさん

インチュンさんとは内モンゴル大学構内にある桃李湖賓館でお会いしました。私たちは約束した時間に部屋で待っていました。まもなくしてスポーツウェアを着た、背が高く美しい姿勢の、壮健なモンゴル人女性がやってきました。彼女が約束したインチュンさんでした。インチュンさんは私たちに心を込めて挨拶をしながら部屋に入ってきました。私たちが「都市に居住する女性たちのオーラルヒストリーを集めるという目的でやってきた」と伝えると、インチュンさんは「いいですよ」と私たちの聞き取りに躊躇なく同意してくれました。インチュンさんは 1940 年のツァガーン・サルにゴルロスで生まれました。辰年で、2018 年私たちと初めてお会いしたときは 78 歳でした。2 年後の 2020 年に再度聞き取りをしたときはすでに 80 歳になろうとしたときでしたが、変わりなく元気で、私たちには年齢よりずっと若く見えました。インチュンさんは中国の著名なモンゴル人女性のスポーツ選手でした。インチュンという名前ですので（中国語で迎春)、私たちはモンゴル語に意訳して「春のおばあさん」と名付けていました。

―お会いできて、大変うれしく思います。ご自身について話してくださいませんか。父母、祖先について、ご家族について、スポーツ選手になった経緯などについて話してください[44]。

私の名前はインチュンと言い、春を迎えるという意味です。父の故郷はヒンガン[45](興安)盟ジャライド（扎賚特）旗で、母の故郷はゴルロス旗です。私は 1940 年 1 月 14 日に母の故郷のゴルロスで生まれました。辰年です。今年（2018 年）で 78 歳になります。私はちょうど 1 月の春を迎える季節に生まれたので、インチュンと名付けられました。ゴルロスの大老爺府にいたときに生まれたそうです。私は一人っ子です。兄が 1 人いたそうです。寅年の男の子でした。3 歳の時に急性の脳の病気になり、亡くなりました。とてもかわいい男の子だったそうです。私が生まれる時、父はシュイク（細長い、花札の一種）を遊びに出ていました。帰って来た時に

「小さな黄色い女の子が生まれた」

---

[44] サランゲレルと白曉梅と児玉が聞き取りし、追加の聞き取りは主に白曉梅がおこなった。サランゲレルと白曉梅がモンゴル文字に書き起こし、それを児玉が翻訳した。モンゴル語版扉写真の撮影年は 2017 年。

[45] 本テキストのモンゴル語表記はホルチン方言に準じる。

と言うと、
「なにぃ」
と言ったそうです。当時、「女の子が生まれた」と言うのを忌み嫌っていたそうです。私が 4 歳の時に、私たち家族はゴルロスからジャライドに引っ越しました。当時、私たちは父の転勤のたびに皆でウランホト（烏蘭浩特）、張家口など、どこにでもついていきました。

父の名はミジドセンゲと言います。父は 16 歳になるまで故郷であるジャライドの両親の近くにいました。ジャライドにいるとき、私立の学校で勉強していました。父は両親が亡くなった後、ゴルロスにいるラマの祖父のところにやってきました。ラマの祖父は父を私立の学校にやり、モンゴル文字を学ばせました。4 年間学び、人に教えられるほどになり、父は 10 数人の学生を集めて、モンゴル文字を教えていました。ラマの祖父が父を助けて、教室にする場所を見つけてあげたのでしょう。そうしているとき、不幸にも学校が火事で燃えてしまい、父は帰る家が無くなってしまったそうです。当時、父は私のおじになる人と偶然知り合ったそうです。おじはチュー・シンシェン（初新生）と言います。モンゴル名はシニン・ニグン（元日の意）です。おじは父に自分の妹を紹介し、
「私の妹はどうですか。私の妹と結婚してください」
と母を指さしました。父は、井戸から水をくむ母を見て、気に入りました。それで父は
「いいです」
と結婚しました。結婚後、ゴルロスの中心小学校が教師を募集していたので、父は応募して採用され、ゴルロスの中心小学校で教師をし、校長になりました。中心小学校の理事長は日本人だったそうです。そのため、そこで教師にするには必ず日本語ができなくてなりません。毎朝、日本語の歌を歌い、国旗を掲揚します。それで、父も日本語を勉強しました。

1945 年父は革命に入りました。100 人以上の学生を連れて、騎馬軍を編成し、共産党につきました。父は 1949 年に内モンゴルの保健衛生学校の文化教員[46]、チチハルの軍大学の文化教員などの仕事をしていました。父は 1949 年に母と私の 2 人をジャライドに送り、再びウランホトに迎えました。ウランホトで母は軍服を縫う会社で働いていました。そして、1950 年に父は張家口に行き、騎馬軍の雑誌を編集するところで働きました。母も父について張家口に行き、張家口陸軍医院で看護師になりました。その医院を今は 253 医院と言うようです。当時、母も革命に入りました。母は陸軍医院で看護師になり、しばらくして看

[46] 教養科目を担当する教員。

護師長になりました。母は若くして軍隊に入り、文盲は過ちだ、と文字を勉強しました。1952 年、父は軍隊に戻り、仕事をかえ、ウランホトにまた戻ってきて、内モンゴル師範学院の人事室長になりました。当時、内モンゴル師範学院はウランホトにありました。父はモンゴルのために、共産党はモンゴルに良いのではないかと考え、1952 年に共産党に入りました。戈瓦という人の紹介で党に入りました。戈瓦は当時、師範学院の副院長でした。

1954 年に内モンゴル師範学院をフフホトに開校するということで、父はフフホトに転勤になりました。母も内モンゴル師範学院の医院で仕事をすることになりました。私は幼い時、張家口の幹部子弟第一小学校というモンゴル学校で勉強していました。私たち家族がフフホトに来た後は、師範学院附属小学校に入り勉強しました。当時、フフホト直属第一小学校という名前だったように思います。現在のフフホト・モンゴル学校です。私は 1957 年に小学校を卒業し、師範学院附属中学に試験を経て入り、学びました。しかし、私はスポーツが好きだったので、1957 年に課外のフフホト・スピードスケートクラスに入り、練習しました。1958 年に私は全国中学スピードスケート大会に出場しました。1959 年に内モンゴル・スピードスケートクラスができました。父は私がスポーツ選手になることが気に入りませんでした。私は幼い時から本当に男の子のようで、おてんばでした。両親が軍隊にいたので、私は鉄砲で遊ぶのが好きでした。弾の入ってない鉄砲で遊びます。私は幼い時からスポーツが好きで、また才能がありました。私がスポーツ選手になることに父は絶対に反対でした。小学生の時、私をスピードスケートクラスに入れるという時に、父は反対しました。私はフフホトを代表して 1958 年に全国大会に出場しました。1959 年にスピードスケートクラスができた時、私がそのクラスに入ることを父は許しませんでした。スポーツ選手では教養のない無能な人間になると反対していました。

1954 年、私が 13 歳の時に、両親は離婚しました。両親が別れるときに、私は父についていきました。というのは、母の給料が安かったからです。母の月給は 40 元でした。父は 80 元でした。父の給料が多かったので、父についていきました。しかし、父のところで育ったといっても、気持ちは母のところにありました。両親が離婚したのには訳があります。1949 年に母は子宮を取ったので、二度と子どもを産むことできなくなりました。父はもう一人子どもが欲しかったのかもしれません。1954 年に父は内モンゴル師範学院の生徒を募集しにゴルロスに行った時、趙婉如を訪ねて結婚していないので、その人と暮らそうという気持ちになり、帰ってくるなり、

「離婚しろ」

と母を殴り、私のことも殴りました。母は私に

「このように殴られるのは大変です。離婚しようか」

と言いました。私は母に
「離婚しても殴るでしょうか」
と聞くと、母は
「離婚したら、殴ることはできません」
と言ったので、私は母に
「離婚して」
と説得し、離婚しました。
　そして、父は 1955 年にその趙婉如と結婚しました。継母の趙婉如は満族だそうです。長春の女子高等学校を卒業しています。当時では高学歴です。継母はゴルロス出身で、とても美しい人でした。もともと、父がゴルロスの中心小学校で校長だった時、趙婉如はその小学校の教学管理所の主任として働いていました。父はもとから彼女を知っていましたが、1954 年に再会した時、彼女の夫は亡くなっていました。夫と言っても 2 人の息子の父親というだけで、正式には結婚していなかったそうです。アヘンを吸っていました。それで、腹痛による下痢で亡くなったそうです。当時、ちょうど日本が爆撃している時で、継母は 2 人の子どもを連れて逃げていたそうです。父はその時学生を集めに行き、継母が誰とも再婚していないことを知り、気持ちが芽生えました。継母は 2 人の息子を連れてきました。ワンチンジャブ、ドグジェージャブという 2 人の息子です。その 2 人の息子の父はモンゴル人で、貴族出身、妾のいるお金持ちで、継母はその妾でした。そのため、継母には結婚証明書がありません。継母は公式には結婚したことがありませんでした。また、陳という姓の人と一緒になり、子どもが 1 人生まれましたが、よそに養子に出しています。父と一緒になる時、妊娠していました。その子どもを父の子どもと認知してもらおうとしましたが、父は認めませんでした。父ははっきり言う性格でしたので、
「その子が私の子どもでないにもかかわらず、私はなぜ私の子どもだと認めるのか」
と拒否しました。それで、継母は仕方なく、またよそに養子に出しました。包頭市の人にあげたそうです。そして、継母は父と一緒になった後、私をいじめて、実母のところに追い返そうと考えました。継母と父の 2 人は
「お前の息子は、、、」
「あんたの娘は、、、」
などとよくケンカをします。継母は私をいじめて追い出したかったのです。当時、父は私に
「おまえの母さんと別れて後悔している。お前を行かせるわけにはいかない」
とよく話していました。継母が連れてきた 2 人の息子は私の弟になります。弟がフフホト

に来た時中国語で勉強していました。6 年生になった人を、モンゴル語を勉強させるために、無理やり 1 年生のクラスに入れました。長期休暇中にも師範学院の学生が来てモンゴル語を教え、クラスについていけるようになると、1 年生から 4 年生、6 年生に飛び級して勉強しました。継母は私を嫌っていましたが、私はその 2 人の息子との関係はとても良かったです。今でも、私たちは連絡を取りあっています。継母の 2 人の息子にはそれぞれ子どもがいます。次男の息子はテメーチン（ラクダを放牧する人の意）と言い、長男の息子はアンチン（狩人の意）と言います。継母にはそのような 2 人の孫息子がいます。継母の次男のドグジェージャブはアメリカに行きました。長男のワンチンジャブはアルホルチン（阿魯科尔沁）旗で結婚し、2 人の子どもがいます。1970 年に落馬して亡くなりました。その息子はアドーチン（馬群を放牧する人の意）と言い、娘はナラスと言います。今アルホルチンにいます。次男のドグジェージャブはアメリカに行きました。

私の父は母と離婚しようと母を殴り、また継母の息子を殴ったので罰を受けました。継母の長男もまた母を罵り、弟を殴ります。父は継母の長男を礼儀がなってないと殴ってしつけるので、継母は息子を心配して、学校に父を訴えました。父は軍の皮ベルトで殴ります。私は男の子のようにおてんばだったので、3 日に 1 回は父に殴られます。私は屋根の上に出て、レンガを取って投げます。父が私をスポーツの練習に行かせまいと家に鍵をかけて外出すると、私は水道管の中をくぐり外に出て、もう練習にも行けないので、映画を見に行っていました。私がおてんばなので、学校の先生や近所の人が父を訪ねてやってきます。私はおてんばでした。父は他人の息子を殴り、母と離婚しようと私にも怒りをぶつけました。継母の息子を殴ったため、父は学部長の職を解かれ、共産党も 2 か月の除名処分となりました。のちに、どちらも回復しました。父は私を誉めず、いつも悪く言います。父は私を

「政治、文化、何も無く、スポーツで何をするのか」

と罵ります。しかし、私はスポーツが好きで、また才能がありました。スポーツをすれば、足を折る、頭から血を流すなどよくあることです。しかし、父は殴ります。それで私は父に

「この家に暮らしません。継母と 2 人の子どもと仲良く暮らして」

とよく言っていました。

スポーツクラスの授業になると、父は私を家に閉じ込めて外出させません。大会にも参加させません。それで、スポーツクラスの主任が来て、父にお願いします。大会に参加させるために、学校から休暇証を取ってあげてくださいとお願いしましたよ。1959 年、私たち家族は内モンゴル大学の 16 号楼の 3 階に住んでいました。父が私を家の中に閉じ込めた

ので、1959 年の全国大会に参加することができませんでした。1960 年 2 月に内モンゴル大会に出場するために、私はハイラル（海拉尔）[47]市に行き、そこのスポーツ選手協会が私を採用したので、私はフフホトに戻りませんでした。戸籍簿、米穀通帳、共産主義青年団の団員関係などをハイラル市に持ってくるための手紙を父は書いてくれず、届けさせません。1 年余りたってから、内モンゴルスポーツ協会長に話しました。内モンゴルの文化庁長にも相談しました。それで、文化庁長が内モンゴル師範学院長のところに来て、

「ミチドセンゲの娘をスポーツ大会に出場させようとしても、父親のミチドセンゲが許可しません。国の仕事の邪魔をしています。ミチドセンゲをよく教育してください。幹部としての意識が低いようです」

と名前をあげて批判しました。附属師範学院の学籍簿がすぐにハイラル市のスポーツ選手協会に届きました。父は私に

「スポーツ選手になるなら、おまえの手足を折る」

と言っていました。また

「おまえがスポーツ選手になるのなら、親子の縁を切る」

と言います。「縁を切るなら切れ」と私は歯を食いしばって頑張ってきました。良いことも悪いことも父に二度と話すまいと、固く決心しました。その後、父と二度と連絡を取らないことにしました。

その後、1964 年に私はドイツの大会に出場するために、北京で 1 週間訓練をすることになりました。私がハルピンから北京に着く時、父が北京に来て待っていました。スポーツ選手協会にいた義兄が私の父に

「あなたの娘さんは外国に行こうとしています」

と伝えました。私は父に何も言っていませんでした。父は 1964 年に「四清運動」の小委員会長としてシリンゴル盟に派遣されて仕事することになりました。シリンゴル盟に行き仕事をする前に北京に来て、私を見送りました。父は軍用の革靴を履き、マーク（馬褲）と呼ばれる乗馬用の幅広のズボンを履いていました。とても威厳のある将軍のようでした。当時、私たちスポーツ選手は北京にあるドンシクア国立スポーツ選手協商賓館[48]に泊まっていました。父は北京にいる間、健康診断、練習などすべて私について来ました。一緒に練習していた選手たちは、娘を見るためにモンゴルのお父さんが来たと宴会を準備し、父を招待しました。父はテーブルで 1 人お酒を飲んでいました。茅台酒を飲みました。当時、

---

[47] フルンボイル（呼倫貝尔）盟（現在は市）に属する。

[48] 現在存在しないため、正式名称は不明。

茅台酒は 1 杯 4 元でしたよ。私の月給は当時わずか 18 元でした。父は酒を飲んで、思いを語ります。

「以前、私はスポーツを理解していませんでした。今は党の指導の下、良くなりました」と話しました。その時、私は外国に行き、3 位の成績を取りました。中国の選手の中で一番高い成績を取ってきました。

1965 年 3 月に、全国大会で新しい記録を樹立する目的で、内モンゴルと吉林とで一緒に、長白山のスピードスケートクラスに行き、15 日間訓練し、全国大会で新記録を出そうとしていました。高地で滑るのは陸地で滑るより成績が良いはずです。私はその時必ず良い結果を出せたはずです。しかし、高地に一緒にいた 1 人の女性の選手が私にぶつかって、スケート靴の刃がもう一方の足に刺さって転倒し、けがをし、私は気を失いました。記憶喪失になりました。そのため、軍用車で病院に運ばれました。軍病院でした。その病院を中国語で辺防長春医科大二病院と言いました。記憶があいまいになり、宿舎の 4 人の誰々というのを思い出せなくなりました。すぐに手術にとりかかろうとすると妊娠をしていたのでさらに 1 週間延期になりました。頭痛がひどく、体が片側に曲がっていました。私はけがをしてこのようになってしまったことを夫に手紙で知らせました。夫と言っても、当時結婚しておらず、ただ付き合っていた恋人ですよ。バヤンジルガルと言います。それで、「おまえさんは他の人を探してください、私はこのようになってしまいました」と手紙を書きました。夫は 16 頁もの返事をよこし、「別れません」と告げました。それで、1966 年に私たち 2 人は婚約しました。義母が来て、私たち 3 人で一緒に写真を撮り、それで婚約したとみなしました。夫はホルチン左翼後旗のバヤンセドルン公社のバヤシュラン出身です。

私の治療に半年以上かかりました。治療費を国が全部負担しました。1 本の足で跳ぶのであれば問題ありません。2 本の足で跳ぶと、尿が漏れます。そのような問題があるようになってしまいました。温泉と北京で交互に治療して治しました。翌年にリンクの上に出てみると、直線を滑る技術が良くなっていました。直線を滑るのは全国で 1 位になりました。1964 年にベルリン青少年連盟の代表大会に参加しました。また、ハルピンでの中日友好試合に出場し、私は全種目で 1 位を取りました。

外国へは 10 位に入れば行くことができます。外国に行っても私はやはり良い成績を収めました。しかし、全国大会で良い結果を出した人たちは、外国で試合に出ると成績が良くありませんでした。日本との試合が終わると 1966 年にノルウェーに行き、世界スピードスケート選手権に出場しました。16 位内に入ると出場できます。4 人が行き、2 人が出場しました。500 メートル、1000 メートル、1500 メートル、3000 メートルの 4 種目の合計点

を競うオールラウンドで 10 位に入りました。2000 メートルと 3000 メートルでは 7 位を取りました。この成績は中国からの参加者の中で一番良かったです。

世界選手権後から 3 日後に 2 度目の試合に参加しました。そこには世界選手権で 1 位を取った選手もいました。そこには 5, 6 か国が参加していました。2 回、1 位を取りました。しかし、賞状はなく、賞品だけです。当時、16 位以内に 2 人入っていれば、翌年の世界大会に 4 人出場することができます。その大会に日本からも参加していました。

1966 年 1 月元旦に日本から選手が来て、大会がありました。私はすべてで賞を得ました。そのため、私たちは日本の選手と一緒に世界選手権に出ました。そんなに良い成績ではありませんでしたが、国内では一番良かったです。当時、私の成績が一番良いときでした。しかしながら、文化大革命が始まると、私たちを世界選手権に参加させませんでした。そうでなければ、私は良い成績を収めて、国旗を掲げることができたと思っています。

1963 年、中国は世界選手権で 2 位、3 位に入っていました。

当時、私は 30 歳前に結婚してはいけませんでした。全国大会で第 3 位に入ることが求められていました。

1965 年に私が頭を打った時、ウラーンフー[49]は内モンゴルの優秀スポーツ選手に会いに来ました。そのとき、私に

「夫はいますか」

とたずねたので、私は

「います」

と言いました。

「困ったことがありますか」

と聞きました。母は 1960 年に故郷のゴルロスに戻り、肺病になり、とても具合が悪かったです。それで、私は

「母をここに連れてきたいと思っています」

と伝えました。しかし、ウラーンフーは

「その希望を叶えることはできません」

と言いました。しかし、フルンボイル（呼倫貝尓）盟長に話をつけてくれました。それで、私がいるハイラル市に母を来させ、仕事をくれました。母は以前病院で働いていたので、

---

[49] ウラーンフー（1906 年-1988 年）、別名雲澤。中華人民共和国成立後に内モンゴル自治区人民政府主席、中国共産党内モンゴル自治区委員会書記、内モンゴル軍区司令官兼政治委員。

ハイラル市に来させ、病院の仕事をくれました。母の容態は大変悪かったので、肺の腫れがさらに悪化し、母の月給は月 37 元余りにもかかわらず、月に 2 回も入院し、治療を受けました。それで、父に手紙を書き、お願いしました。父は私に 100 元を送ってくれました。そのとき、

「お金を受け取ったら、私にモンゴル語で手紙を書きなさい。受け取ってないなら、中国語で手紙を書きなさい」

と言いつけました。

あの継母に知られるのを恐れていました。当時、母には全部で 900 元余りの借金がありました。当時 900 元といったら、ものすごい額でしたよ。

国際大会後に、私は咽喉から血が出るようになり、1966 年に年末報告を終えると、フルンボイルに行き、試合に参加しました。私は体力がまったく無かったので、何を食べれば体力がつくのかを人に聞くと、豚肉と白菜の塩漬物と春雨の炒め物が良いと聞きました。そのため、それをよく食べました。2 年後の大会では 2 位になりまた。言うまでもなく、大会で金メダルももらったこともあります。ちょうど素晴らしい成績を収め、若い力で祖国に余りある名声をもたらそうという時に、文化大革命が始まりました。文化大革命になり、努力することができなくなりました。父は内モンゴル師範学院のモンゴル学部書記でした。そのため、父は内人党（内蒙古人民革命党）と糾弾されました。私は 1965 年にフフホトで共産党に入りました。しかし、1966 年になると、私を共産党に入れようとした人たちは皆統一党[50]にされました。また内人党、ウラーンフー、賀龍[51]、荣高棠[52]の修正主義の継承者だそうです。共産党への入党を紹介した人たちを内人党としました。

私には良い面も悪い面もありました。文化大革命で私は外国にも国内にも出ることができなくなり、母をよく看病することができました。1967 年に母の病は重くなりました。母は病気が重くなったのを悟り、亡くなる前に私が結婚するのを見届けてからあの世に行きますと言いました。それで、私は夫に電報を打ち、呼び出しました。夫はハイラル市にやってきました。それで、1967 年 11 月 27 日に私は夫と結婚しました。当時の結婚式はとて

---

[50] 中華民国初年の政党。

[51] 1896 年生。1952 年より国家体育運動委員会主任を務める。中国の体育事業の基礎を作った人物。1969 年に死去（張　2016：12）。国家体育運動委員会は政府機関の一つで国民の体育を指導推進し人民の健康を増進して国防と生産に奉仕することを任務とする。

[52] 1912 - 2006。1954 年より国家体育運動委員会副主任を務める。

（https://baike.baidu.com/item/%E8%8D%A3%E9%AB%98%E6%A3%A0）（2020 年 11 月 12 日最終確認）。

も質素でした。私たち 2 人は結婚しようと人から 30 元借りて、結婚式をあげました。飴を少しと、タバコ、凍った梨、凍ったトマト、ヒマワリの種[53]を買い、スポーツ選手協会会議室で簡単に式をあげました。私たち 2 人は楽器を演奏することができたので、式で私は笛を吹き、夫はバイオリンを弾きました。「結婚式の飴を取ってください」と母を直接招待しました。母の病が重くなっていると感じていたけれども、突然良くなりました。それで、急いで結婚式をあげました。しかし、母の病気は完全には良くならず、1970 年 4 月 6 日に亡くなりました。母が亡くなる時、わずか 49 歳でした。母は若くして亡くなりました。母の病が重くなった時、夫が来て、1 週間余り滞在して戻りました。ちょうどその時、私たち 2 人に初めての子どもができました。しかし、当時の状況を考え、その子どもを堕そうとしましたが、父が許しませんでした。最初の子どもは 1968 年 8 月 25 日に生まれ、ナラスと言います。子どもを取り上げた人は私に

「男の子の後に女の子が生まれます」

と言いました。次にまた子どもが生まれました。私たちには 3 人の子どもがいます。2 番目は 1970 年に、3 番目は 1977 年に生まれました。このように 3 人の子どもがいます。長女のナラスはキリスト教を信仰しています。今年（2018 年）で 50 歳になりました。独身で、結婚していません。現在、フフホトの体育局でコーチの仕事をしています。最近、日本人の友人ができ、よく交流しています。2 番目の子どもにはホニチン（羊飼いの意）という名前を付けようとしましたが、義母がその名前は良くないと、義兄の息子ナスンバトをまねて、ナスンウルジという名前を付けました。私たちは簡略してウルジと呼びます。3 番目にはガントムルという名前を付けようとしましたが、その名前は強すぎると言われ、下の息子は名前をホニチンにしました。夫もスピードスケート選手でした。1963 年に内モンゴル師範学院体育学部を受験して合格し、入学しました。師範学院を卒業し、内モンゴル大学に就職しました。スポーツ選手は年齢に限界があるので、早めに就職したほうが良いと考えたのでしょう。

私はスポーツ選手でしたが、1972 年から体育教師になりました。フルンボイルの体育局から連絡が来て、体育教師になりました。1975 年 3 月に私は長に昇進しました。スポーツ選手協会会長になりました。フルンボイルのスポーツ選手を訓練し、大会に出場させ、たくさんの賞をもらいました。ハイラル市でも仕事で良い業績をあげていました。父は名誉回復しましたが、完全に障がい者になってしまいました。父の名誉回復をする時に、私をフフホトの体育局の運動科長にしようとしました。当時、アルガムジヤーという科長がい

---

[53] 塩煎りして中の実をお茶うけとして食する。

ました。科長が 2 人もいるのは問題なので、私を副科長にしようとしましたが、うまくいきませんでした。それで、私をモンゴル大学に所属させ、簡単な仕事を 3 年しました。のちに、内モンゴル大学病院でオユンという院長だけが職位に残っていました。あとのポストは空いていました。「おまえさんは書記になってしまいなさい」と言われ、病院の書記になりました。科長の階級にもかかわらず、副処長級の書記になりました[54]。私は病院に配属され、そこで 1986 年から 1992 年までの 6 年間仕事をしました。

1992 年に私は内モンゴル大学労働組合に配属になり、副主席として仕事をしました。私は生まれつき道理に合わないことを見逃すことができません。スポーツ面で努力し成功しました。労働組合の副主席として仕事をして退職しました。離職休養[55]を取り、子どもスピードスケートクラスをはじめ、子どもたちにスピードスケートを教えようと申請し、始めました。緑化した場所を使ってくださいと言われました。スポーツ選手の活動功績について内モンゴル衛星放送テレビ局が私を取材しました。私は試合に参加するために、モスクワ、スイス、ポーランド、オランダ、ノルウェー、ドイツなど多くの国に行きました。生まれてこのかた、共産党のおかげで、とてもうまくいっています。国と共産党のスポーツ事業に尽力してきました。私自身、好きでした。それで、1970 年に長男を生んで 4 か月たつと、体を鍛え始めました。そのため、肺炎にかかり、試合に出ることができませんでした。今は年を取りました。私は 62 歳で糖尿病になりました。しかし、今に至るまで、大したことありません。毎日 3 回、インシュリンを注射します。また、毎日散歩と適度な運動をします。長男夫婦の 2 人は仏教を信仰しています。長女はキリスト教を信仰しています。

1997 年父は 82 歳で亡くなりました。父は亡くなる時に私に

「私が亡くなった後、私の慰問金（1 万 2 千元）を継母に渡してください。おまえの実母に悪いことをしました」

と言いました。父は少しせっかちな性格でした。父は養子にした他人の子を殴り、学部長から降格されました。そのため、父が亡くなる時の月給はわずか 700 元でした。私たちは皆、父の遺言通りにしました。私たちにはお金、住まい、皆あるので、継母から奪うようなものは一つもありません。継母は父の死後、15 年長生きし、2012 年 7 月 12 日に亡くなりました。継母の生活を私たちはよく助けてあげていました。私は父を恨んだことがありますが、継母を恨んだことはありません。彼女に何か間違いがあったでしょうか。父が継母を求めたのであって、彼女が父を求めて離婚させたのではありません。継母の長男はア

---

[54] 中国の行政階級では、副科長、科長、副処長、処長と職位があがっていく。

[55] 老幹部、特に高級幹部が老齢、病気のために退任すること。

ルホルチンに行き、1970 年に亡くなりました。次男はアメリカに行ったので、母の面倒を見ることができません。亡くなるまで私たちが継母を世話しました。そのため、継母は
「思っていた人たちは隣にいないけど、慣れた人たちが隣にいますね」
とよく話していました。父の家は内モンゴル大学構内の 30 号棟にあります。父の死後も、継母はその家に住んでいました。2 階の東側の部屋です。継母は
「新しい家を買って息子にあげましょう」
と言っていました。私たちは彼女からもらうものはありません。共産党のおかげで、私たち自身とても良い生活を送っています。継母のアメリカに行った息子はコロラド州立大学で教授をしています。私たちは関係がとても良いです。彼は私たちをアメリカに連れて行きますと言っていました。しかし、手続きがとても面倒で、私たちは行くのをやめました。

1975 年に鄧小平が 3 年から 5 年田舎に行かなくてはならないという指示を出し、私をホーチンバルガ（陳巴尔虎）旗バローン・ウジュール（西烏珠尔）公社に行かせました。当時、私は 35 歳でした。子どもたちは父親と一緒にハイラル市の家にいました。厚い皮のモンゴル服を着て行きました。私に紅灯ブランドのラジオを与え、私を副書記にしました。私はそこに運動場をつくり、大会を開催しました。また、ヒツジを洗う用具も作ってあげました。多くの人のために仕事を頑張りました。当時、田舎に行った私たち 1 人につき 1 頭の馬が支給されました。馬を世話する人もいました。田舎では酒をよく飲みます。私は若い頃、酒を飲んでいました。酒を 500ml 飲んでも平気です。私が行った頃はお酒をよく飲んでいました。酔っぱらうと外に車が待っています。1960 年に国のスポーツ協会で訓練している時、スポーツ選手たちは酒をグラスで飲みます。1 杯 250ml です。私たちはホーチンバルガに 1 年余り暮らしました。鄧小平の指令がまた降りてきてすぐ、私たちはハイラル市に戻ってきました。ホーチンバルガに来た時、大歓迎を受けました。しかし、ハイラル市に戻る時、その公社の書記が私を行かせたくなく、引き留めようと、
「残ってください。あなたの夫を私たちの学校で働けるようにし、給料を増やします」
と説得しました。1981 年、夫がフフホトに異動になり、私も 1983 年にフフホトに来ました。1985 年に全国西部高山スピードスケート大会に出るために、選手たちが新疆に行く時、私もコーチとして行きました。当時、新疆でも私に残ってくださいと言いました。私は単刀直入の人ですよ。責任を持って仕事をします。担当する仕事は必ずきちんとやり遂げようと考える人です。

—自分の生まれ故郷に行きましたか。

私は実母の故郷であるゴルロスで生まれたにもかかわらず、再びゴルロスに行っていませんでした。それで、2019 年にゴルロスに行きました。親戚たちがとても温かく迎えてくれました。ツァガーン湖などの観光地にも行きました。ゴルロスでは高さ 22 メールのチンギスの彫像を建てています。大おじとおばに線香をあげました。彫像を建てていたので、おじの息子と一緒に線香をあげました。おじたちのところに母方のおばが 6 人いました。その前年の 2018 年に父の故郷のジャライドに行きました。祖父母の墓に線香をあげました。

聞き取り日時：2018 年 11 月 1 日、2020 年 8 月 14 日、2020 年 10 月 24 日、2021 年 5 月 2 日

聞き手：サランゲレル、白曉梅、児玉香菜子

場所：中国内モンゴル自治区フフホト市、内モンゴル大学桃李湖賓館

モンゴル料理レストラン『バヤン・ジョサール』

モンゴル・カフェ『アサル』

２．盟旗中心在住女性

人民教師―オユンゲレルさん

はじめに

わたしたちが聞き取りをするとき、オユンゲレルさんは北京にある中央民族大学で教員をしている末娘ゴワー夫婦の家でツァガーン・サルを過ごしていました。約束した日にゴワーさん夫婦の自宅を訪問すると、痩せて色白で、真っ黒な髪の美しいモンゴル人の婦人が笑顔で迎えてくれました。オユンゲレルさんの出身は内モンゴル自治区ヒンガン盟ホルチン（科尔沁）右翼前旗チャラスン（察尔森）鎮ボロホショー村です。オユンゲレルさんの職業はホルチン右翼前旗チャラスン小学校教師で、2008 年に定年退職しています。オユンゲレルさんの家族は皆、先祖代々民間の芸能一家で、ウリゲルチ[56]やホールチ[57]でした。オユンゲレルさんの父は有名なホールチで、父方のおじたちもまたホールチかウリゲルチだったそうです。オユンゲレルさん自身もホーリン・ウリゲル[58]に興味があったため、毎日ホーリン・ウリゲルを聞いていたと語ります。

オユンゲレルさんはすでに 70 歳でしたが、足腰はまっすぐで、健康的で、かつ聡明で、話は巧みで論理的でした。さらに、長く教師をしてきた人の風格で、活力がみなぎっていました。娘夫婦も一緒に質問し、家じゅう楽しく打ち解けた雰囲気のもとでの聞き取りとなりました[59]。

―ご自身の先祖についてよくご存じですか。祖父母から上の世代についてどれくらい分かりますか。ご自身の歴史、故郷、幼い頃の珍しいこと、きょうだい親戚、仕事、子どもについてすべて話してくださいませんか。自由に話してください。

私は祖父母より上の代についてはあまりよく分かりません。分かることを話します。

---

[56] ウリゲルチ（ulgerchi）とは、ウリゲルの吟唱者をいう。ウリゲル（ulger）とは、主に、内モンゴル東部地域に伝わる中国の歴代王朝の物語、モンゴルの英雄叙事詩、伝説、叙事民謡などの口承伝承を指す（スチンバト 2011：77）。

[57] ホールチ（huurchi）とは、四胡を低音で弾きながらウリゲルを演唱する芸能者をいう（スチンバト 2011：77）。

[58] 四胡を低音で弾きながら演唱されるウリゲルのこと（スチンバト 2011：77）。

[59] サランゲレルが聞き取りを行い、モンゴル文字に書き起こし、それを児玉が日本語に翻訳した。日本語訳では前後入れ替えているところがある。

私は辰年で、1952 年生まれです。今年 70 歳です。出身は今のヒンガン盟ホルチン右翼前旗です[60]。前旗は内モンゴルの東北部、大興安嶺の南麓にあるので、「前旗」と言っていいです。清代に前旗はホルチン六旗の一つでした。ホルチン六旗とはホルチン右旗前旗、中旗、後旗、ホルチン左翼前旗、中旗、後旗の 6 つを言います。ホルチン右翼三旗はジャサグド、トシャート、グン旗と言いました。本来、前旗はジャサグド旗と言いました。ホルチン右翼三旗は民国時代のある期間、黒龍江省に属していました。のちに、ヒンガン盟に入りました。その後、1967 年に吉林省に属しました[61]。1979 年に再度ヒンガン盟になりました。以前、ジャサグド旗の中心はオラーンホト（烏蘭浩特）でした。

私は前旗のチャラスン鎮[62]ボロホショー・ガチャ[63]に生まれました。チャラスン鎮はオラーンホトから北東に 15 キロ余り離れたところにあります。トール川がチャラスン鎮の北から南へと流れています。チャラスン鎮にはあわせて 15 のガチャがあります。モンゴル人はだいたい鎮全体の人口の 60 パーセントを占めています。本来、チャラスン鎮はトシャート旗とグン旗の中心でした。のちに、オラーンホトに移りました。今、旗の中心はホルチン鎮です。

チャラスンというのは木の名前です。故郷にチャラスンというクヌギの木がたくさんあったので木の名前を鎮の名前にしました。私の故郷では草木の名前にちなんで地名を付けることが多いです。

父方の祖父の名前はデルジェーと言います。祖母の名前はボラグと言います。父の家系にはホーリン・ウリゲルを話す、ホールチたちが多いです。父とその兄弟 5 人とも皆ホーリン・ウリゲルを語り、四胡を弾きます。父は三男です。父には 2 人の兄と 2 人の弟がいます。父の名前はモルトと言い、人びとは皆父をモルト・ホールチと呼んでいました。一番上のおじはハンジンシューと言い、こばなしを上手に話していたそうです。二番目のおじの名前はシャンホーと言います。四番目のおじの名前はオーラと言い、一番下のおじは

---

[60] 本テキストのモンゴル語表記はホルチン方言に準ずる。

[61] 〔モンゴル語注〕吉林省に属したのは 1969 年から 1979 年まで。

[62] 〔モンゴル語注〕ホルチン右翼前旗の下位行政区分には 9 つの鎮、1 つの郷、1 つの民族郷と 3 つのソムがある（2010 年から）。鎮はホルチン（科尔沁）鎮、ソロン（索倫）鎮、デブス（徳伯斯）鎮、ジューレヘン（居力很）鎮、チャラスン鎮、エルゲト（額尔格図）鎮、歸流河鎮、大石寨鎮、俄体鎮。郷はバルガステイ（巴日嘎斯台）郷で、民族郷はマンジュツン（満族屯）満族郷。ソムはオラーンモド（烏蘭毛都）ソム、アルダル（阿力得尔）ソム、トホム（桃合木）ソムである。

[63] ガチャは内モンゴル自治区の行政区画単位で、村に相当する。

ハダと言います。5 人皆農民でした。しかし、芸能面で才能がありました。父と一番上のおじはホーリン・ウリゲルを上手に話していたものです。

父にはまた 3 人の姉がいたと言いますが、私は会ったことがありません。父の 3 人の姉たちは黒龍江省の江東にいるときに嫁に行きました。父の姉たちの子どもたちとは後に連絡をとりあっています。関係は良いです。

母方の祖父母は今の黒龍江省のデルブト旗（杜爾伯特蒙古族自治県）にいました。そこは農業地域です。祖母は 1898 年生まれでした。1978 年に 80 歳で亡くなりました。母はトンガラグという名前です。母の干支は壬戌年です。義父の干支もまた壬戌年でした。1922 年生まれでした。私の末娘であるゴワーは彼女の母方の祖母と父方の祖父がちょうど 61 歳の時に生まれました。

私の母は幼いときから孤児でした。母の父は早くに亡くなり、母の母が別の人と再婚したため、母は孤児となり、母の父の妹の下で育ったそうです。母は 17 歳のときに結婚しました。私のおば[64]、つまり母の姉ソブドと母の姉妹 2 人はワンという姓の兄弟 2 人とそれぞれ結婚し、一つの家に暮らしていました。ワンという姓の兄弟は故郷でホワンという姓の金持ちの家で働いていました。私の 2 人の兄が生まれたとき、強盗たち[65]がホワンという姓の金持ちの家に来て、2 人の兄の父を捕まえて

「なんていう姓だ」

と聞いたので、

「ワンという姓です」

と答えたにもかかわらず、

「ホワンという姓だ」

と聞き間違えて、2 人の兄の父を殺してしまいました。しかし、母の姉であるおばの夫は殺されませんでした。生き残った母とおばとその夫と数人で夜中に一緒に逃げ出しました。逃げて、ボロホショーというところに来ました。この 2 人の兄のおば、つまり父の妹がボロホショーに嫁に行っていたので、頼って来たそうです。

---

[64] 〔モンゴル語注〕アニャー（aniya）は母の姉か妹、つまり母方のおばを言う。母方のおばを「ナガチ・エージ（nagachi eej」、「ナガ・エージ（naga eej)」、「ナガチ・エゲチ（nagachi egechi」と呼ぶところもある。中国語の「姨娘（yiniang)」から「イーニャン（iniyang)」とモンゴル語にして呼ぶところもある。

[65] 〔モンゴル語注〕「ホンフーズ（hong huuz)」で、これは強盗を指す方言。「紅胡子（honghuzi)」という中国語を音訳して読んだもの。「胡子」には髭という意味の外に、馬賊、匪賊の意味がある。

ボロホショーにやってきて、私の母は私の父と再婚しました。父の姓はハン（韓）で、私はハン・オユンゲレルと言います。実父は幼い時から孤児でとても貧しかったそうです。12 歳でハンという姓の家に仕事に行っていました。土地改革[66]の際に、雇農出身に決まりました。当時、出身を決める時に、雇農、貧農、小貧農、中農、富農、地主といくつかの階級に分けていました。雇農民というのは一番貧しい階級です。財産が何もなく貧しく、他人の家で働いていた人たちです。父は雇農でした。

一番上の兄が 5 歳、二番目の兄が 3 歳の時に母は父と結婚しました。母は再婚してから三番目の兄、私、弟の 3 人を生みました。つまり、私には 3 人の兄と 1 人の弟がいて、私は一人娘です。私たち 5 人きょうだいは 1 人の母から生まれましたが、2 人の父がいます。しかし、2 人の兄は幼い時から私の父を「父さん」と呼んでいます。私の父も普段から分け隔てなく自分の子どものように育てました。皆一つの家族で仲良く育ちました。どんなもめごともありませんでした。私たちの子どもたちも良い関係でいます。私の 2 人の大きい兄は違う姓で、ワンという姓です。一番下の兄と私と弟の 3 人はハンという姓です。しかし、私たち 5 人は同じように仲が良いです。

私たち 5 人きょうだいは皆チャラスン中学校を卒業しました。チャラスン中学校の創立は 1956 年です。

私の一番上の兄の名前はワン・シュンと言い、1941 年生まれで、巳年です。中学校を卒業後、オラーンホトの医学校で勉強していました。しかし、1966 年になるとその医学校が無くなりました。そのため、実家に帰ってきて農民をしていました。1979 年に民間の医師になりました。兄は片足が病気になり、その足を切断しました。足の血管が詰まる病気でした。今は片足だけになり不便なので、医者をやめました。しかし、たくさんの人が来て兄に治してもらっています。田舎の民間の医師です。兄嫁はラオ・ヤと言い、1949 年生まれで、丑年です。2 人には 5 人の子どもがいます。

二番目の兄の名前はダ・ダンと言い、1944 年生まれで、申年です。兄嫁はシュワ・シャンと言い、同じく申年です。2 番目の兄は 1963 年に中学校を卒業し、実家に戻ってきて働いていましたが、1964 年にマンジョーリ（満州里）市の国境軍に入りました。1970 年に軍隊から戻り、オラーンホトの財経局の市場管理事務室で働いていました。当時、兄嫁には仕事がありませんでした。そのため、黒竜江省の国営農場に異動し、兄嫁に仕事を見つけてきました。2 人はともにホルチン右翼前期大石寨鎮の食糧局で働き、今は退職しています。数年前に兄は亡くなりました。5 人の娘がいます。

---

[66] 土地改革についてはフスレ（2011）に詳しい。

三番目の兄はゲレルトと言い、1949 年生まれで、丑年です。中学校を卒業後、チャラスンの林業管理所で働いていました。後に、旗の林業局で働くようになり、今は退職しています。兄嫁はジン・リエン（金連）と言います。1952 年生まれで、辰年です。三番目の兄は 2013 年に肝臓が腫れる病気になり亡くなりました。3 人の子どもがいます。

弟の名前はジョロムトと言い、1957 年生まれで、酉年です。弟はまずチャラスン中学校を卒業し、1979 年にヒンガン師範学校に入り、2 年勉強して卒業しました。ボロホショー小学校で教師をしていました。弟は 40 歳過ぎの時に脳腫瘍になり、2000 年に亡くなりました。当時、給料は期日より遅れて支払われます。そのため、お金が足りず、治療できずに亡くなりました。嫁はドイ・ショーと言い、1959 年に生まれで、亥年で、農民です。3 人の子どもがいます。

1960 年代に合作化し、共同食堂で食べるようになりました。当時、3 種類の食堂がありました。仕事をしている人たちの食堂（労働食堂）、高齢の人たちの食堂（老年食堂）と学生の食堂（学生食堂）という 3 つです。食堂の食事は主に粥とトウモロコシ粉で作ったボーブ（パン、蒸しパン）です。このボーブは小麦粉にトウモロコシの切り株と皮を混ぜて粉にした食べる術がないものでした。しかし、他に食べるものが無いので、食べざるを得ませんでした。家族ごとに 1 人が食堂に行き、1 たらいの粥、家族人数分のトウモロコシ粉で作ったボーブをもらってきます。父が病気だったので、兄たちが家にいないときは私が食事をもらってきたこともありました。一度、私はドアのところでつまずいて転び、もらってきた、たらいに入った粥をこぼしてしまい、ボーブだけしか食べる物が無いときもありました。母は怒ったけれども、私をたたきませんでした。

父は幼い時から他人の家で働いてまわり、貧しい生活をしてきたので、肺の病気になりました。そのため、父は 54 歳で病気になり、おそらく 1962 年に 63 歳で亡くなりました。私が 10 歳の時です。父は病気だったのに、食事も悪く、栄養が足りず、さらに治療もできず、それで亡くなりました。母は 1998 年に亡くなりました。

私はボロホショー・ソムの小学校で学びました。1961 年に入学し、1966 年に小学校を卒業しました。勉強はよくできました。そのため、チャラスンの中学校を受験して入学しました。しかし、1966 年に文化大革命がはじまり、あまり学ぶことができず、半分仕事、半分勉強で、3 年で卒業しました。1968 年に卒業証明書をくれました。何も勉強できませんでした。1969 年から労働に参加しました。私たちは故郷に帰って来た知識青年、北京と

上海から地方にやって来た下放知識青年と呼ばれました。1971 年にボロホショー・ガチャの婦女連合会[67]の主任になりました。この仕事を 1975 年までしました。

夫[68]の名前はヘシグトと言います。1952 年生まれです。辰年です。アラドチラル（中国語で民主）生産大隊フフチョロート生産隊（バルガータ）[69]のフフチョロート村第八生産小隊出身です。私たち 2 人は同級生でした。夫は 1 年生から 4 年生までフフチョロート小学校で勉強しました。5 年生から 6 年生までボロホショーに来て学びました。そのときから私たちは同級生です。チャラスン中学校でも同級生でした。卒業時に 18 歳で、実家に戻りました。義父の姓はチュルグートです。ジンフー（金虎）という名前です。義父は私を嫁にしようと手を尽くし、私のおばのソブドを仲人にして、私たち 2 人を結婚させたのです。義父は 1999 年に亡くなりました。

当時、嫁をもらうときに婿側は嫁側に四種の神器を用意します。四種の神器とは自転車、腕時計、ミシンとラジオを言いました。婿側は私に衣服数着と自転車 1 台を買ってくれました。結婚式の際に、私は自分の給料で腕時計を買いました。また、私の故郷では結婚をするときに、嫁の側から婿の父とその兄弟たちにブーツを縫って送る習慣があります。当時私は婿の側に 7、8 足のブーツを縫いました。購入していた人もいたように思います。自分の枕も自分で縫います。自分のブーツもまた自分で縫ってもってきました。このブーツ

---

[67] 各民族各階層の婦人を団結し、各種の建設事業に参加し、婦人の権益と児童の福利を守り、婦人の思想・能力の向上、男女平等とともに夫人を徹底的に解放することを目的とする。

[68] 〔モンゴル語注〕聞き取りではオユンゲレルさんは終始自分の夫のことを「ゴワーの父」と呼んでいた。ゴワーはオユンゲレルさんの末娘で、聞き取りにゴワーさんも同席している。モンゴル人は夫を「家の主人」とし直接名前を呼ぶのを忌避する慣習がある。家の主人を名前で呼ぶ、もしくは「チー（chii、目下に使う二人称、おまえの意)」と呼ぶと、運気を下げると言い、忌避する習慣がある地域もある。そのため、モンゴル人はいつも夫婦で直接名前を呼びあわず、何か別の名前に呼び変えるか、あだ名で呼ぶようにしている。そのため、子どもたちはかなり大きくなるまで、自分の両親の本当の名前を知らず、周りの人たちが両親を呼ぶ名前や両親が互いに呼び合う名前を覚えたものである。他の人に対しても、妻は夫のことを「私の人」、「子どもの父さん」もしくは子どもの名前でたとえばオユンゲレルさんのように「ゴワーの父さん」というように呼ぶものである。夫が妻を語る際には、「家のひと」、「子どもの母さん」というように呼ぶ。本稿では「夫」に統一している。

[69] 人民公社の基礎となった村の生産組織。

を早く履きつぶした人は早く幸福な生活を送ると言います。そのため、私は早く履きつぶそうと思って、たくさん履いてすぐに捨てました。しかし、今ようやく幸せな生活を送っています。嫁入りをするとき、青色で装うと言います。義両親を元気にし、繁栄させる、実家も元気にし、繁栄させると青色の服で装います。ブーツもまた青色で、花の刺繍が縫ってあるブーツを履きます。結婚式にはたくさんの慣習がありました。上の世代では婿の帽子を奪います。婿に服を着せるときに、嫁側の親戚友人たちが婿のブーツを隠し、騒ぎを起こしていました。しかし、私たちが結婚式をあげた時にはそのような慣習をしてはいけないことになっていました。

結婚式後、私たちは別々の場所で働いていました。夫は旗の中心で仕事をしていて、1985年にようやくチャラスン獣医所に移ってきて、所長をしていました。私はフフチョロートとボロホショーで 13 年仕事をし、1988 年にチャラスン鎮に来ました。私たち 2 人はおそらく 10 年間、離れ離れに生活していました。

夫は 1975 年に吉林省農業大学に入学しました。当時、大学に行くには試験ではなく、人民公社と生産大隊の推薦が必要でした。これは「人民公社から来て、人民公社に帰る[70]、工農兵大学生」と言います。夫は獣医を学びました。そして、1977 年に大学を卒業して戻ってきて、試験を受けて、ダムジン前旗牧畜局に就職しました。当時、前旗の行政の中心はオラーンホトにありました。私たちは 1978 年 1 月 1 日に結婚しました。当時、私もまたチエンジン（中国語で前進）生産隊の工作隊[71]から地方の牧畜地域に派遣されて仕事をしていたので、結婚のために 3 日間の休暇を取り、結婚式をあげ、3 日で仕事に戻りました。当時、私は共産党員だったので、普段は休みを取ってはいけませんでした。ちょうど 1977 年から 1978 年は党の整風運動[72]が盛んでした。工作隊には工宣隊[73]、貧宣隊[74]、軍宣隊[75]という 3 つの班がありました。工作隊から休暇を取り、結婚式を挙げ、嫁ぎ先である夫の実家に行きました。

---

[70] 人民公社が学生を選抜・派遣して大学・中等専門学校に入学させ、卒業後は人民公社に配属させる制度。

[71] 政策遂行のため現地に派遣され、短期間指導工作にあたるチーム。比較的大規模な運動の際に組織される。

[72] 思想・作風を整頓すること。

[73] 各学校に派遣され学生の指導にあたった。

[74] 貧は貧下中農の略。

[75] 各学校・文化団体に派遣され学生や職員の指導にあたった。

当時、アラドチラル生産大隊の下に 10 余の生産隊がありました。1975 年に私を大学に入れると言っていましたが、行かせませんでした。生産大隊長が許可しませんでした。当時、夫と私は婚約しており、夫は大学入学を許可されましたが、

「彼ら 2 人が行ってしまうと、ここで仕事をする人がいない」

と言って、私は許可されませんでした。人民公社の書記もやはり許可しませんでした。

「おまえさんの生産大隊の書記は私におまえさんを大学に行かせるのを許可してはいけませんと言った」

と行かせませんでした。そのため、私は

「婦女連合会の仕事をしない」

と言って、辞めてしまいました。そのわかり、地域の人民教師（中国語で民辦教師）をするようになりました。私は 1975 年から 1979 年まで人民教師をしていました。当時の給料は点数を計算し、生産隊から支払われます。生産隊全体で 1 年の得点 2800 点を 5 で分けて、1 人年間 100 元くれます。1980 年に地域の民間教師を正規の教師にする政策ができ、私は試験をへて、国家事業として正式の教師になりました。人民教師をしている時、月給は 31.5 元でした。1980 年から正式の教師になると、月給は 41.5 元になりました。生活はとても大変でした。しかし、私自身大学に行くことができず、一生の後悔になっていましたので、3 人の子どもたちには何としてもしっかり勉強させ、大学に行かせようと歯を食いしばってきました。子どもたちが勉強好きなら、お金を借りてでも必ず子どもたちを学校に行かせよう、と心に決めていました。今、3 人の子どもたちは 3 人とも大学を卒業して、仕事についています。

私の長男はチョ・ヨンシャンと言い、1978 年生まれ、午年です。中学校はチャラスン中学校、高校はヒンガン盟ホルチン右翼前旗第一中学校、大学は吉林農業大学を卒業しました。今ヒンガン盟ホルチン右翼前旗の牧畜局で働いています。息子の嫁は金平と言い、1980 年生まれ、申年です。ホルチン右翼前旗の緑水繁殖牧場響出身で、中学校はオブルジルガー中学校、高校はホルチン右翼前旗第一中学校、大学は現在の通遼市にある内モンゴル民族大学を卒業しました。今はホルチン右翼前旗第五中学校で教員をしています。

長女はヨンメイと言い、1980 年生まれで、申年です。中学校はチャラスン中学校、高校はホルチン右翼前旗第一中学校、大学は内モンゴル民族大学を卒業しました。包頭市九原区政府の公務員です。娘婿の名前はホラルバトと言い、1980 年生まれ、申年、中学校はオラーンチャブ（烏蘭察布）盟モンゴル中学、高校は内モンゴル師範大学附属中学校、大学は内モンゴル財経学院を卒業しました。今、包頭市蒙商銀行に勤めています。

末娘はチュー・ゴワー（楚高娃）と言い、1982 年生まれ、戌年です。中学校はチャラスン中学校を卒業しましたが、高校は卒業していません。悲しいことに、結婚してから 13、14 年たった時、夫が亡くなりました。ゴワーが 9 歳の時、夫は病気で亡くなったのです。1991 年に亡くなりました。そのため、当時、生活が苦しかったのです。1 人分の給料で 3 人の子どもを学校に行かせるのは負担が大きかったです。中学校の学費、教科書代、宿舎費、食費、暖房費すべてを負担します。1 年で 170 余元にもなります。ゴワーは 1997 年に内モンゴル民族保育士学校に入り、4 年勉強して卒業しました。当時、就職先の割り当てをしており、故郷に戻ってきて、保育士をしていました。しかし、ゴワーは大学を受験したいと考えていました。

「大学受験がどんなのか試してみましょう。試験に受かっても大学には行きません。働きます」

と言って、内モンゴル師範大学を受験しました。受験に受かると、私の同僚と家族親戚は皆、私に

「大学に行かせる必要はありません。あなたの生活も大変でしょう」

と忠告しました。生活は本当に苦しかったです。当時、給料は期日より遅れて支払われます。そのため、大学の学費を払うお金がありませんでした。しかし、私は、他の家の子どもは大学を受験しても受かることができないのに、私の娘は合格したのに行かせなかったら、私は一生後悔する、と考え、娘を大学に行かせました。先に登録費を支払い、

「何があっても期日までに登録し、授業に遅れないように勉強しなさい。学費はお母さんが何とかして支払いますよ」

と言って、大学に行かせました。内モンゴル師範大学を卒業後は、全部ゴワー自身で決めて、修士課程、博士課程、ポスドクを自力で終えました。子どもたちが勉強好きなら、私も全力で子どもたちを応援します。他の家の子どもが中央民族大学に受かったのを見て、私も自分の子どもがそんなに良い学校に通うことができたらどんなに良いだろうかと思っていました。ゴワーは努力し、私の希望を実現しました。ゴワーは中央民族大学音楽学院で音楽、芸術研究の修士課程、博士課程を終え、卒業後は中国音楽学院のポスドクを 2 年しました。今、中央民族大学の音楽学院で准教授をしています。ゴワーは大変な努力家です。末っ子だと甘やかしていません。しかし、ゴワーはとても穏やかで素直な性格で、思ったことを直接言います。

婿の名前はホビスカルトと言います。ヒンガン盟トシャート旗出身です。今はホルチン右翼中旗と言います。ホビスカルトは中央民族大学を卒業し、中国教育部派遣でモンゴル国に行き、ウランバートル大学で修士号を取りました。中国に戻ってきてから、中央民族

大学の博士課程に入り勉強しました。卒業後、そのまま中央民族大学で教員をしています。少数民族語言文学学院の准教授です。専門はモンゴル民間文学です。

私は教師の仕事を 1975 年に得てから 33 年働き、2008 年に定年退職しました。私は仕事に対してとても努力しました。旗で何度も故郷の代表に選ばれ、会議に何度も参加しました。そのなかで覚えている会議は 1973 年に吉林省長春市で開かれた会議です。開催期間は半月にも及びました。その会議は吉林省で開かれた第 4 回全国少数民族女性代表たちの大きな会議でした。チャラスンからは 1 人だけモンゴル人女性が代表で、旗からは 21 人が参加しました。そのうち、6 人のモンゴル人女性と 1 人の朝鮮人女性が参加しました。当時、内モンゴル自治区の首席だったブへの姉のユン・ショベイ（ウランフーの長女、雲曙碧）に会いました。ユン・ショーベイは当時ジリム（哲里木）盟女性連合長でした。会議が終わる時に、千余りの人と一緒に写真を撮りました。その記念写真をパノラマで撮りました。その記念写真は私のところにありません。その大きな会議は 1973 年の夏に開かれました。当時私たちは吉林省白城市に属していたので、私は吉林省代表として参加しました。白城市をモンゴル語でシャージガイ市と言います。

私が退職するとき、ちょうど孫が生まれました。私の息子には 2 人の子どもがいます。その孫たち 2 人とも私が面倒をみました。下の子が 4 歳になり幼稚園に入るときに、包頭市に行き、娘の子どもの面倒をみました。上の子は 2009 年生まれです。下の子は 2013 年生まれです。

おわりに

オユンゲレルさんは教師の気風と責任感があると同時に、勇気ある、でも平凡な母です。オユンゲレルさんは苦しい生活のなかでも弱気にならず努力し、3 人の子どもを育てあげ、教育を受けさせ、「馬の鞍をなでることができ、あぶみに足をかけることができた」[76]だけではありません。今は孫たちの世話を面倒だと思わず、むしろ幸福なことだと考え、「今、私は幸せです」と何度も話していました。オユンゲレルさんの生活史は一人の個人的な歴史ではなく、社会の歴史、一時代の知識人の生活、過酷な生活経験です。1960 年代の食事は共同食堂から分け与えられる粥とトウモロコシ粉で作ったボーブだけでした。しかも、そのボーブは小麦粉にトウモロコシの切り株と皮を混ぜて粉にしたものです。1970 年代のオユンゲレルさんの月収はわずか 30, 40 元でした。中国の今の若い人たちがこれを聞いた

[76] 立派に子どもを育て上げた、の意。

ら、おとぎ話に出てくる話と思うでしょう。この生活史は、モンゴル地域の社会、文化のある困難な歴史であるとともに、国家の現代史でもあります。

聞き取り日時：2021 年 2 月 22 日、2021 年 8 月 18 日（電話）
聞き手：サランゲレル
場所：中国北京市ゴワー自宅

再会を果たせず―ツァヤンジさん

はじめに

ツァヤンジさんは聞き取り者のサランゲレルの姉である。サランゲレルは姉の治療のために、前もってフフホト入りして、ツァヤンジさんをフフホトの白塔空港で出迎えた。

ツァヤンジさんは西寧市から飛行機で来て、フフホト白塔空港に降り、サランゲレルが出迎えました。痩せて色白で、端正な白い歯をもち、美しいモンゴル人のお姉さんが笑顔で出てきました。恐ろしい重い病にかかり、1 か月前に手術を受けたので、体は弱っていました。しかし、妹のサランゲレルを見て、気持ちが高ぶって喜んでいたのは明らかでした。サランゲレルは出迎えて、病院に送り届けて入院させました。病院では、主にナゴンビリグ医師[77]の講義を聞いていました。入院日の翌日から時間が空いているときに聞き取りしました。ツァヤンジさんはフフノール省海西州デルヒー市ゴビ・ソム出身です。彼女は海西州党校を退職した普通の幹部です。ツァヤンジさんの家族は代々民間の芸術家で、民話、伝説を上手に語ります。彼女の母とその姉は歌を上手に歌い、英雄叙事詩や歴史物語を語るのが巧みで素晴らしい才能の家系の人たちでした。父は幼い頃にラマだったため、チベット語とモンゴル語の読み書きができ、家具を修理する器用な人でした。父自身も民話や歴史物語が好きな人でした。サランゲレルが聞き取りするとき、ツァヤンジさんはまだ 70 歳になっていませんでしたが、病気のために、足腰がかなり悪くなっていました。しかし、記憶は明晰で、涙もろく、優しい人です。夫のツェセンブも一緒だったので、聞き取りするときに、一緒に尋ね、話し、忘れていたことを思い出させ、足りないところを補い、聞き取りは楽しく進みました[78]。

---

[77] 新型の心理治療法、モンゴル医身心インタラクティブ療法の創始者。健康教育と心理催眠技術を有機的に結合し、人の心理的エネルギーと生理的潜在エネルギーを刺激して病気の治療を試みるもの（李 2019）。

[78] モンゴル語版扉写真の正確な撮影年は不明。1970 年代に撮影されたもので、30 代と思われる。

—あなたご自身の生まれについて、祖先の興味深い歴史や物語があれば、お話しいただけないでしょうか。祖父母の上の世代について何代まで数えることができますか。私にご自身の故郷、幼い頃の珍しいこと、きょうだい親戚、仕事、子どもについてすべて話してくださいませんか。自由に話してください。あなたの口述史を書きとめたいと思っています[79]。

はい、分かりました。私の口述史なんてありますか。私は上の世代の歴史についてよく知りません。分かっていることを話します。私は丑年で、1949 年にフルログ旗のゴビ・トホイというところに生まれたそうです。今年 68 歳です。現在のフフノール省海西州デルヒー市ゴビ・ソムのフルログ・トスフンです[80]。私の故郷にはフルログ湖とトスフン湖というつながった 2 つの美しい湖があります。むかし、その湖を賛美してフルログ旗と名付けたそうです。私の故郷のモンゴル人は偉大なる君主チンギス・ハーンの弟のハブト・ハサルの末裔とその属民だったそうです。本来、フフノールの 29 の旗の中でフルログ旗というのはとても有名な旗でした。

私たちを今ホシュート・モンゴル人とも呼びます。デード・モンゴル人とも言います。デルブン・オイラトとも言います。私は歴史を知りません。数年前に、私の母方の親戚、氏族についての歴史を書きます、と私たちに尋ねていました。私の数人のきょうだいたちは文字が分かり、学がある方々です。私のすぐ下の弟のツォグソムは地方で有名な素晴らしい文士です。彼は先頭に立って数人の親戚の目上の方々と一緒に祖先の歴史を書いているそうです。その歴史書はもうすぐ出版されるでしょう。そのなかに、私の祖先について「ウラン・オンブの 7 人の息子の末裔」と出ています。その 7 人の息子の一人の末裔が母方の祖父だそうです。私の母方の祖父の名前はソノムバルジョールでした。たくさんの経典をもつ居士だったそうです。また、たくさんの物語を語るとても賢い人だったと母はよく話していました。母もその父から覚えた物語を私たちが幼い時によく語ってくれたものでした。私は母方の祖父に会ったことはなく、ただ両親から聞いていただけです。母方の祖父ソノムバルジョールは兄弟 2 人で、兄は早くに亡くなったそうです。その兄の一人娘はマギダと言います。ヤヤ・メーレンというおじがいたそうです。私たちはよく知りません。私の母方の祖母はボリンツェナという名前だったそうです。祖母は 5 人の姉妹と兄 1 人だったそうです。祖母には 2 人の姉と 2 人の妹、兄が 1 人いました。祖母とは私が幼い時に会ったことがあるとはいえ、はっきり覚えていません。私のドンヤドというおじの家

---

[79] サランゲレルが聞き取りを行い、モンゴル文字に書き起こし、それを児玉が日本語に翻訳した。

[80] 本テキストのモンゴル語表記はオイラート方言に準ずる。

に住んでいました。一度母は私を連れて、訪問したことがあるとはいえ、幼かったので、どんな人だったのか覚えていません。いつ亡くなったのかも分かりません。私の母は 8 人きょうだいだったそうです。母には 3 人の兄と 3 人の弟と妹が 1 人いました。母の長兄の名はシルベ、次兄はリンチン、三兄は幼いときに亡くなっているので、名前を知りません。すぐ下の弟はドンヤド、その下の弟はナガン、一番下の弟はジンバと言います。妹はヤンチルと言います。

私の父方の親族はとても少ないです。祖父の名を私は知りません。早くに亡くなったようです。父方の祖母はよく知っています。おそらく 1967 年に亡くなったでしょう。祖母は私たち家族と一緒に暮らしていました。私たちを世話して育ててくれた恩のある祖母です。祖母の本名は分かりません。高齢だったので、故郷の人びとや親戚たちは皆ねえさんを意味するイェイェと尊敬を込めて呼んでいました。父は 2 人兄弟で、祖母には 2 人の息子がいたそうです。父の兄はサムバと言いました。とても早くに亡くなりました。サムバおじさんの子どもたちとは関係が良いです。ゴムツァグ、ナルダ、ナランチメグと言います。父の名はワサムダンと言いました。当時、父は地元で少ない文字の分かる人の 1 人でしたので、生産隊の倉庫管理員、会計、貧民協会責任者などの職務を持っていました。チベット語の経典を読み、モンゴル語とチベット語の読み書きができました。地元の中国語方言もできました。私の故郷には大規模な農場があったので、大勢の漢人の農民がいました。父は彼ら漢人農民と彼らの方言で話をし、ほとんど問題なく交流していました。

父はとても勤勉でした。父は子どもたちの見本のようでした。とても穏やかな性格で、優しい人でした。両親が子どもたちをしかりつけるのを私は一生涯見たことがありません。いつも両親 2 人は寡黙で、おとなしく、謙虚で慎み深く、勤勉で、質素な人たちでした。私は 7 人きょうだいです。私は祖母と両親とで 10 人家族でした。60 年代の苦しい時代に両親が私たちを育てるのにどれほか大変だったのかを考えると、心が痛みます。

私の母の名はダヒマーと言います。民話や英雄叙事詩をとても上手に話し、また、歌を上手に歌い、裁縫が得意な人でした。母はまた家畜の出産を世話するのがうまく、乳を上手に搾る模範牧畜民でした。生産隊の優秀な代表として県の政府の会議に出ていたものでした。私はきょうだいで上から 2 番目です。私の上に姉が 1 人いました。マンダルバーという名前でした。また歌がとても上手でした。不治の病にかかり、数年前に亡くなりました。実を言うと、姉が亡くなってから私はとてもつらく感じるようになりました。弟たちをとても気にかけるようになりました。私の上は姉一人だけだったので、気持ち的にとても頼っていたようです。人は老いるといつも考えることが多くなるものです。

私の夫はツェセンブと言います。1947 年生まれで、亥年です。ブランギル旗出身です。私たち 2 人は結婚してから長く子どもができませんでした。そのため、1980 年に夫の妹から娘を 1 人養子にしました。私が心から愛する一人娘です。ナランホワールという名前です。幼いときの名前はナナでした。私たちは皆ナナと可愛がって呼びます。生後 1 ヵ月で養子にし、牛乳と粉ミルクで育てました。私を「母」にしてくれた自分の一人娘を私は思う存分育てようと考えたものでした。成長の一歩ごとに私たち 2 人は喜びあい、子孫がいる人が享受すべき幸せをすべて享受して楽しんできました。私の娘は今大きくなり、結婚し、順調です。婿はバヤルという名前です。とても良い婿です。今、私はこのように悪い病気にかかり、一人娘を苦しませるのを恐れ、とても心配しています。早く治るようにと祈っています。そのため、決意してこの内モンゴルの病院にやってきました。愛する一人娘のために心配しています。娘は簡単に泣いてしまう、とても優しい気持ちの持ち主です。私の体はここ数年でかなり悪くなりました。それで、足が痛くて仕方がないので、姉の息子のエンヘは私を連れて医師に見せました。すると、子宮ガンかもしれないと、西寧市の大きい病院に行く必要があると医師と相談しました。それで、西寧市人民病院に行き、診てもらうと、ガンというのは正しいですと言い、至急手術をする必要があるとそのままそこで手術しました。しかし、私は手術後、抗ガン治療を受けませんでした。ナゴンビリグ医師の講義が効くと聞いて、そのままフフホトに来ました。

—今回、治療に来て、病気がよくなったのが分かりますか。どのような効果がありますか。

病気の状態はもとのままです。病室は少し冷えます。しかし、フフホトはとても良いです。病院にいる人たちは皆モンゴル人です。どこでもモンゴル語で話しています。これは良いです。医師たちもほぼ皆モンゴル人です。一昨日、検査した結果が出たと夫が行ってきました。病院に来た時は鉄分とタンパク質は 168 でした。しかし、一昨日に調べた出た結果は 197 に変化したそうです。このように早く上がるはずがないのにどうなっているのかと夫は少し心配していました。私は医師に何度も尋ねました。私の担当だった中年の医師は少しも気にかけない様子で

「大丈夫です。その数値はいつも安定していません。数日後には下がりますよ」

と言いましたので、少し安心しました。今、私は一人娘がとても恋しいので、3 週間の病院の講義を聞き終えたら、退院して故郷に戻るつもりです。

私の体は幼いときから丈夫ではありませんでしたよ。幼いときに両膝が曲がり、一時期起き上がることができなくなりました。父は家の陽が当たるところに置いて、私を座らせ、両膝にヤギ皮で作った敷物をかぶせて、太陽に当てていました。あとでモンゴル薬を塗っ

てよくなりました。少したってから膝、足腰が、結婚後には胃痛で飲食がままなりませんでした。いろいろな薬を飲みました。のちに、夫を連れてオラーン県に行き、2 つの肩甲骨の下にある筋肉の上にある種の薬をつけた糸をおく治療をしました。また、モンゴル薬も飲みました。そして、飲食に気を付けているうちに少しずつ良くなりました。しかし、今も冷たいもの、変なものを食べると、胃が痛みます。私は幼いときから甘やかされて育ちました。私は父のお気に入りでした。私をよく「ウシの目の娘よ」と可愛がっていました。私の目は大きいです。はっきりした目鼻立ちで、父のきょうだいに似ていると母がよく言っていました。私には姉が 1 人いたので、家事をそんなにしませんでした。学校に通い、就職し、結婚し、家を出ました。両親に恩返しできていません。しかし、私の姉は一番上ですから学校にも行っておらず、両親を助けて家畜を放牧し、弟妹たちを世話してきました。15 歳という幼いときに結婚しました。姉はとても勤勉で、きれい好きな人でした。

—ご自身の学業と仕事について話してくださいませんか。

私は 1959 年か 60 年にゴビ・モンゴル小学校に入学し、勉強しました。当時、夏休みの時期に先生たちが家々をまわり、「学齢にたっした子どもは学校に通わせよう」と宣伝していました。先生たちは家に来て、名前を登録していきます。当時、家は牧畜地域にあり、ウマに乗って 1 日かかるほど学校から遠くはなれていました。学校では子どもたちは寮に暮らすために、かなり大きくなってから学校に入学していました。年齢が小さいと、家が恋しくて、両親が恋してく、子どもたちは泣いてよく勉強することができません。当時の小学校にルンドブいう先生がいました。私たちにことばと文字、算数を教えていました。私は算数が得意でした。幼い時、算数が好きでした。1964 年に学校を卒業したか、しないか分かりません。どちらにしろ、家に戻ってきて家畜を放牧するようになりました。

1964 年 9 月に海西州の党校に入学し勉強しました。当時、党校はツァイダムにありました。当時、衣類、布団、食器などの生活道具と文具を学校が支給していました。そして、1967 年に卒業するとき、数人の優秀な学生を学校に残し、職を与えました。私もまた残りました。私は学校に来て、1967 年から 1969 年まで海西州の党校で会計の仕事を担当しました。1969 年に国家政策と社会状況から党校が解散したので、私は地元に戻ってきました。当時、ちょうど 20 歳でした。家に戻ってきて、両親と家畜を放牧していました。のちに、1971 年に獣医を学び、地元で 3 年間家畜を治療していました。1974 年に夫と結婚し、デルヒー市で暮らすようになりました。新しい家はデルヒー市にありました。平屋の一間だけの部屋でした。当時の結婚はとてもシンプルでした。夫は当時デルヒー市にある海西州の銀行で働いていました。当時、私は臨時の仕事を少しして、ほとんどは家にいました。

1990 年に海西州党校が再建され、私たちを呼び出し、名前を登録しました。そして、1991 年に政策決定にもとづき、私の仕事を回復し、私に補うべき給料を補填して支払いました。私は仕事に復帰してまもなく退職しました。当時私はまだ 42 歳で若かったですが、一人娘が小学校に通っていたため、便利なようにと、早めに仕事を辞めて子どもをよく世話しようと思ったのです。

おわりに

2017 年のある日、地元から電話がきて、ツァヤンジさんが突然危篤になり、亡くなったとの知らせを受けました。最後に聞き取りした時、「秋の涼しくなった時に来てください。そのときゆっくり話しましょう」と約束していました。残念なことに、おそろしいその病気は残酷にも重くなり、長生きしておかしくない、優しい性格の素晴らしい女性との約束を守ることができませんでした。がんの闘病中にお亡くなりになりました。

聞き取り：サランゲレル

聞き取り日時：2016 年 12 月 18 日午後。その後、一週間一緒に暮らし、毎日時間と体調を見ながら、何度も聞き取りを行った。2017 年 5 月に西寧市で再度聞き取りした。

場所：国際蒙医院身心互動治療科（中国内モンゴル自治区フフホト市）

ホテル（フフノール省西寧市）

3．北京在住女性

オラーンムチルの有名歌手—マヌさん

はじめに

マヌさんはヒンガン盟ホルチン右翼中旗出身で、ホルチン右翼中旗はホーチン・トシャート旗と名高いです。マヌさんはトシャート旗のオラーンムチルでおよそ 30 年仕事し、有名な歌手の称号をもつ舞台女優でした。マヌさんの家族は皆芸術活動家と言ってよいです。夫は演奏家、息子もまた歌手で、ピアノ専門家、演奏家という多才な芸術家です。娘もまた芸術学院のピアノ講師です。マヌさんは 1995 年に仕事を退職し、1997 年に北京に来て自営業をはじめました。北京に来て、中央民族大学近郊にレストランを開いたのです。マヌさんは伝統的なモンゴル料理を作り、各地から来て学び、研究している学生や教員、内外の研究者から高い支持をうけています。言うまでもなく、北京で学んでいるさまざまな大学のモンゴル人学生が家庭料理や故郷のミルクティが恋しい時にはいつもマヌさんが経営するモンゴル料理レストランに来て、モンゴル料理を食べ、故郷の家に帰ったように感じます。

サランゲレルと児玉は 3 回聞き取りをしました[81]。第 1 回の聞き取りで「タリーン・モンゴルアイル」という名前のマヌさんが経営しているモンゴル料理レストランに私たちが行くと、白い丸顔の、歯並びの良い典型的なモンゴル美人のマヌさんが朝のお茶を飲んでいました。マヌさんは美しい目で微笑み、手をあげ、手招きしました。丸顔で微笑みながら話すのは本当に舞台芸術家で歌手だった人の活力を示していました。マヌさんは私たちにモンゴルのミルクティ、ウルム (クリーム)、アーロール (チーズ類) をごちそうしながら、インタビューを受けました。マヌさん家族は北京とフフホトに定住し生活しています。2 人の子どもはともにフフホトに仕事を得て家族と暮らしています。「孫たちがモンゴル語を忘れるのを心配して、夫は息子と娘をフフホトに就職させました」とマヌさんは話しています。ユーモアあふれるマヌさんの語りはとても楽しく、あっという間に時間がすぎました。

—こんにちは、私たちは少し聞き取りしたいです。大丈夫ですか。

だめということがあるでしょうか。でも、私に分かることがありますかね。

---

[81] 2018 年 9 月 23 日にマヌさんにサランゲレルと児玉が聞き取りし、サランゲレルが 2018 年 12 月 13 日に 2 回目の聞き取りをした。さらに、コロナ禍が落ち着いた 2023 年 8 月 22 日にサランゲレルと児玉で 3 回目の聞き取りをした。サランゲレルがモンゴル語に書き起こし、児玉が日本語に翻訳した。3 回目の聞き取りについては一部児玉が直接日本語に書き起こしている。日本語訳は年代順にあわせて編集している。

―私たちにご自分の口述史、生まれ故郷、幼い頃の興味深い話、きょうだい親戚、仕事、お子さんのことについて話してくれますか。遠慮せずに話してください。

では、話しましょう。私の名前はマヌと言います。マヌチェチェグと言っていました。しかし、今はマヌと呼ばれています。今はマヌで通っています。亥年です。1947 年生まれ、今年 72 歳（2018 年[82]）です。故郷は内モンゴル、ヒンガン盟ホルチン（科尔沁）右翼中旗です。本来はトシャート旗と言いました。先祖はボルギジン姓です。

私の父方の祖父は 4 人きょうだいでした。その 4 人きょうだいの一番下がトシャート王爺[83]の書記でした。そのため、私たちは王侯貴族になります。当時、私たちの家族はタイジ[84]階級でした。私の母方の祖父はメーレン[85]階級でした。そのため、この 2 家族は親戚になったので、皆富裕な貴族になりました。私の祖父は 1956 年に殺されました。ホルガ・メーレンという名前でした。私の父方の祖父の 4 人のきょうだいの子どもたちの中で一番年下が私の父でした。文字をよく勉強しました。また、日本語もよく勉強していました。当時、トシャート王府で日本語を教えている女性教師が 1 人いました。そこで、私の両親は日本語を勉強していました。私の母はその日本語の先生についてよく話していました。裁縫を教えるそうです。生け花を教えるそうです。そして、文字を教えるそうです。裕福な貴族たちの子どもたち数人にも教えていたそうです。その先生はのちに北京で生活したそうです。1983 年に母は日本語の先生に会うために北京に行き、先生と会ってきたそうです。その先生をとても懐かしんでいました。その日本語の先生の名前を何と言ったでしょうか、私は覚えていません。私のおばの子どもたちは分かります。母は存命です。今年 92 歳（2018 年）です[86]。その日本人の先生は母に包桂芳という名前を付けました。母の幼いときの名前はツァガーンバガナと言います。母は生まれてきたとき、真っ白な顔のかわいい娘だったそうです。それで、ツァガーンバガナ[87]という名前を付けたそうです。

父の名前はグンサンと言いました。その日本語の先生は父に薄喜明という中国語名をつけていました。父は当時、日本語ができたので、日本人の通訳を手伝う仕事をしていました。それがのちの革命のときに罪の一つになりました。「日本のスパイ」という帽子をかぶらせ闘争する際、一般の人は何がスパイというのかも分からないので、

「日本の 6 匹の犬を打倒しよう」

---

[82] コロナ禍をへて、2023 年には 77 歳。

[83] 王爺は王族、親王の意。

[84] チンギス・ハーンの子孫の称号で、清の朝廷から与えられる封爵。

[85] 官職で、満州語では旗兵隊の最高統領という意味（包 2016：262）。

[86] 2023 年の聞き取りで、2019 年の旧暦 1 月 18 日に亡くなったとのことである。

[87] モンゴル語でツァガーンが白の意。

と叫んでいました。しかし、父がどのようなスパイになるというのでしょう。モンゴル人で日本語が分かるので、モンゴル人と日本人の間の通訳になり、手伝っていただけですよ。
「罪を白状しなさい」
と言っても、父は何を話すでしょう？
「ないです」
「分かりません」
と言うと、
「おまえはうそをついているな」
と言って殴ります。背の高い帽子をかぶせられ、迫害します。私の父は大変な苦労を味わいました。父は「三反[88]五反[89]」、「四清運動」、どちらも批判闘争されました。土地改革が1947年に始まりました。金持ちたちの畑、家畜の群れすべてを没収して貧乏人に分配しました。私たち家族はすべての財産、家畜の群れ、去勢ウマの群れ、ヒツジの群れを没収されました。着ていた服以外、保管していたものをすべて没収していきました。それで貧乏になりました。のちに戻ってきていません。当時の考え方では金持ち貴族がどのように金持ちになったのかというと、貧しい平民たちを搾取して金持ちになったと考えていたので、金持ちたちの財産を没収して貧しい人たちに分け与えるのを、貧しい人たちのものを返してあげるということだった、と私は最も単純に理解しています。それで父は土地改革のあとに、その村の人民教師になりました。私のタラ村には数戸、おそらく5、6戸ありました。父はモンゴル語、中国語、日本語が分かります。当時、文字を知る人は少なかったので、父を人民教師にしました。そうでなければ、金持ち貴族が先生をしてはいけないでしょうね。当時、文盲を一掃していたので、文字の分かる人を教師にして文字を教えていました。のちに70，80歳の人たちが父を「先生、先生」と呼んでいましたよ。当時、文字を学んでいた学生がいました。両親が結婚する前、両家ともに家畜の群れがあり、農地をもち、裕福な家族でした。しかし、のちに父が旗中心で仕事をもつようになったために、家畜、農地を持ってはいけなくなりました。幹部は農地と家畜の群れを持ってはいけません。土地改革の前は、30、40人もいる大家族でした。

父は金持ち貴族で、日本のスパイなどいくつかの帽子をかぶり、前後17年間罪を着せられていました。のちに、共産党の恩情で名誉回復しました。それで、私の父は

---

[88] 党と政と軍の汚職、浪費、官僚主義の3つに反対して起こされた綱紀粛清運動。1951年10月の人民政協会議第3回全国委員会で決定され、12月から翌52年6月まで全国的に展開された。

[89] 贈収賄、脱税、国有資材の横領、仕事および資材の手ぬきごまかし、国家経済情報の盗洩など、すなわち五毒に反対し、その是正を要求する商工業界に対する粛清運動。三反とともに1951年10月人民政協会議第3回全国委員会で定められた。

「劉少奇と一緒に名誉回復されました」
と話していました。思うに、劉少奇が名誉回復された年に父も名誉回復されました[90]。それでこのような冗談を話していたようです。父は 1956 年から旗の文化衛生局長として働いていました。のちに打倒されましたが、共産党の政策のおかげで、父の名誉は回復され仕事に復帰し、旗の政治協商会議の主席になりました。そうして旗中心に住んでいて、亡くなりました。父はグンサンという名前で、1924 年生まれです。父は 1984 年 3 月 20 日に 60 歳で亡くなりました。父が亡くなって 40 年になります。母は 1926 年生まれです。元気です。92 歳（2018 年当時）です。母の実家はウジュムチンです。去年の 2017 年にウジュムチンの文化局の 1 人が「ホルガ・メーレンの娘が存命だそうです」と母のところに来て、いろいろ尋ねていったそうです。母は今、高齢になり、物忘れし、認知症になりました。しかし、ゆっくり話していると時おり思い出します。母は旗中心にいます。私の 2 人の妹が介護しています。私が行っても認識しません。

私の母方の祖父はメーレンでした。1956 年に亡くなりました。ホルガ・メーレンと呼ばれていました。トシャート旗の最期の王爺だったサヤジャブという人は私の母の兄です。旗誌にそれについての記録があります。祖父の写真もその本にあります。北京の方家胡同 72 号の家とその庭はおじのサヤジャブの家でしたよ。トシャート旗の最期の王府だったそうです。それで、80 年代に政策を実行するというので、母の兄のサヤジャブの子どもたちがその王府の家屋をもらおうと交渉するために北京に来ました。そのとき、北京でその日本語教師を探し出しました。

私は 1947 年 9 月 16 日に生まれました。私はのちに父のノートを見て誕生日を知りました。その前、私は全く知りませんでした。父は私の誕生日をノートに記録していました。しかし、陰暦で記していました。

私たちは 5 人きょうだいです。2 人の弟と 2 人の妹がいます。私は一番上です。上の弟の名前はウルンバトと言います。ウルンバトの幼名はバージンです。出生時に 8 斤[91]7 両[92]（4350 グラム）もの体重で生まれたそうです。そのため、祖母が
「バージンという名前をつけましょう」
とモンゴル語でナイムンジン[93]というのを中国語でバージン[94]と訳して名前を付けたそうです。

---

[90] 劉少奇（1898～1969）は中国の政治家で、1980 年に名誉回復されている。

[91] 1 斤は 500 グラム。

[92] 1 両は 50 グラム。

[93] ナヤンはモンゴル語で 8 の意。ジンはモンゴル語で 500 グラムの意。

[94] バーは中国語で 8 の意。ジンは中国語で斤、500 グラムの意。

「7 両は訳さないことになってしまい、完全ではないので、私は今も金持ちになることができないです。祖母が 7 両に加えてジュウジン[95]（9 斤）と名前を付けていたらどんなに良かっただろう」
と弟はこのように冗談を言っています。ウルンバトという名は日本語の先生がつけたそうです。

私は幼い時、歌が得意でした。ホルチン民謡を歌います。若い頃、私の髪はとても美しく長かったです。歌も上手に歌います。しかし、家庭の出身が悪く、富裕な貴族の娘ということで、どんな仕事にも就くことができませんでした。1979 年に私は 32 歳でようやく歌手としてオラーンムチルに入り仕事を得ました。私が若い時に歌っていたおかげで政策が変わった後に私を名指ししてオラーンムチルの歌手として採用したそうです。私の旗の旗長が
「とても上手に歌を歌う娘がいましたよね。彼女を見つけ出してきてオラーンムチルの歌手にしよう」
と命じたそうです。それで、歌手になりました。そうでなければ、若いとき、出身が悪かったためにどこにも行くことが許されませんでした。学校さえも入学できません。そのため、義両親の故郷に 1968 年に知識青年として田舎に行き、のちに人民教師になりました。私の義両親は貧農でした。私の義父が周囲にお願いして、私を人民教師にしました。私はそこで 9 年間人民教師をしました。そして、ある日車がきました。私をオラーンムチルに採用しますとやってきました。それで私は 32 歳で、2 人の子どもを連れて、オラーンムチルに入り、歌を歌いました。退職するまで歌を歌っていました。

出身が悪く、富裕な貴族だったと私たちを黒七類に含みました。黒七類には王侯貴族、地主、富農、反革命分子、走資派[96]などが入ります。私は 1965 年に中学校を卒業しました。若いとき、中国語が分かりませんでした。中学校に入ってようやく勉強しました。中国語はあまりできず、北京に来て習得しました。中国語を初めて習った授業は「共産党は素晴らしい」で、2 回目の授業は「6 月 1 日の児童節[97]」という随筆でした。当時、中国語の授業を校長が教えます。私たちのヒンガン盟にはモンゴル人が最も集中しています。そのため、モンゴル語がよく分かります。オラーンムチルにいるとき、全員モンゴル人でした。すべての演目はすべてモンゴル語でおこないます。当時の学生たちは中国語がよく分かりませんでした。中学校に入学してから中国語を勉強します。私は中学校を卒業してから、3 年間無職で、家にいました。というのは、金持ちの子どもなので、どのような仕事も分配

---

[95] ジュウは中国語で 9 の意。

[96] 資本主義の道を歩む実権派の意。

[97] 国際児童節。1949 年、国際民主婦人連盟の提唱で 6 月 1 日が国際児童節に指定された。中国では 1950 年から実施。

されませんでした。高校に通う権利もありません。労働者、農民、軍人の中から選抜されて大学入学を申請する資格もありません。夫は貧牧、貧農の子どもになります。本来、私も遠大な目標を持って勉強してきました。中学校を卒業して高校に入ります。高校を卒業して大学に入ることを期待していました。私は勉強が得意です。算数が特に得意でした。しかし、出身が悪いために、どこにも行くことができませんでした。のちに、1968 年に知識青年として田舎に行きました。旗の辺境のソムになるバローン・ジャリム・ソムに行かせられました。私は旗の初めての知識青年 13 人のうちの 1 人です。1968 年 8 月 13 日に田舎に行ったのを私は覚えています。13 日だったようです。のちに、党の政策を貫徹し、私たちの名誉を回復するとき、仕事を分配する際に、私が仕事をしていた期間を 1968 年から仕事を始めたとしました。党の恩情は素晴らしいです。バロードジャリム・ソムに知識青年として行き、そこで夫と知り合い、1969 年 11 月に私たち 2 人は結婚しました。夫の名前はゲレルトです。貧農の息子です。私の夫はバージルガー・ソム、ジャハーハダ・バグ[98]の人です。バー[99]の山という山があり、その山の名前からバージルガーと名付けたそうです。バージルガー・ソムはバーの山の南側にあります。夫が私と結婚するときに、私は黒七類で、出身が悪い人でした。黒七類なので、私を娶る人はいませんでした。当時、私はすでに 24 歳でした。当時すでに行き遅れた娘になります。私は夫に

「おまえさんは貧農出身の人ですから、私と一緒になってはだめですよ」

と言うと、

「私は恐れません」

と言いました。それで夫の同級生たち、友人たち、知り合いたちは

「おまえは貧農の子どもなのに、黒帮[100]と結婚したら、一緒に罪人になるのですよ。罪人になるのを恐れないのですか」

などとやめさせようとしたのを、私の夫は

「私は罪人になるのを恐れません」

と言ったそうです。当時、私からしたら、茶碗一杯分食べることができれば十分でした。当時は給料も与えません。1 か月 1 人分の食費を与えます。残りの給料を与えません。私たち家族は父母と私たち 7 人でしたから、食べ物を得ることがとても困難でした。私の夫と義両親は私を黒七類と嫌悪しませんでした。そのようにして、私たちは結婚しました。義理の家族は貧農でした。田舎の農民の家族でした。畑を耕します。ブタを飼育します。ニワトリを飼います。山に行き薪を背負います。私はどれも経験しました。土地を開墾し、犂を握るなどの仕事を全部しました。私たちの 2 人の子どもが幼いとき、私たちは義両親

---

[98] 内モンゴルの旧行政単位。今のガチャに相当する。

[99] バヤン山のバヤンを短くしてバーと呼んでいる。

[100] 反動組織、犯罪組織の意。出身が悪い人をこのように呼んで政治的に打倒の対象とした。

と一緒に暮らしていました。私たちが働いているときは義両親が 2 人の子どもをみていました。のちに、私たちが義両親の面倒を見て、2 人とも私の手の中で亡くなりました。義父は 86 歳で成仏しました。義母は 78 歳で成仏しました。とても困難な時代に、私の義両親 2 人は私を黒七類の悪い奴と蔑むことなく、温かい家族に迎え入れてくれたので、私はいつも感謝していました。今は時代がよくなりました。党のおかげで幸せです。

私たちの義父はオラーンハタのハラチン人でした。義父は幼年の頃から独りで貧しく何もなく本当に貧しい中、成長した人でした。7 歳のときに、義父の父が亡くなりました。それで、生活のすべがなくなり、義父の母は息子（義父）を連れて、村の付近の乞食になり、家々をまわっているうちに、義父の父の姉（義父の母からみると亡夫の姉）の家に着きました。そこで、おばは甥（義父）を残したけれども、弟嫁（義父の母）を追い出しました。義父の母は引き続き家々を手伝って歩く乞食をして、2 年後に、義父が 9 歳の時に、寒い冬に凍死したそうです。それで、おばは義父を寺院に連れて行き、ラマにしました。寺院に 7、8 年いて、16、17 歳のときに義父は寺院から出て、手伝いをし、肉体労働をし、命をつないでいました。そうしているうちに、私のトシャート旗に来て、居を定めて生活したそうです。他の家の家畜を放牧し、どんな仕事もして命をつないでいました。そうしているうちに、義母の家に着き雇われました。義母の実家もまた金持ちの家でした。地主でした。それで、義父は乞食をし義母の家で仕事をしているうちに見込まれて、娘と一緒になりました。義父母の 2 人は結婚し、義父は 48 歳で一人の息子に恵まれました。私の夫のゲレルトになります。夫には姉が 1 人、弟が 1 人います。1995 年に義姉はすでに亡くなっています。義弟は今年（2018 年）亡くなりました。

私たち夫婦には息子が 1 人と娘が 1 人います。息子の名前はトルゴールと言います。息子のトルゴールは 1992 年に「リンデンバンド（零点楽隊）」というバンドを結成し、北京に来ました。息子はそのバンドを最初に結成した人物です。当時、リンデンバンドとテンゲル[101]のボルダ・チョノー（蒼狼楽隊）[102]というのはとても有名でしたよ。

私は 1995 年に仕事を退職し、1997 年に息子について北京にきました。北京に来てすでに 21 年になります（2018 年現在）。北京にやってきたのは私の息子が 1992 年に北京に来ていたからです。私たちは旗中心に住んでいました。ちょうどそのとき、退職する年になりました。何をしましょう。そのとき、息子が

「北京に来て、小さなレストランを開いてはどうでしょう」

と言いました。当時、息子はテングルと一緒でしたが、北京にいるモンゴル人たちはモンゴル料理レストランがなく、モンゴル料理を食べることができませんでした。そこで小さなテーブルが 4 つ、個室 1 つだけのレストランを開きました。今の中央民族歌舞団、中央

---

[101] 中国語表記は騰格尓、テンゲルはモンゴル人で、著名な歌手。

[102] 1993 年にテンゲルによって結成されたバンド。

民族大学のそばです。魏公村[103]では初めてのモンゴル料理レストランでした。本当にたくさんの人が来て、食事をとりました。当時、北京にモンゴル料理レストランがあったのかどうか分かりません。おそらくなかったでしょう。

私が 52 歳で初めて北京にやってくるとき持っていたのはたったの 6 千元でした。飲食店を経営しなければ、生活は厳しいかったです。ちょうど 1997 年当時、娘婿はフフホトにある内モンゴル食品会社人力資源管理科で仕事をしていましたが、失業しました。失業して家で何をしましょう。それで、1997 年に婿も北京に一緒に呼びよせました。婿はそのとき包丁を握ることもできませんでした。今は素晴らしい料理人になりました。私たち 3 人でレストランを開きました。すべて私たちの家庭料理です。夫が得意なのはさまざまな楽器の演奏です。野菜について何も知りませんでした。ある日、

「お前さん、急いで野菜市場に行って、白菜を買ってきてください」

と言いました。何を買ってきたかというとレタスです。

当時の小さいレストランの家賃は年 6 万元でした。その家賃を支払うために、著名な歌手のデデマーさん[104]から息子がお金を借りました。息子と関係がよかったです。他の人から借りていません。当時、家賃は安かったです。開業する前に、準備したお金はすべてなくなりました。

「あれまあ、どうしよう」

と私が言うと、息子は

「開店すれば、お金は入ってきます」

と言いました。私たちは単純ですね。1 年後にすべて返済しました。

飲食店を経営する 30 年ぐらいのうちの 20 年くらいはすべてレストラン内で寝ていました。別の家を買えませんでした。しかし、10 年くらい前に国から規定が出て、飲食店を経営する際に経営者などは経営する飲食店内に寝泊まりしてはならないと制定しました。それで、私たちは魏公村に家を買いました。私たちは国の政策を守るだけでなく、慣習をよく守っています。お金は必要であるけれども、お金のために規則を破ってはいけません。

北京に来た当初、中国語を話すことができませんでした。その後、こんなに長い時間暮らしたので、中国語は上手になりました。北京に来ていろいろなことを学びました。モンゴル料理レストランでは自分が知っているものを出しています。別のレストランで学んだということはありません。私たちはホルチン料理を人びとに美味しく味わってほしいのですべての料理を自分たちで作っています。外から学んで作ったものはほとんどありません。ヒツジを屠殺しどのように解体するのか、どの肉をどのように食べるのかをまさにそのよ

---

[103] 北京市海淀区に位置する。

[104] 中国語表記は徳徳瑪。

うに作り、モンゴル人の家庭料理を作り味わってもらうという、このような考えでやってきました。

私たちのこのレストランは 4 軒目になります。4 回場所を変えています。そんなに大きくなく、5 つのテーブルがあります。言うまでもなく、中央民族大学から離れません。この大学の近くで 4 回場所をかえて経営しています。レストランの名前は「トルゴール[105]レストラン」、「トト[106]」、「タリーン・モンゴルアイル[107]」など何回か名前を変えています。少しずつ私たちのレストランは大きくなっていきました。

学生たちが来て、特にモンゴル人学生たちがお酒を飲みに来たら、罵ります。学生たちにお酒を飲ませません。

「お父さん、お母さんが汗水流して手に入れたお金でお前たち、お酒を飲むのですか。おまえさんたちがおなかを空かしているなら、ただでご飯を出してもよいです。でも、おまえさんたちが酔うほどお酒を飲むなら、私は認めません」

これら学生たちは今子どもをもつようになりましたが、彼らはここに来てお酒を飲むのを怖がります。あのおばあさんは怖いですよ、怖いですと。モンゴル料理レストランにチベット人も来ます。漢人はあまり来ません。ある日、3 人のチベット人がきました。大きくなった子どもを連れてきて、言いました。

「おばさんの話を聞いてとてもよかったです。当時、私たちにお酒を飲まさず、帰しました。別のレストランでは私のそばについて酒を飲ませます。やはり、おばさんが正しいです」

他のレストランでは学生からお金を取ろうとします。ラサからわざわざ私に会いに来てくれました。

ある人は

「ありがとう、おばさん。私たち子どもや学生への教育を手伝ってくれてありがとう」

と言いましたよ。

私たちのレストランには中央民族大学、北京理工大学、北京交通大学の先生たち、学生たちがきます。これらの学生たち皆知っています。これまで来てくれていたこれらの子どもたちを考えると、私には 100 人以上の息子がいることになります。

今（2018 年）、嫁の病気が重い病気にかかったために、息子は家で嫁の世話をすると同時に、自分で作曲したり、楽器を演奏したりなど芸術関係の仕事をしています。息子のトルゴールは戌年で、1969 年生まれ、今年 49 歳（2018 年現在）です。内モンゴル師範大学芸術学院のピアノ科で学び、1985 年に卒業しました。わずか 16 才でした。そのまま大学

---

[105] モンゴル語で、息子の名前に由来する。

[106] トルゴールを短くしてトトとした。

[107] モンゴル語で、草原のモンゴル家族の意。

に残り、6 年間教師をし、仕事を辞めました。そして、バンドを結成しました。2 人の子どもがいます。上は娘で、父と同じく戌年で、2006 年生まれ、13 歳です。フフホトにある私立のヤールン（婭倫）芸術学校に入りました。今、2 年生です。ピアノが得意なので、その学校に入学しました。嫁が重い病気になったので、早く自立しようと準備してその学校に入ったのです。下の息子は自分の母と同じ卯年で、2011 年生まれ、まだ 8 歳です。嫁は卯年で（1975 年生まれ)、今年 44 歳です。乳がんになり、乳房を切除しました。そして、6 年後にその病気は他の部位に転移しました。重い病気にかかってすでに 10 年になります。今年（2018 年)、骨に転移したそうです。それで、化学療法をして、髪の毛がすべて抜けました。月に 1 度北京に来て、中日友好病院で診てもらい治療を受けます。月に 1 回注射をします。1 回打つのに 2 万元かかります。海外から輸入した薬の注射です。なので、今、お金を使って寿命をのばしていると言えます。お金は重要ではなく、人の命が重要でしょう。4 年、その注射をしています。しかし、去年（2017 年）からその薬が保険適用になりました。それで、大丈夫です。月に 1 度、検査をし、1 回注射をします。半年に 1 回全身を検査します。2 年に 1 回全身を細かく検査します。嫁の心情は大丈夫です。心配して悲観している様子はありません。私もよく話して聞かせています。人は生まれたら必ず亡くなります。寿命というのは単に長いか短いかだけです。

「自分が過ごしやすいようにしてください」

と私は話して聞かせました。また、占い師が言ったそうです。

「病気を隠してはいけません。誰か聞く人がいれば、話しなさい。そうするといいです」

と。私たちは本来隠しません。病気を隠してどうしますか。嫁も病気を隠していません。息子のトルゴールは 2 人の子どもをフフホトの学校に通わせようとフフホトに行きました。そのため、フフホトに家を買い、2 人の子どもはフフホトで勉強しています。

娘はサロールと言います。子年で、1972 年生まれです。今、フフホトの芸術学院で教員をしています。ピアノの先生です。その芸術学院は本来内モンゴル大学付属でした。今は分かれて独立した学院になりました。私の 2 人の子どもはどちらもピアノを勉強しました。夫は弦楽器に才能があります。私たち 2 人はオラーンムチルで働いていました。私の夫は胡琴を演奏します。私は歌を歌います。私の 2 人の子どもはどちらもピアノを学び、卒業し、学校に残り、先生をしていました。娘は今も芸術学院で教員をしています。

私の娘のサロールには 2 人の娘がいます。サロールの上の娘は寅年で、1998 年生まれです。今、中央民族大学の美術学部で勉強しています。今年（2018 年)、学部 3 年生です。20 歳です。下の娘は母と同じ子年で、2008 年生まれです。私の孫は全部で 4 人います。私の家族はこのようです。

私の弟のウルンバトもまた北京に来て飲食店を経営していました。「ヒンガン・モンゴル・アイル」というモンゴル料理レストランがあったでしょう。ボロルの父です。私の上の弟ですよ。ボロルを知っていますか。ボロルは私の弟ウルンバトの子どもです。その飲

食店をするのをやめて、今北京で他の仕事をしています。弟の子どもをボロルと言います。子どもの学校関係の仕事をしています。書道を教えるなどです。ある先生と協力してやっています。うまく経営しています。ちょうど入ってきたのは私の妹ですよ。今、旗中心で仕事をしています。妹も知識青年として地方に行きました。

—この食堂を経営していますか。賃貸ですか。年間いくらですか[108]。

そうです。私が経営しています。このレストランの家賃は年間 24 万元です。それで、料理を作って稼いだお金から家賃を払うと、たった 10 万元だけ残ります。大金持ちになることはできません。このレストランを経営しないと、私たちはここで生活できません。私たちの年金では何もできませんよ。私たち 2 人の年金は年 4000 元で、あわせて年 8000 元です。このレストランの仕事を自分たちですべてします。人を雇いません。そのため、自分で事業を苦労して進めていれば、お金が入ります。そのため、大きな苦悩はありません。往々にして商売をするときに、一番能力がない商売人がレストランをすると言うものです。私たちには大きな財産は少しもありません。そのため、自分たちの力で苦労をして働いて手に入るのは元手だけです。気持ちを込める必要があります。お客に美味しく食べてもらうことができるように心を込めて作ります。食材を自分で手に入れます。肉を内モンゴルから入手します。それは高いです。しかし、祖先から伝わってきた伝統的な食の味をかえないように保つ必要があります。ここ北京の肉は美味しくないです。必ず内モンゴルから肉を入手しないといけません。弟が手伝っています。私たちは先祖からの継承してきたホルチンモンゴル料理を作ります。高齢の方にはスープ料理を作ります。若い人には固めに調整して作ります。両親に作っていた味です。年上の方にお椀をどのように渡すかで相手に尊敬を示す習慣があります。

—歌手だった時に、どの歌を歌うのが一番好きでしたか。オルティーンドー[109]（長唄）を歌っていましたか。

たくさんの美しい歌があります。皆、東北の民謡です。私はオルティーンドーを歌うことはできません。「シショワ・メーレン（Shishuai Meerin；希帅梅林）」という民謡があります。「シショ・メーレン」という呼ぶ人もいます。また、アルタンチェチェグ・ハトンの歌とも言います。シショワ・メーレンの妻はアルタンチェチェグと言います。まず、アルタンチェチェグ・ハトンの夫が歌います。シシュワ・メーレンは軍隊に戻ってから家を恋しく思って歌います。

---

[108] 2018 年に聞き取りしたとき、マヌさんのモンゴル料理レストラン「タリーン・モンゴルアイル」は中央民族大学の職員宿舎地区内にあった。

[109] モンゴル語で長い歌の意。

雨が降っています
　アー　ハーイ　メーレン　ホー
樹の茂みの下で雨宿り
恋しく思う気持ちを
盃と一緒に飲み込んで
　アー　ハーイ　メーレン　ホー
なだめます

アルタンチェチェグ・ハトンは夫を励まして歌っています。

岩のように硬い意志で
進んでください
　アー　ハーイ　メーレン　ホー
飛んでくる矢を避けて進んでください
飛んできた矢を避けた後に
　アー　ハーイ　メーレン　ホー
たくさんのモンゴル人を守ってください

―ありがとうございます。このように話したことを日本語もしくは英語で雑誌に発表してもよいですか。
　いいです。いいです。発表してください。しかし、私が話したことで発表するようなことがありますか。

　2023 年 8 月 22 日に再び聞き取りしたとき、かなり大きな変化がありました。レストランの場所が変わっていました。大学の敷地内から大学の外の新しい建物の 3 階に移転していました。レストランの内装はさらに美しくなっていました。中は広々としています。残念なことに、私たちが聞き取りに行ったときにはちょうどこのレストランをまた移転しているときでした。

―この新しい場所のレストランは本当に美しいですね。このような内装は高いですか。家賃は高いですか。この新しいレストランはいつ開店しましたか。どのような事情で今移転しているのですか。
　はじめから話しましょう。コロナ禍になり、大学構内に人が入れなくなったために、私たちは仕方なく 2020 年 12 月に「タリーン・モンゴルアイル」というレストランを閉めま

した。もう一つの原因は 2019 年 6 月に嫁が亡くなりました。長年患っていましたが、45 歳という若さで亡くなってしまいました。2 人の子どもは孤児になりました。今、上は 16 歳、高校 2 年生です（2023 年現在）。下は 12 歳で、今度中学生になります。ガンになり、12 年です。お金がかかり、亡くなりました。
嫁は話していました。
「お義母さんたちに恨みはありません。お義母さんたちはよく世話してくれました」
と。わずか 45 歳です。
　2 人の孫がフフホトで勉強していたので、孫に付き添うために、私たちは北京のレストランを閉めて、フフホトに行き、小さなレストランを出しました。新型コロナの状況が落ち着いているときに、中央民族大学の美術学部の知り合いの学生たちからウィーチャット（WeChat）[110]が来て、
「おばさん、北京に来てください。私たちはおばさんの料理が恋しいです」
と言います。それで、この新しい建物に部屋を借りて、レストランをまた開くことになりました。家賃は年間 134 万元です。ここの大家は旧野菜市場など 6 つの法人からなります。1 日の家賃は 6500 元です。また、改装費に 200 万元かかりました。大変な力を尽くし、多額のお金を使って改修して、2023 年 2 月 8 日にレストランを開店しました。しかし、場所の問題から事業はうまくいきませんでした。ちょうどその時、中央民族大学の新しい場所である豊台区にレストランを開店する広い土地が見つかったので、移転しているところです。今日午後 6 時までに必ず引っ越すように言われています。今度の新しいレストランは 1000 ㎡あまりの広さがあるにもかかわらず、家賃は年 50 余万元です。ここは 300 ㎡あまりです。内装に時間がかかるために、最初の 3 か月は家賃を取らないとしました。今、内装工事をしているところです。あなたたちが次に来るときには私たちは豊台区にいます。今回、ちょうど移転しているところです。申し訳ないです。

―コロナ禍のとき、どのようでしたか。苦労しましたか。
　コロナ禍ではレストランは閉めていました。営業させません。2020 年 10 月か 12 月からです。当時、レストランは構内にありました。構内に人を出入りさせません。政策では最低 3 か月、最大半年の家賃を免除します、と国家が言うのは素晴らしいです。しかし、どこにあるでしょうか。結局、支払います。ここの家賃はとても高いです。1 年で 134 万元です。家賃だけです。水道代、電気代、ガス代、人件費、業務管理費、衛生費など、今のレストランはあらゆる費用が求められます。国家からの補助金はありませんでした。それで、営業できなくなりました。これまでで成功しなかったのはこのレストランだけです。

---

[110] 中国語で微信（ウェイシン）。中国で開発されたメッセンジャーアプリで、広く使われている。

—コロナ禍の間、フードデリバリーをしましたか。

していました。餓了麼[111]と美団[112]どちらもしました。儲けになりませんでした。モンゴル料理は採算がとれません。モンゴル料理は食材の経費がかかります。シリンゴルからヒツジ肉と牛肉を買い入れます。北京の肉は美味しくありません。私も食べたくありません。匂いがあります。やはり草原の肉が良いです。肉など仕入れ代が高いです。フードデリバリーでは、美団ならそこにお金を払います。配送員の費用もかかります。残りはわずかです。むしろ損をします。

ある日、ボーズを作って、外に売りに歩いたこともあります。ある人がやってきて、誰か分かりません。見ると知人でした。その人は

「あなたのボーズを全部買います。二度と外に出てはいけません」

と言いました。3 日目にその人に会い、売り歩くのをやめました。2022 年の開業できないときです。他の人がしているのから学びました。

—新型コロナにかかりましたか。

私は 2 回新型コロナにかかりました。2022 年に北京でモンゴル料理レストランをしているときです。つらかったです。発熱は半日でした。病院には行きませんでした。イブプロフェン（布洛芬）[113]を 2 錠飲んでよくなりました。1 回目、私たち家族は全員新型コロナにかかりました。はじめに婿がかかり、次に私がかかり、私の次に 2 人の孫がかかりました。最後に夫がかかりました。夫は熱が出て、薬を飲みました。2 回目のときは 2023 年 3 月です。のどが痛く、咳がでただけで、熱は出ませんでした。どこでかかったのか分かりません。

2 人の孫は今大きくなりました。下の子は 12 歳で、中学校に入りました。2 人ともモンゴル語ができます。当時、嫁がいましたので、フフホトに行きました。今、北京に連れてきました。子どもたちを英語と中国語のバイリンガル学校に通わせています。授業はすべて英語で、中国語の通訳がいます。新東方という学校です。学費はとても高いです。年間 1 人 20 万元です。2 人で 40 万元です。私は息子に言いました。

「孫娘は大丈夫です。高校 2 年生ですから。孫息子を私の実家に連れていきましょう」

しかし、孫息子は同意しませんでした。孫はまだ 12 歳ですから、分かりません。来年私が連れていきます。ここで過ごさせません。その学校の学費は高すぎです。先生はすべて外国の先生です。

---

[111] 中国の食配サービスアプリ。配送者を通じてレストランの食事を注文者に配達している。

[112] 店舗についての口コミを掲載し、その情報を活用したフードデリバリーサービスを展開。

[113] 鎮痛薬

娘、サロールの娘は中央民族大学美術学部の絵画の専門を卒業し、去年の 2022 年に日本に行き、勉強しています。どこにいるのか分かりません。おそらく東京でしょう。来年から働きます。

おわりに

5 年後の 2023 年に再会したときに、マヌさんの外見に大きな変化はありませんでした。レストランの引っ越しが重なり、とても多忙だったにもかかわらず、私たちをとてもうれしそうに迎えてくれました。時間が原因で、十分に聞き取りすることができませんでした。マヌさんからホルチンモンゴルの飲食について、料理、肴の名称、味、栄養について、料理、食べ物、お茶飲み物の種類、準備の方法、盛り付けの習慣などのいくつもの蓄積されてきた知識を深く学ぶことができませんでした。そのため、私たちは次の聞き取りの際にはマヌさんの熟練した飲食について、あらゆる専門知識を詳しく専門的に記録しようと心に決めています。

聞き取り：サランゲレル、児玉香菜子
聞き取り日時：2018 年 9 月 23 日、2018 年 12 月 13 日、2023 年 8 月 22 日
場所：モンゴル料理レストラン、タリーン・モンゴルアイル（北京市）
中央民族大学キャンパス近くのレストラン（北京市）

オラーンムチルの公演で漫才劇を演じるマヌさん。1986 年撮影（マヌさん提供）

オラーンムチルの公演で独唱中のマヌさん。1986 年撮影（マヌさん提供）

あとがき

都市生活を送るモンゴル女性のオーラルヒストリーについて聞き取りし記録する研究プロジェクトは 2017 年からはじまりました。研究代表者は児玉香菜子千葉大学准教授です。しかし、私たちの聞き取りは 2014 年冬から始まったと言ってよいです。私たちははじめの数年は夏と冬の休みの期間を利用して、北京、内モンゴルのフフホトなど都市でフィールドワークを実施し、少なくない年配の方々に聞き取りをすることができました。残念なことに、ここ数年、新型コロナのパンデミックにより聞き取りはほとんど止まってしまいました。そのため、以前に聞き取りしたとしても、再度詳しく聞き取りして補うことができませんでした。新しく聞き取りすることもできなくなりました。しかし、プロジェクトが終了する年度になったため、ここに、かなりよく聞き取りできたと考えてよい 6 人のモンゴル人女性のオーラルヒストリーを整理してまとめ、すでに公開している日本語訳[114]もつけたささやかな小冊子を出版します。このプロジェクトの代表である日本千葉大学の児玉香菜子先生が私に「はじめに」もしくは「あとがき」の代わりに少し書きませんかと提案したというより、書いてくださいと依頼しました。実際、私も少し何か書きたいと思っていました。

年配の方々との会話は興味深い本を読むと同じく大変興味深いものです。ある作家は「私は本を読んでいるうちに作品を書くようになり、作家になりました」と話していたのを思い出しました。それで、私は年配の方々のオーラルヒストリーを聞いているうちに本当に高齢者のオーラルヒストリーの話し手になったと考えるようになりました。2001 年から 2002 年まで日本におけるモンゴル研究で著名な研究者である小長谷有紀教授の招聘により日本国立民族学博物館で客員教授として 1 年仕事をしました。そのときからオーラルヒストリーに魅せられるようになりました。当時、小長谷有紀教授と一緒におこなったフフノールのデート・モンゴルでのフィールドワークの記録をもとに「八十一歳の「跨歳節」)」について研究著書を書いていました[115]。モンゴルの高齢者の歳祝いについて書いているときに、日本にも歳祝いがあるのか興味を持ち、機会を利用して聞き取りを始めました。当

---

[114] サランゲレル・児玉香菜子(2018;2019;2021;2022;2023)、サランゲレルほか(2020)。

[115] 薩仁格日勒・小長谷有紀 (2002)『青海省モンゴル族民俗文化における資料とその解釈』(国立民族学博物館調査報告 No.30)。

時、私は土曜日もしくは日曜日のどちらかに大阪府箕面市ボランティア学習センターに行き、日本語や日本のさまざまな文化習慣について学んでいました。そこは、特に日本に招聘された外国の研究者やその家族に無料で日本語や日本の文化習慣を教えてくれるボランティア学習センターです。私が初めてそのセンターに行き、申請すると、今井さんと藤本さんという 2 人の先生が私の先生になりました。その学習センターでは決まった日に来て勉強する学生がそんなに多くないので、学生一人に 2 人から 3 人の先生をあてていました。というのは、そこの先生方は仕事が休みのときに来るボランティアの先生なので、時間を見て交替で来ていました。私の 2 人の先生は責任感が強く、大変真面目で、本当に素晴らしい心情の持ち主でした。私の記憶が正しければ、藤本先生はそのセンターの何か行政事務の仕事を担当していました。おそらく毎日センターに来ていました。そうして、私はその 2 人の先生から日本の歳祝いと習慣について聞き取りをし、日本語を上達させ、文化についての知識を得ると同時に、本当に多くのことを学びました。さらに重要なことは、私が一般の人びとの中に入り込み、彼女たちのオーラルヒストリーを聞き、記録する研究の重要性を知ったことです。

「一冊の厚い本を保管しておいて、時間があるときに読めばいいです。でも、お年寄りが元気なうちに聞き取りしないとその方の記憶にある知識は永久に得ることができなくなります」というのは本当です。そのため、私は長年にわたり小長谷有紀教授のプロジェクトに参加し、内モンゴルのエジネー、アラシャー、フルンボイルなどの地域でフィールドワークを実施し、オーラルヒストリーを収集整理し、出版してきました[116]。このたび、児玉香菜子先生が始めた都市に居住するモンゴルの女性たちのオーラルヒストリーを聞き取る仕事に喜んで参加しました。そして、私たちはフフホト、北京など都市に行き、手始めにおよそ 20 人に聞き取りしました。しかし、恐ろしい新型コロナの世界的な流行となり、聞き取り作業はおよそ 3 年余り止まってしまいました。本当に残念なことは再び聞き取りし、補足することができなくなってしまった方々がいることです。長年にわたり、オーラルヒストリーを聞き取る中で、本当にたくさんの素晴らしい人びとと出会いました。仕事が忙しい、暇な時間がない、そうでなければ、病気にもかかわらず、どのような状況下でも、私たちの聞き取りを喜んで受けてくれたたくさんの素晴らしいおばあさん、おねえさんたち。彼女らは感動的な、興味深い素晴らしい話を繰り広げ、予想していたのよりもずっと多くのことを聞き取りすることができました。疑いの気持ちをもつことなく思いやりの心

[116] Konagaya et al.（2011）、小長谷ほか（2014）。

を持って記憶から繰り広げてくれた豊かな話と信頼と思いやりの気持ちがなければ、私たちの仕事は一歩も進むことができなかったでしょう。

前述したように、このたび、私たちは日本語に訳してすでに編集した内容とモンゴル語の原典を一緒にして出版します。本研究プロジェクトは2023年度に終了しなくてはならないため、聞き取りしたものの、翻訳編集できなかったソミヤさん、福栄さん、ジャルガルさんなど少なくない人びとのオーラルヒストリーを本冊子に加えて出版することが間に合いませんでした。また、私たちは聞き取りに際し2回、3回と何度も聞き取りし、日本語に翻訳する過程でまた何度も加筆修正しているため、重複や、モンゴル語と日本語で順序が異なるものがあることを指摘しておきます。また日本語に翻訳する際に加えた日本語版の注釈についてはモンゴル語に翻訳しておりません。時間的な制限があり、多忙だっただけでなく、私たちの各方面の知識と能力の限界のために少なくない間違いがあるでしょう。読者の皆様の忌憚なき批判をお待ちしております。

私の記憶に強く残っているのは児玉香菜子先生が2人のまだ幼い子どもを連れて、1人を背負い、もう1人を抱っこして聞き取りをしていたことです。遠い異国にて極冬[117]の寒さを寒いと言わず、灼熱の暑さも暑いと言わず、幼い子どもを背負いながら聞き取りをしているのをみて、感服し、褒めたたえずには、心が奮い立たせられずにはいられませんでした。それをみて、私は100年以上前の女性の文化人類学者である鳥居君子氏(1881-1959)を思い出しました。鳥居氏もまた赤ちゃんを抱っこし、牛車で冬の寒いときに旅に出ており、フィールドワークの精神が継承されているなと心から思いました。学術研究というのは本当に美味しいものを食べ、柔らかい絹の上で横になる、という仕事ではないです。当時、児玉香菜子先生について来ていた2人の子どもは、上が4歳、下は2歳にもなっていませんでした。抱っこされ、お母さんの胸の前を奪いあう、わんぱくで活発な2人の女の子の本当にかわいい様子は出会ったすべての人の心を引き付け、気持ちを和ませてくれました。それは私たちの聞き取りの仕事を手伝ってくれたと言えるでしょう。この点で2人のかわいい女の子に心より愛と感謝を表しなければなりません。

90過ぎの高齢であるけれども、私たちが何度も聞き取りするのを面倒に思わず、大変うれしそうに引き受けてくださり、楽しく会話を交わし、貴重な知っていることを惜しみなく提供してくださったダリマーさん。重い病に倒れ、体も心も疲れていたけれども、私たちの質問にすべて余すことなく真剣に答えてくださり、さらに秋の涼しいときに再会を約

---

[117]117 原文では三九。冬至後3番目の9日間。この間は寒さがもっとも厳しいとされる。

束していたけれども、約束を果たすことなく天に昇って行ったチャヤンジさん。この二人の魂に祈りと深い哀悼の意を捧げます。

仕事と休みの時間を犠牲にして、貴重な知恵の遺産を惜しむことがなく提供してくれた、愛情あふれ、慎ましい様子のジンファーさん、著名なスポーツ選手のインチュンさん、人民教師のオユンゲレルさん、有名な歌手のマヌさんに深い感謝の意を表します。前後してかなりの年数継続してきたフィールドワークのすべての過程において、常に気にかけ、気づかってくださる小長谷有紀先生、あらゆる困難に直面したときに無条件で関心を寄せて手を差し伸べてくれた心温かい友人同僚、愛しい弟子たちに「ありがとう」と言うだけではこの感謝の気持ちを示すことはできません。本の福が天に広がって皆さまに届きますように！

2024 年 2 月吉日

千葉大学地域研究センターにて

サランゲレル

あとがき

本著は日本学術振興会科学研究費補助金基盤研究（C）「中国社会主義体制下モンゴル牧畜民女性の都市化過程における社会進出と生活経験」（17K03274）の助成を受けたもので、サランゲレル中央民族大学教授との共同研究である。ただし、サランゲレル先生は海外の研究者であるためにプロジェクト上では研究協力者という位置づけになっている。2017 年に採択された本課題の研究期間は 4 年で、2020 年に終了する予定であった。しかし、研究代表者で編者の 1 人である児玉の産前･産後休業および育児休業により 1 年開始が遅れた。2018 年度に本格的な聞き取りを実施し、2020 年 2 月にサランゲレル先生を千葉大学に外国人研究者として招聘、翻訳の編集確認作業を実施した。そのうえで、補足的な聞き取りおよび新たな聞き取りを計画している矢先に、新型コロナによる世界的なパンデミックがはじまった。中国は 2022 年まで入国後に長期の待機期間を設けていたことに加え、厳しいゼロコロナ政策により国内の移動も大きく制限していた。また、SNS をはじめとするオンラインによる聞き取りが文化人類学でも取り入れられているものの、本研究対象者はそうした研究手法にあまりなじまない方々が少なくなかった。2023 年夏にようやく北京を再訪し、北京在住のマヌさんに再度聞き取りを行うことができた。だが、その直後に体調を崩してしまった。新型コロナに感染したようだった。そして、2024 年 1 月に 4 年ぶりにサランゲレル先生を千葉大学外国人研究者として再び招聘することが実現した。

こうしなかで、毎年これまでの聞き取りで公開できるものは公開し、また別途英訳も進めてきた。今回収録したのはすでに公開した日本語訳にオリジナルのモンゴル語版を収めたものである。

ここに改めてダリマーさん、ジンファーさん、インチュンさん、オユンゲレルさん、ツァヤンジ、マヌさんに心よりお礼を申し上げる。残念なことに、ダリマーさんとツァヤンジさんが亡くなっている。心よりご冥福をお祈りいたします

本研究課題は 2023 年度をもって終了するものの、翻訳公開できていないソミヤさん、福英さん、ジャルガルさんらについては順次公開していきたい。また、ジンファーさんとインチュンさんの聞き取りの手助けをしてくださった白曉梅さんに感謝の意を表します。

最後に、出産育児、子連れの海外渡航に聞き取り調査、新型コロナの世界的なパンデミックというなかで、本研究を進め、本書を出版公開することができたのはひとえに研究協力者であり、共同研究者で、編者の 1 人であるサランゲレル先生のおかげである。中国都市在住モンゴル人女性という点でサランゲレル先生は実は当事者で、そうした点でも大い

に参考になるものであった。今後はサランゲレル先生はじめ、当該世代や都市在住二世についても対象を広げ、都市在住モンゴル人女性の多様な人生を記録していきたい。

児玉香菜子

引用文献

木村理子（2007）『モンゴルの仮面舞儀礼チャム ： 伝統文化の継承と創造の現場から』（ブックレット《アジアを学ぼう》 7）風響社.

小長谷有紀・サランゲレル・ソヨルマ（2014）『２０世紀におけるブリヤート人たち―中国内モンゴル自治区フルンボイルにおける口述史』（国立民族学博物館調査報告No.119.

サランゲレル・児玉香菜子（2018）「都市在住モンゴル人女性のオーラルヒストリー（１）ダリマ」『千葉大学ユーラシア言語文化論集』20：323-339.

――（2019）「都市在住モンゴル人女性のオーラルヒストリー（２）ジンファー」『千葉大学ユーラシア言語文化論集』21：175-180.

――（2021）「都市在住モンゴル人女性のオーラルヒストリー（４）オユンゲレル」『千葉大学ユーラシア言語文化論集』22：77-87.

――（2022）「都市在住モンゴル人女性のオーラルヒストリー（５）ツァヤンジ」『千葉大学ユーラシア言語文化論集』24：341-348.

――（2023）「都市在住モンゴル人女性のオーラルヒストリー（６）マヌ」『千葉大学ユーラシア言語文化論集』25：205-222.

サランゲレル・児玉香菜子・白曉梅（2020）「都市在住モンゴル人女性のオーラルヒストリー（３）オユンゲレル」『千葉大学ユーラシア言語文化論集』22: 375-387.

塩谷茂樹、E.プレブジャブ（2006）『モンゴル語ことわざ用法辞典』大学書林.

シ・ダリマー　土田博子訳（2017）『内モンゴルに生きて』澪標（私家版）.

スチンバト、サランゴワ訳 （2011）「ホールチの類型とウリゲルの説唱伝統」『千葉大学ユーラシア言語文化論集』13: 77-94.

ダリマー　土田博子訳（2013）「張北青年学校での 4 年間」『日本とモンゴル』48-1：91-100.

フスレ（2011）『中国共産党・国民党の対内モンゴル政策 ：1945-49年 ： 民族主義運動と国家建設との相克』風響社.

包宝海（2016）「草の根社会におけるガーダー・メイレンの記憶と語り」『言語・地域文化研究』22：261-286.

李同帰（2019）「身心互動療法　蒙医身心インタラクティブ療法の概要」『日本応用心理学会第 86 回大会プログラム』日本応用心理学会，21.

Konagaya, Yuki., Sarengerile and Kanako Kodama (2011) *An oral history of mothers in the Ejene Oasis, Inner Mongolia*, Shoukadoh.

巴彦淖尔盟誌編纂委員会（1997）『巴彦淖尔盟誌』（上）内蒙古人民出版社.
内蒙古植物誌編輯委員会（1994）『内蒙古植物誌』（第 2 版）第 5 巻　内蒙古人民出版社.
清格尔泰 1991『蒙古語語法』内蒙古人民出版社.
温都蘇編（1992）『蒙俄垃漢植物名称』内蒙古人民出版社.
張建偉 2016「賀龍」『上海集郵』2016 年 10 月号：11-12.

Darima （2007）“Soyol–un mör qaigsan minu dörban ǰil.” Sili-yin γol aimag–un ulus tör-yin ǰöblelgen-u soyol teüqe-yin komus nairaγulba. *Čaqar čiγulγan-u erdemsoyoltu monγol dumdadu surγaγuli –yin teüqen materiyal.* 3-151 頁（dotoγadu materiyal）（ダリマー「学問を探し求めた私の 4 年間」シリンゴル盟政協文史委員会編『チャハル盟エルデム・ソヨルトモンゴル中等教育学校歴史資料』（内部資料））.

米倉浩司・梶田忠（2003-）「BG Plants 和名－学名インデックス」（YList）, http://ylist.info.

『千葉大学ユーラシア言語文化論集』別冊 第 2 号
中国都市在住モンゴル人女性のオーラルヒストリー
2024 年 3 月 1 日

編者：児玉香菜子・サランゲレル
発行所：千葉大学ユーラシア言語文化論講座
〒263-8522　千葉市稲毛区弥生町 1-33
千葉大学文学部ユーラシア言語文化論
装丁：浩林鴻

ئەوەی دەیکات، دەکۆشێت لەو ڕێیەی ئەوانی لەو دەکات، هەروەها لە دەکات
ئەبێتە هەروەها دەکەوێتە دەستپێکردن

بەرهەمی وێنەیی هەو سەکەوە وێنەی بەرێتەی بیرهێنەر لە بیر مەرگی

سکرێت . هەیبر ڕێبوە ئەنگێتیوی
ئەو 3 ی/ی 2024